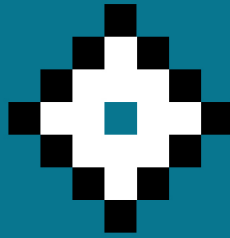


زمستان ۱۴۰۰

فاطمیه ۱۴۴۳

# ره تپوشته فاطمیه

مؤسسه جمادی تبلیغی بلاغی مبین



باهمکاری طلاب مدرسه علمیه امرالهی (ره) قم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ره تهنهه فاطمیه ۱۴۴۳

کتاب محتوایی مبلغان

موضوع: صبر

مؤسسه جهادی تبلیغی بلاغ مبین / حوزه علمیه امراللهی

پنجاه و پنجمین اردوی جهادی تبلیغی صدیقه کبری علیها السلام

فاطمیه ۱۴۴۳ هجری قمری

# فهرست

۲.....	فهرست
۸.....	مقدمه‌ای برای مبلّغان
۱۵.....	منبر
۱۶.....	جلسه اول
۱۶.....	احکام؛ نماز آیات
۱۶.....	آیات و روایات؛ تعریف صبر و حلم
۱۷.....	تمثیل؛ حنظل
۱۹.....	داستان؛ داماد شب عروسی کشته می‌شود
۲۱.....	مرثیه
۲۴.....	جلسه دوم
۲۴.....	احکام: روش اول نماز آیات
۲۴.....	روش دوم نماز آیات

- ۲۵..... آیات و روایات؛ ریشه صبر
- ۲۶..... تمثیل؛ میخ و چکش
- ۲۶..... داستان؛ سبب نجات
- ۲۷..... مرثیه
- ۳۱..... جلسه سوم
- ۳۱..... احکام: وقت نماز آیات
- ۳۱..... آیات و روایات؛ اهمیت صبر
- ۳۳..... تمثیل؛ تلمبه و آب
- ۳۴..... داستان؛ صبر و استعانت از قرآن
- ۳۵..... مرثیه
- ۳۸..... جلسه چهارم
- ۳۸..... احکام: بیان چند حکم در مورد نماز آیات
- ۳۸..... آیات و روایات؛ انواع صبر
- ۳۹..... تمثیل؛ تصادف با نرده‌های کنار جاده
- ۴۰..... داستان؛ ایمان کامل
- ۴۱..... مرثیه
- ۴۴..... جلسه پنجم
- ۴۴..... احکام: امر به معروف و نهی از منکر
- ۴۴..... آیات و روایات؛ توصیه به صبر
- ۴۸..... تمثیل؛ پنبه زن

۴۹	داستان؛ زن ابو طلحه انصاری .....
۵۰	مرثیه .....
۵۳	جلسه ششم .....
۵۳	احکام: بیان چند نکته .....
۵۳	آیات و روایات؛ آثار صبر .....
۵۷	تمثیل؛ ظلمت و خار .....
۵۷	داستان؛ پاداش شکیبایی .....
۵۸	مرثیه .....
۶۰	جلسه هفتم .....
۶۰	احکام: مراتب امر به معروف و نهی از منکر .....
۶۰	آیات و روایات؛ نشانه‌های صبر .....
۶۱	تمثیل؛ عجله مگس .....
۶۲	داستان؛ طریق آرامش .....
۶۲	مرثیه .....
۶۴	نوحه و سینه‌زنی .....
۶۵	سبک ۱ .....
۶۵	در و دیوار .....
۶۵	بستر .....
۶۵	شهادت .....
۶۶	سبک ۲ .....

۶۶..... در و دیوار..

۶۶..... شهادت

۶۷..... سبک ۳.

۶۷..... در و دیوار..

۶۷..... بستر

۶۷..... شهادت

۶۹..... سبک ۴.

۶۹..... در و دیوار..

۶۹..... بستر

۶۹..... کوچه

۷۰..... شب شهادت

۷۰..... روز شهادت

۷۱..... محفل روضه

۷۲..... شعر امام زمان

۷۳..... شعر مرثیه

۷۵..... مصائب

۷۵..... وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۷۷..... گنجینه مطالب

۷۸..... مناقب حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

۷۸..... مسلمان شدن چندین یهودی

- ۷۹..... خنثی شدن توطئه یهودیان
- ۷۹..... دعای مستجاب
- ۸۰..... محدثه بودن حضرت
- ۸۰..... مصحف فاطمه علیها السلام
- ۸۱..... داستان صبر رشید هجری
- ۸۳..... کلاسداری
- ۸۴..... مسابقه و بازی
- ۸۴..... بازی‌های نیازمند وسیله
- ۹۴..... بازی‌های بی‌نیاز از وسیله
- ۱۰۷..... شعر کودکانه
- ۱۰۸..... داستان کودکانه
- ۱۰۸..... داستان حدیث کساء
- ۱۱۱..... معرفی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
- ۱۱۹..... رنگ‌آمیزی
- ۱۱۹..... بهشت زیرپای مادران است
- ۱۲۰..... تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۲۰..... آموزش به دیگران
- ۱۲۱..... هدیه آسمانی
- ۱۲۱..... فدک
- ۱۲۲..... نامه پاره

- ۱۲۲ ..... سخنرانی مادرم
- ۱۲۳ ..... سخن با فرشتگان
- ۱۲۳ ..... هجوم به خانه
- ۱۲۴ ..... دفن شبانه
- ۱۲۴ ..... دسته عزاداری
- ۱۲۵ ..... حدیث کساء
- ۱۲۵ ..... کارِ خانه
- ۱۲۶ ..... دعا
- ۱۲۶ ..... کمک به فقیر
- ۱۲۷ ..... تولد
- ۱۲۹ ..... بازی تسییح



# مقدمه‌ای برای مبلغان

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هنگامیکه امام علی علیه السلام را به یمن فرستاد، فرمود: ای علی! هرگز با کسی جنگ مکن مگر اینکه قبلا او را به اسلام دعوت کرده باشی، که به خدا سوگند، اگر خداوند کسی را به دست تو هدایت کند برایت بهتر است از آنچه آفتاب بر آن طلوع و غروب میکند؛ و تو بر شخص هدایت شده ولایت داری، ای علی.<sup>۱</sup>

امام خامنه‌ای حفظه الله: رفتار، نشست و برخاست، مباشرت، نگاه و عبادت ما، دلبستگی یا دلبسته نبودن ما به تنعمات دنیوی و خورد و خواب ما، رساترین تبلیغ یا ضد تبلیغ است.

این کتاب که ره توشه نام دارد، در واقع یک دفترچه محتوایی است برای مبلغانی که در ماه محرم به روستاهای مختلف اعزام میشوند.

مؤسسه بلاغ مبین، مؤسسه ای جهادی تبلیغی است که از سال ۱۳۸۲، در مناطق محروم بازفت، اندیکا و چلوشیمبار شروع به فعالیت کرده است.

برنامه‌های این مؤسسه شامل فعالیتهای عمرانی از قبیل رنگ آمیزی مدارس در مناطق محروم، ساخت و تعمیر خانه‌های محرومان، آبرسانی، برق رسانی و گازرسانی به منطقه و . . .

فعالیتهای تبلیغی نیز از قبیل برگزاری هیئات عزاداری در شهر و روستا، برگزاری دسته عزاداری و برگزاری روضه خانگی در شهر و روستا و در بین عشایر، فضا سازی و سیاهپوش کردن شهر و روستا، تبلیغ خانه به خانه، کار با کودک و . . . است.

<sup>۱</sup> یا عَلِيُّ، لَأَتَقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ، وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ

با توجه به جایگاه صبر در دین و اهمیت آن در مصیبت‌ها و ابتلائات، موضوع و محتوای این ره توشه نیز در رابطه با صبر است.

این ره توشه به طور کلی از بخشهای زیر تشکیل شده است:

### ۱- احکام

دانستن احکام یک مسئله بسیار مهم است که همه باید احکامی که با آن سر و کار دارند را بدانند و از این جهت یک وظیفه شرعی دارند ولی از آن جایی که بعضی روستاها از این جهات محرومند و کسی نیست که برای آن‌ها احکام و حلال و حرام دین را بیان کند، در این کتاب برای هر روز یک حکم شرعی نوشته شده که مبتلی به بوده و مبلغ میتواند از آنها استفاده کرده و برای مردم بیان کند.

### ۲- منبرهای فاطمی

یکی از برنامه‌های روزانه مبلغ که جنبه تعظیم شعائر و روشن نگاه داشتن چراغ مجالس اهل بیت علیهم السلام را دارد و در آن می‌توان به ذکر معارف پرداخت، منبر است. در این دفترچه محتوای ۷ جلسه منبر به صورت مختصر ذکر شده است که می‌تواند مواد خام تشکیل دهنده یک منبر باشد. بر این اساس، آیات و روایات و داستان‌های مرتبط با موضوع صبر جمع‌آوری، دسته‌بندی و ارائه شده است.

توصیه می‌شود که مبلغ، همه محتوای ارائه شده را به طور کامل مطالعه نموده و مطالبی را گلچین کرده و در منبر ارائه نماید. برای استفاده بهتر مخاطبان، مناسب است که سخنرانی‌ها تا حد امکان مختصر باشد. در همان زمان اندک نیز داستان‌گویی و استفاده از مثال‌هایی که در هر جلسه ذکر شده است، بسیار مفید است. ایجاد ارتباط و نوع ارائه محتوا به عهده مبلغ است.

### ۳- کلاس‌داری

محتوای مورد نیاز برای برگزاری کلاس برای کودکان و نوجوانان اعم از شعر و سرود، انواع بازی‌ها، رنگ‌آمیزی و محتوای مناسب با آنها ارائه شده است.

چند نکته

- لره‌های بختیاری معمولاً بسیار با شاهنامه انس دارند که استفاده از اشعار این کتاب می‌تواند بسیار در دل مخاطب اثر بگذارد.
- هر قدر مطالب ساده‌تر بیان شود بهتر است چرا که منطقه یک منطقه روستایی هست و ممکن است با به کار بردن کلمات و مطالب تخصصی مخاطب متوجه اصل مطلب نشود.
- این کتاب پیشنهادی است که دارای مطالب مورد نیاز هست اما چگونگی ارائه آن در همه بخشها به عهده مبلغ و برخاسته از هنر و مهارت اوست.
- شایسته است که مبلغ همه مطالب ره توشه را پیش از آغاز اولین جلسات توریق کرده و آشنا شود تا نسبت به محتوای آن اشراف حاصل شود تا بتواند در مواقع مختلف مطرح نماید.
- یک شعر یا ضرب‌المثل یا حتی یک نکته که مربوط به صبر است، در همه منبرها تکرار شود تا به یک شعار تبدیل شود. این باعث می‌شود که با بقای آن شعر یا نکته در ذهن مخاطب، سایر مطالب نیز یادآوری شوند. برای این موسم تبلیغی این بیت شعر با توجه به سهولت معنا و الفاظ انتخاب شده است:

صبر هسزاران کیمیاس حق آفرید | کیمیائی هم چو صبر آدم ندید

ر	عنوان برنامه	زمان	نوع برنامه	توضیحات
۱	برنامه‌های دانش‌آموزی	صبح تا ظهر	ضروری	در صورت امکان با هماهنگی مدارس، این برنامه در مدارس برگزار شود
۲	حضور در خانه‌ها	ظهر تا شب یا شبها	ضروری	تحویل برگه‌های نقاشی به کودکان و تشویق به حضور ایشان در موقع نماز
۳	سخنرانی و روضه	شب	ضروری	
۴	نماز جماعت	ظهر و شب	ضروری	
۵	راه اندازی دسته عزا	روز شهادت قبل از ظهر	ضروری	
۶	مطالعه روزانه ره توشه	به اختیار مبلغ	ضروری	پیشنهاد می‌شود پس از نماز صبح تا قبل از شروع برنامه دانش‌آموزی و یا آخر شب انجام شود.

### توضیحات

#### ۱- برنامه دانش‌آموزی در مدارس یا مساجد:

بهترین مخاطبان تبلیغی ما نوجوانان و جوانان هستند و کار برای آنها بالاترین بازدهی را دارد. ضمن این که ان شاء الله برنامه‌های ضروری دیگر را با قوت اجرا می‌کنید، این قسمت یکی از برنامه‌های شما می‌باشد. در راستای کیفیت بیشتر این برنامه به نکات زیر توجه فرمایید:

أ) همه روستاها حداقل دارای یک پایه ابتدایی هستند.

ب) ایجاد زمینه و فضاسازی برای حضور در مدرسه روستا با تدبیر و پیگیری خود شما محقق می‌شود و لازم است تا تعامل سازنده‌ای با مدیر و معلمین داشته باشید.

ت) با توجه به همسطح بودن دانش‌آموزان هر پایه، از ادغام کلاسها بپرهیزید تا برای بیان مطالب دچار اختلاف سطح مخاطبین نباشید. در صورت اضطرار به ادغام کلاسها

پایه‌های نزدیک به هم مثلاً سوم و چهارم ابتدایی را در یک کلاس جمع کنید و مثلاً پایه‌های پنجم و اول را ادغام نکنید.

ث) داستانهای معصومان، داستانهای پندآموز اخلاقی، بازی‌های کلاسی و شعرخوانی دسته جمعی محتوای خوبی برای کلاسهای دانش‌آموزی هستند.

ج) دانش‌آموزان از سینه‌زنی استقبال خوبی دارند و برای آنها پرخاطره خواهد بود.

ح) استفاده از شکلات و بیسکویت برای پذیرایی در کلاسها جذاب و مفید است.

خ) از دانش‌آموزان برای شرکت در نماز جماعت ظهر و عصر دعوت کنید.

د) تکرار حضور شما در یک کلاس نه تنها مضر نیست بلکه مفید است. حساب حضور خود را در کلاسها داشته باشید تا همه کلاسها را یکسان حاضر شوید.

۲- حضور در خانه‌ها و جلسات خانوادگی:

برخورد نزدیک با مخاطبان اثرگذارتر است. ضمن اینکه حضور در منازل حاکی از احترام و اهمیت دادن شما به مردم است. در این راستا به برنامه‌های زیر توجه داشته باشید:

أ) مطرح کردن مسائل اعتقادی، اخلاقی و احکامی ره‌توشه تبلیغی باعث تکراری شدن آنها برای مردم نمی‌شود و لازم است تا همان محتوای جزوه در خانه‌ها و برخوردهای چهره به چهره مطرح شود.

ب) طرح مسائل عمومی مانند وضو، غسل و نماز در خانه‌ها و بصورت عملیاتی انجام دادن توسط افراد، بسیار پر فایده است. در خصوص آموزش نماز و واجبات، به حداقل آن و روش ساده آن اکتفا شود.

ت) توجه داشته باشید که قوم بختیاری به مهمان علاقه دارند و از حضور شما ناراحت نمی‌شوند.

ث) گوش سپردن (نه وعده کمک) به مشکلات مردم و همدردی کردن با آنان موجب احساس قربات آنها به شما خواهد بود.

ج) با روشهای متفاوتی چون خواندن آیاتی از قرآن و بیان نکات آن، طرح سؤالات احکام، بیان قصه‌های ره‌توشه و... فضای ارتباط اولیه را برای تبلیغ چهره به چهره فراهم کنید.

۳- جلسات شبانه سخنرانی و روضه:

جلسات عمومی سخنرانی و روضه از نمادهای مهم برنامه فاطمیه است و باعث انتشار معنویت در کل روستا می‌شود. توجه به نکات زیر مهم است:

ا) لازم نیست این جلسات به شکل متعارف در شهرها برگزار شود. مثلاً می‌توانید مجلس را با سینه زنی آغاز کنید؛ سپس کمی صحبت کنید و دوباره سینه زنی کنید و سپس مطالب خود را ادامه دهید.

ب) می‌توانید از مطالب گفته شده در کلاسها از دانش‌آموزان پرسش کنید و آنها را در جمع و مجالس عمومی تشویق کنید.

ت) اهالی را به نذر و پذیرایی در برنامه تشویق کنید و سعی کنید برنامه لااقل یک پذیرایی ساده با چای داشته باشد.

ث) روضه‌های اهل بیت علیهم السلام معجزه آن انوار مطهر در زمان ماست، حتماً روضه بخوانید. روضه باید ساده و خالی از اصطلاحات هیئت‌ی باشد. باید مردمی باشد. می‌توانید برای فهم بهتر روضه، ابتدا آن را ساده و بدون صدا تعریف کنید و کاملاً شرح دهید و سپس با صدای حزین آن را تکرار کنید.

ج) اگرچه گریاندن مستمع اجر فراوان دارد ولی بیشتر تلاش کنید که خودتان استفاده ببرید و متوسل شوید. البته این مسئله نباید به اجرای شما آسیبی وارد سازد. تلاش کنید که مطالب را نقل کنید و در ضمن، خودتان بهره‌مند شوید. طبیعتاً اگر شما ارتباط برقرار کنید، فضای معنوی بیشتری بر جلسه حاکم خواهد شد.

ح) حتی الامکان از روضه‌های عاطفی استفاده کنید. مرثیه‌هایی در ره‌توشه وجود دارد ولی الزاماً خودتان را به آنها محدود نسازید.

خ) یک دفترچه روضه برای خود تهیه نموده و در طول مطالعات و سالهای متعدد تبلیغی، اشعار ناب، گریزهای قوی و سایر مطالبی که برای روضه مناسب هستند را یادداشت کنید. می‌توانید کلیدواژه‌هایی را یادداشت کرده و بعداً پردازش کنید. مثلاً: اسامی و القاب حضرت، توجه به همسایه‌ها، هم‌سخنی با مادر پیش از تولد، از دست دادن مادر در

کودکی، وصایای پیامبر، رفتار و احترام پیامبر به حضرت در مواقع گوناگون، حراست امیرالمومنین از محارم پیامبر در واقعه هجرت به مدینه، گریه در عزای پیامبر، بیت‌الاحزان، ماجرای کوچه، بستری شدن، عیادت زنان مهاجر و انصار، عیادت غاصبان فدک، حمله به خانه، لحظات احتضار و وداع، دفن شبانه، مخفی بودن مزار، بعد از دفن و رفتار امیرالمومنین علیه السلام، رفتار ستمگران با امیرالمومنین، جایگاه حضرت زهرا علیهاالسلام نزد سایر اهل بیت علیهم‌السلام، حضرت زهرا در قیامت و ...

۴- نماز جماعت ظهر و عصر و مغرب و عشاء

أ) اقامه نماز از آموزش آن مهمتر است. اگر چه مأمومین فقط دانش‌آموزان باشند؛ باز هم نماز را اقامه کنید.

ب) قبل از نمازها اذان با صدای بلند و خوش گفته شود. ضمناً به بچه‌ها اذان را آموزش دهید و کسانی که حاضر به اذان گفتن هستند را تشویق کنید.

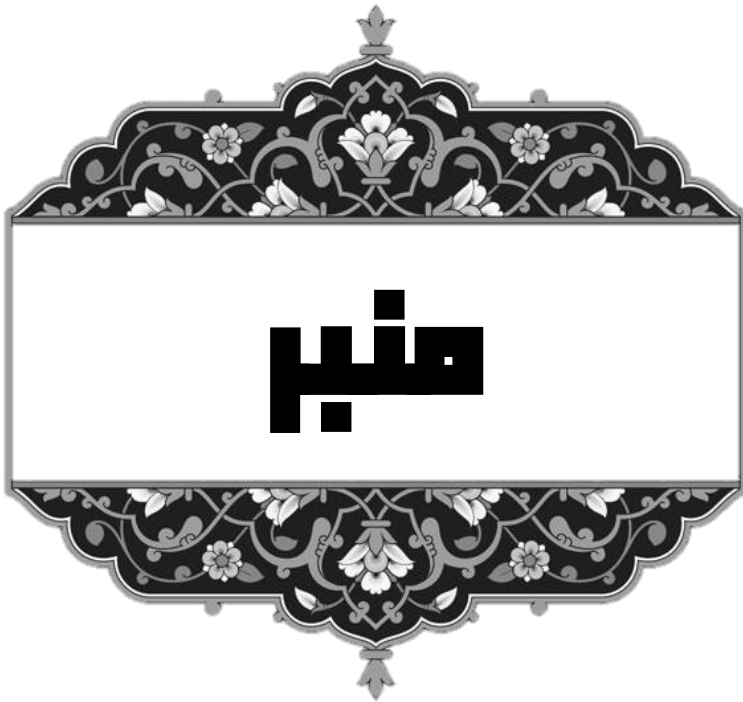
ت) برای نماز سعی کنید مقابل جمع وضو بگیرید.

ث) احکام نماز را به هنگام برگزاری نماز تکرار کنید.

۵- راه‌اندازی دسته عزا

أ) در برگزاری این مراسم از رسوم خود مردم تبعیت کنید ولی مدیریت را خودتان به عهده بگیرید.

ب) نوحه‌خوانان روستا را شناسایی کرده و خواندن را به آنها بسپارید.





## جلسه اول

### احکام؛ نماز آیات

زمان و جواب:

- خورشید گرفتگی، ماه گرفتگی، زلزله هر چند کسی نترسد
- صاعقه، بادهای زرد و سرخ، رعد و برق، بطوری که بیشتر مردم بترسند

فواید این نماز:

انسان را از خرافات و خیالهای بیهوده باز می‌دارد و انسان را متوجه خدا می‌کند و سبب آرامش دلها می‌شود.

صد هزاران کیمیا حق آفرید کیمیائی هضم چو صبر آدم ندید

### آیات و روایات؛ تعریف صبر و حلم

امام علی علیه السلام: **الصَّبْرُ أَنْ يَتَحَمَّلَ الرَّجُلُ مَا يَنْوِيهِ وَيَكْظِمُ مَا يُغْضِبُهُ**؛ صبر آن است که انسان گرفتاری و مصیبتی را که به او می‌رسد تحمل کند و خشم خود را فرو خورد. (عیون الحکم و المواعظ (لثی) ص ۵۶، ح ۱۴۳۹)

امام علی علیه السلام: **الْحِلْمُ غِطَاءٌ سَاتِرٌ وَ الْعَقْلُ حِسَامٌ قَاطِعٌ**، فَاَسْتَرْ خَلَلَ خَلْقِكَ بِجِلْمِكَ وَ قَاتِلْ هَوَاكَ بِعَقْلِكَ؛ بردباری پرده ای پوشاننده و عقل شمشیری برنده است، پس عیبهای اخلاقی خود را با بردباری ببوشان و با عقلت به جنگ هوا و هوست برخیز. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۵۱، حکمت ۴۲۴)

امام علی علیه السلام: لَيْسَ الْحَلِيمُ مَنْ عَجَزَ فَهَجَمَ وَإِذَا قَدَرَ انْتَقَمَ إِنَّمَا الْحَلِيمُ مَنْ إِذَا قَدَرَ عَفَا وَ كَانَ الْحَلِيمُ غَالِبًا عَلَى كُلِّ أَمْرِهِ؛ کسی که چون ناتوان شود هجوم برد و چون قدرت یابد انتقام گیرد بردبار نیست، بلکه بردبار کسی است که قدرت داشته باشد اما گذشت کند و بردباری بر تمامی امور او غالب باشد. (صنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۸۶، ح ۶۴۳۷)

امام حسن عسکری علیه السلام: الْجَهْلُ خَصْمٌ، وَالْحِلْمُ حُكْمٌ؛ نادانی دشمن است و بردباری حکمرانی است. (نزهه الناظر و تنبیه الخاطر ص ۱۴۶، ح ۱۷)

قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ حَقِيقَةُ الْحِلْمِ أَنْ تَعْفُوَ عَمَّنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ وَ خَالَفَكَ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى الْإِنْتِقَامِ مِنْهُ. حقیقت بردباری این است که ببخشی کسی را که به تو بدی کرده و با تو مخالفتی کرده در حالیکه تو توان انتقامگیری از او را داشته ای. (مستدرک ج ۱۱ ص ۲۸۹)

امام علی علیه السلام: الْحِلْمُ حِجَابٌ مِنَ الْآفَاتِ؛ بردباری، مانعی در برابر آفت هاست. (عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۲۴، ح ۲۲۸)

امام صادق علیه السلام: الْحِلْمُ سِرَاجُ اللَّهِ ... الْحِلْمُ يَدُورُ عَلَى خَمْسَةٍ أَوْجُهُ أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا فَيُذَلَّ أَوْ يَكُونَ صَادِقًا فَيُتَّهَمَ أَوْ يَدْعُوَ إِلَى الْحَقِّ فَيَسْتَخَفَّ بِهِ أَوْ أَنْ يُؤْذَى بِمَا جَرِمَ أَوْ أَنْ يَطْلُبَ بِالْحَقِّ فَيَخَالِفُوهُ فِيهِ فَإِذَا آتَيْتَ كُلًّا مِنْهَا حَقَّهُ فَقَدْ أَصَبْتَ؛ بردباری چراغ خداست... پنج چیز است که بردباری می طلبد: شخص عزیز باشد و خوار شود، راستگو باشد و نسبت ناروا داده شود، به حق دعوت کند و سبکش بشمارند، بی گناه باشد و اذیت شود، حق طلبی کند و با او مخالفت کنند. اگر در هر پنج مورد، به حق رفتار کنی، بردبار هستی... (مصباح الشریعه ص ۱۵۴ - بحارالأنوار (ط-بیروت) ج ۶۸، ص ۴۲۲، ح ۶۱)

## تمثیل؛ حنظل

ناکامیها، شکستها، مصیبتها، صبر و ناامنی و ضربه، همه اینها حنظل هائست که برای جنبه نفسانی انسان دارو و مداواست. هم برای فرد حنظل لازم است و هم برای جامعه، جنگ حنظل است. اما حنظل لازمست. شکست حنظل است. اما شکست لازم است. ضربه خوردن یک جامعه

و آسیب دیدنش لازم است. این حنظلی است که مداوا میکند. جامعه ای را که به غرور افتاده ضربه جنگ او را از غرور خارج می‌کند. جامعه ای که به غفلت افتاده ضربه جنگ بیدارش میکند. جامعه ای که گرفتار تفرقه شده ضربه جنگ او را متحد و متشکل میکند. چرا؟ چون تفرقه نتیجه خفتگی و نتیجه توجه به مسائل جزئی است، نتیجه درگیری در مسائلی است که زیاد جای توجه نیست. اینها همه‌اش نتیجه مدهوش بودن، خواب رفتن و از هوش رفتن است. وقتی که می‌خواهی کسی راکه از هوش رفته، بچعات را که از هوش رفته بیدار کنی، او را می‌بوسی یا نیشگون میگیری؟ او را نوازش میکنی؟ زلزله حنظل است. اما وقتی شما می‌خواهی کسی را بیدار کنی با او چه میکنی؟ زلزله به جانش می‌اندازی، متزلزلش میکنی. و اگر نکنی بهوش نمی‌آید. خدا وقتی می‌خواهد مراکه در نعمت امنیت از هوش رفته ام بهوش بیاورد چه می‌کند؟ اگر تو بجای او بودی چه می‌کردی؟ جامعه از هوش رفته را باچه چیزی می‌توان به هوش آورد؟ شما چرا برای زلزله نماز آیات می‌خوانید؟ این معنایش این است که این آیه ایست که از حکیمی صادر شده برای بیداری من و توجه من، برای التفات من، برای این است که بگویی آنجا که زلزله آمد، نشان می‌داد این زمینی که اینقدر رام و آرام است، در حرکت سریعی است که یک ضربه او می‌تواند تمام ویرانی‌ها را بار بیاورد. یعنی این زمین که تااین حد آرامش دارد، اگر یک لحظه این آرامش را از او بگیرند چنین ویرانی بار می‌آورد. پس این نعمت و این سکون را فراموش نکن! لحظاتی را که در اضطراب نیستی در غفلت مباش. این برای این است که بیدارباشی، این حنظل است. اما این حنظل کاری می‌کند که صد کوزه نبات نمی‌کند. زلزله گاهی به انسان درسی می‌دهد که رشد اقتصادی نمی‌دهد. اگر جایی بارانش خوب بارید و از نظر رشد اقتصادی کاملاً تأمین شد اینها همه‌اش شکر و کوزه‌های نبات است. اما آیا این کوزه‌های نبات می‌تواند یک غافلی را بیدار کند؟ ولی می‌بینیم ضربات یک سیلی زلزله که بر جامعه انسانها می‌نوازد، جامعه را به هوش می‌آورد. و اگر آن چنان که بنا بود انسان باشیم و همه خودمان را از یک پیکر بدانیم وقتی سیلی برجای دیگر می‌خورد ما درد را حس می‌کردیم. شما می‌گویید من غفلت میکنم، به او سیلی می‌زنند؟ از نظر آنکسی که مری همه انسانهاست، همه شما از یک پیکرید. بنی آدم را اعضاء یک پیکر می‌داند. از این جهت به یک جا می‌زند تا جای دیگر درد بگیرد. شما وقتی بچعات را تبیبه میکنی، به همان دستی می‌زنی که با آن خطا کرده یا هرجا را که رسید میزنی؟ یا

اینکه با دستش خطا کرده به کف پایش می‌زنی. با زبانش بد گفته اما پشت دستش می‌زنی. چون متحد است و یکی است. فرقی نمی‌کند. درد را همگان احساس می‌کنند. ما توجه نداریم که یک پیکر باشیم که وقتی به او سیلی می‌زند من درد را حس کنم و بفهمم به من هم دارد می‌زند و فقط به او نیست. پس صدماتی که در عالم بر انسان وارد می‌شود همان حنظل است که این حنظل برای نفسانیت انسان مداوا است، داروی شفابخش است. من اگر غرق نفسانیت باشم، زلزله می‌تواند مرا بیدار کند. ضربه و جنگ و مصیبت می‌تواند مرا بیدار کند. مرضها و طاعونها می‌تواند مرا بیدار کنند. دوی جنبه نفسانی انسان صدمات، ضررها ورنجهاست. پس این جنبه انسان جنبه‌ای است و آتشفشان و که رنج، او را بیدار می‌کند و به هوش می‌آورد.<sup>۲</sup>

### داستان؛ داماد شب عروسی کشته می‌شود

سید العلما العالمین جناب آقای حاج سید محمدعلی سبط الشیخ نقل فرمودند یکی از شیوخ عرب که رئیس قبیله‌ای از طرف بغداد بوده تصمیم می‌گیرد برای ازدواج پسرش دختری از بستگانش خواستگاری نماید و مرسوم شان چنین است که در یک شب مجلس عقد و عروسی را انجام می‌دهند.

در شب معینی دعوت می‌نماید و وسایل پذیرایی و جشن و اطعام به طور تفصیل فراهم می‌کند بعد از مرحوم حاج شیخ مهدی خالصی که در آن زمان مرجع تقلید عرب بود برای انجام صیغه عقد دعوت می‌کند.

پس از حضور شیخ و آمادگی مجلس عقد عده‌ای از جوانان به دنبال داماد می‌روند و او را با تشریفات مخصوصی مطابق مرسوم به مجلس عقد می‌آورند و در راه هلهله کتان داماد را می‌آورند و ضمناً طبق مرسوم تیره‌های هوایی می‌انداختند در این اثنا جوان سیدی که جز آنها بود و تفنگ پر به دستش بود ناگهان تیر خالی می‌شود و به سینه داماد می‌خورد و کشته می‌گردد سید بیچاره فرار می‌کند سپس این فاجعه در مجلس عقد به پدر داماد گفته می‌شود.

<sup>۲</sup> تمثیلات آیت الله حائری شیرازی، ج ۱، ص ۵۶

مرحوم شیخ مهدی خالصی پدر را امر به صبر می‌کند و به این بیان لطیف آرامش می‌کند و می‌فرماید آیا میدانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر همه ما حق بزرگی دارد و همه ما نیازمند شفاعت او هستیم که تصدیق می‌نماید شیخ می‌فرماید این جوان سید عمداً کاری نکرده تیر بدون اختیارش بیرون آمده و به فرزند تو رسیده و به قضای الهی فرزند از دنیا رفته است این سید را به خاطر جدش عفو کن و در این مصیبت صبر نما و تسلیم خواست خدا باش تا خداوند اجر صابرين به تو دهد.

پدر داماد پس از پذیرفتن اندرزهای شیخ قدری ساکت می‌شود و فکر می‌کند سپس می‌گوید هرچه فکر می‌کنم میبینم امشب جمعی میهمان داریم و ما آنها را به مجلس عیش و سرور دعوت کردیم و مبدل شدن آن به عزا سزاوار نیست و برای تکمیل ادای حق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بروید آن جوان سید را بیاورید به جای پسر، این دختر را برای او عقد کنید و به حجله برید.

شیخ بر او احسنت و مرحبا می‌گوید دنبال سید می‌روند و او را پیدا می‌کنند سید باور نمی‌کرد که چنین تصمیمی درباره‌اش گرفته شده و خیال می‌کرده به این بهانه می‌خواهند او را بکشند. پس از اطمینان که به او دادند می‌آید و در همان شب شیخ دختر را برای سید عقد می‌کند و عروسی انجام می‌گیرد فردا هم جنازه پسر را دفن می‌نمایند.

شجاعت و شهامت و بزرگواری و بردباری را از این مرد شریف عرب باید یاد گرفت «الشجاع الشدید القلب حین الباس» یعنی شجاع کسی است که هنگام سختی و حادثه ناگوار قویدل باشد و متزلزل نشود بی‌تابی ننماید خود را کنترل کند و به راستی سهمگین ترین حادثه‌ها و سختی‌ها مرگ ناگهانی فرزند است آن هم در شب عروسی او آن هم به طور کشته شدن.

پدری که در چنین هنگامه ای عقل و ایمان خود را از دست ندهد و از جاده بندگی منحرف نشود یعنی خود و فرزندش را ملک خدا داند و مرگش را قضای او شناسد و مرجع فرزند و خودش را خدای عالم بداند فرزندش جایی رفته که خودش نیز باید برود و از روی اعتراف به این حقایق بگوید انا لله و انا الیه راجعون سزاوار است که مورد بشارت و صلوات و رحمت و

پاداش بی نهایت خداوند باشد **أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ** و چنین اشخاصی وزن و صلابت و استقامت شان را امام علیه السلام به کوه تشبیه فرموده است «المؤمن كالجبل الراسخ لا يحرکه العواصف» مومن مانند کوه محکم است که بادها و طوفانها او را جابجا نمیکند.

در برابر کسانی که در پیشامدهای ناگوار صبر و تحمل ندارند و از طریق عقل و ایمان زود منحرف می‌شوند و به قضا و قدر الهی خشمگین می‌گردند و ایراد می‌کنند ایشان به مانند کاهی هستند که کوچکترین بادی از بادهای حوادث آنها را متزلزل می‌سازد تا جایی که مبتلا به شوک و سخته قلبی می‌شوند.

صبر دیگران در مرگ آن جوان داماد و تبدیل نکردن عیش به اعضا نیز شگفت‌آور است بلی به برکت بزرگ خود آنها هم دارای صبر شدند چنانکه صبر حضرت زینب سلام الله علیها شگفت است و صبر دیگر بانوان حرم حسین علیه السلام به برکت آن مخدره بوده است.<sup>۳</sup>

## مرثیه

### مناجات

صاحب عزای اصلی حضرت زهرا علیها السلام، فرزندشان حضرت مهدی عجل الله فرجه هستند. برای سلامتی‌شان دعا کنیم و ایشان را به مجلسمان دعوت کنیم.

ای یادگار فاطمه که داغ دیده‌ای	در بستری ز غصّه و غم آرمیده‌ای
آقا سرت سلامت از این که به دوش خود	بار بزرگ ماتم مادر کشیده‌ای
بی مادری برای تو درد بزرگی است	طعم فراق مادر خود را چشیده‌ای
شب‌های فاطمیه دلت غرق غم شود	تو غصّه دار مادر قامت خمیده‌ای
قربان شال مشکی و چشمان زخمی ات	آخر مگر چه واقعه ای را تو دیده‌ای؟

<sup>۳</sup> داستان‌های شگفت، ص ۲۰۷ مجله بشارت فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸ - شماره ۷۰

از بس میان کوچه و خانه دویده‌ای!  
 گویا صدای مادر خود را شنیده‌ای  
 بر جان خود بالای عظیمی خریده‌ای  
 آقا گمان کنم که ز من دل بریده‌ای!!!

دارد نفس نفس زدنت می‌رسد به گوش  
 وقتی که ناله می‌زنی: "ای وای مادرم"  
 هر روز و شب به یاد غمش گریه می‌کنی  
 آخر چرا به ذرّک وصال نمی‌رسم  
 بالحجّة الّهی العفو

## کرامت و فضیلت

مردی به نام درویش قربان علی از مرد ثقه‌ای نقل می‌کرد که در سال ۱۱۳۱ قمری وارد حرم امیرالمؤمنین علیه السلام شدم. دیدم زنی نابینا که اطباء و چشم‌پزشکان از معالجه‌اش درمانده شده‌اند را وارد حرم کردند. به حضرت التماس می‌کرد که شفایش دهد. به خواب رفته بود و در خواب امیرالمؤمنین علیه السلام را دیده بود که رو کرده‌اند به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و فرموده بودند: این زن ناتوان را معالجه کن! حضرت زهرا علیها السلام نیز دست مبارکش را روی چشمان این زن می‌کشند و زن نابینا از خواب می‌پرد در حالیکه چشمانش سالم بود و هیچ اثری از درد در آن باقی نمانده بود.<sup>۴</sup>

## روضه

دارد به حال خویش قلم گریه میکند  
 دیوار سر به شانه بیرق گذاشته  
 با غصه‌های فاطمه غم گریه میکند  
 بر روی شانه‌های علم گریه میکند  
 بعد از رحلت پیامبر، ظلمهای فراوانی در حق اهل بیت علیهم السلام شد. یکی از آنها غصب قبله مزرعه فدک بود. فدک سرزمینی بود که پیامبر به دخترشان حضرت زهرا علیها السلام اهداء کرده بودند. در آن جا کشاورزی می‌شد و درآمد آن برای زندگی مسلمانان مصرف می‌شد. خلیفه دوم تا متوجه شد که حضرت فاطمه سلام الله علیها فدک را پس گرفتند، به سمت حضرت رفت خواست که قباله را از ایشان پس بگیرد، آن حضرت ممانعت کردند. توهین‌ها شروع شد. تصور

<sup>۴</sup> الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، الأنصاری ج ۲۲ ۴۳۹ ۵ المتن: . . . . . ص: ۴۳۹

کنید یک دزد توی کوچه جلوی خانم رو بگیره و سرش داد بزنه. اما این نامرد فقط داد نزد، همون اول به مادر سادات محکم لگد زد آن حضرت حامله بودن نمی‌دونم چه اتفاقاتی افتاده ولی نقل شده آن نامرد به این بسنده نکرد یه سیلی محکم به صورت حضرت فاطمه زد «ثم لَطَمَهَا فَكَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى قُرْطٍ فِي أُذُنِهَا حِينَ نُقِفَتْ» به طوریکه زمین و آسمان برای حضرت تیره و تار شد بود.

اما هنوز ذکر دو دم گریه میکند

دارد ز شرم جود و کرم گریه میکند

بیچاره تر کسی ست که کم گریه میکند

بر بی نشانی تو حرم گریه میکند. . .

دیدم به چشم تیغ دو دم گریه میکند

با یاد او قدم به قدم گریه میکند

نوحه ز حال رفت غزل هم قدش خمید

سائل گرفت لباس عروسش به دست و دید

بیچاره آن که گریه برایت نکرد و رفت

عقده شده برای حرما ضریح تو

وقتی که دستهای یدالله بسته شد

وقتی حسن ز کوچه گذر میکند ببین

حضرت فاطمه سختی‌های زیادی را برای پس گرفتن فدک حمل کردند اما دلا بسوزه برای آن خانمی که در کربلا بی کس و بی یار چندین منزل جسارت‌های متعددی را تحمل کرد، سیلی‌ها را تحمل کرد تا توانست پیراهن پاره برادرش را که کوفیان به آن لباس پاره رحم نکردند و آن را غارت کردند پس بگیرد. . . . الا لعنة الله على القوم الظالمين.

صدا بزن یا حسین. . . .



## جلسه دوم

### احکام: روش اول نماز آیات

نماز آیات دو رکعت دارد و در هر رکعت پنج رکوع وجود دارد که بعد از هر رکوع یک حمد و یک سوره خوانده می‌شود به روش ذیل:

\_ حمد و سوره ← رکوع

\_ حمد و سوره ← رکوع

\_ حمد و سوره ← رکوع

\_ حمد و سوره ← رکوع

\_ حمد و سوره ← رکوع

### روش دوم نماز آیات

نماز آیات دو رکعت با پنج رکوع؛ در هر رکعت یک حمد خوانده می‌شود و پس از آن یک سوره را پنج قسمت می‌کنیم به شرح ذیل:

\_ سوره حمد

\_ انا انزلناه فی لیلة القدر ← رکوع

\_ و ما أدراک ما لیلة القدر ← رکوع

\_ لیلة القدر خیر من ألف شهر ← رکوع

\_ تنزل الملائکة و الروح فیها بإذن ربهم من کل أمر ← رکوع

— سلام هی حتی مطلع الفجر ← رکوع

## صبر هسزاران کیمیاسق آفرید کیمیائی هسم چو صبر آدم نرید

### آیات و روایات؛ ریشه صبر

#### ریشه‌های ظاهری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: *أَطْعِمُوا الْمَرْأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا*؛ به زن، در ماهی که زایمان کرده، خرما بدهید، چرا که فرزند او بردبار و پاک می‌شود. (بحار الانوار (طبیروت) ج ۶۳، ص ۱۴۱، ح ۱۴)

#### ریشه‌های باطنی

امام علی علیه السلام فرمودند: ریشه صبر، ایمان نیکو و عقیده استوار به خداوند است. (غرر الحکم، ج ۲، حدیث ۳۱۸۴)

امام علی علیه السلام: *إِنَّ الْمَعُونَةَ تَنْزِلُ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَنُّهِ وَإِنَّ الصَّبْرَ يَنْزِلُ عَلَى قَدْرِ شِدَّةِ الْبَلَاءِ*؛ برآستی که کمک از جانب خداوند به اندازه هزینه می‌رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه گرفتاری می‌آید. (من لا يحضره الفقیه ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۲۴۹۸) {شبیبه این در امالی (صدوق) ص ۵۵۲، ح ۳}

امام علی علیه السلام: *إِنَّ الْمُؤْمِنَ... إِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ صَبَرَ... وَالْمُنَافِقُ... إِذَا أَصَابَتْهُ شِدَّةٌ ضَعَا؛* مؤمن در گرفتاری صبور است، و منافق در گرفتاری بی تاب. (تحف العقول ص ۲۱۲)

امام صادق علیه السلام: إِيَّاكَ وَ خَصَلْتَيْنِ الضَّجْرَ وَ الْكَسَلَ فَإِنَّكَ إِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى حَقِّ  
وَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تُؤَدِّ حَقًّا؛ از دو خصلت بپرهیز: بی حوصلگی و تنبلی، زیرا اگر کم حوصله باشی  
بر حق شکیبایی نکنی و اگر سست و تنبل باشی حقی را ادا نکنی. (من لا يحضره الفقيه ج ۴،  
ص ۳۵۵، ح ۵۷۶۲؛ امالی (صدوق) ص ۵۴۳)

## تمثیل؛ میخ و چکش

هنگامی که میخ بر روی پایه‌ای نصب شد، هر چه چکش بر آن ضربه وارد کند میخ بیشتر در  
پایه فرو می‌رود و محکمتر می‌شود تا جایی که وجودش کاملاً در پایه فانی می‌شود و دیگر  
ضربات چکش هیچ تأثیری در آن نمی‌کند.

مؤمن همانند میخی است که در پایه حق فرو رفته و باطل به منزله همان چکشی است که پی  
در پی بر مؤمن فرود می‌آید و نتیجه آن بیشتر فرورفتن مؤمن در حق و غرق شدن در حق می‌شود  
و هرچه ضربه شدیدتر باشد مؤمن در موضع خود همانند میخ در پایه، محکمتر و قرص‌تر  
می‌شود، تا آنجا که ضربات دیگر مؤثر نمی‌افتند. البته گاهی مؤمنین به دلیل ضعفهایی که دارند  
مانند بعضی از میخها کج می‌شوند و یا از پایه خارج می‌گردند و یا به همان اندازه که فرو رفته‌اند  
باقی می‌مانند و این تقصیر میخ است نه پایه، ضعف اهل حق است، نه حق.<sup>۵</sup>

## داستان؛ سبب نجات

در تفسیر روح البیان آمده است: در خراسان شیخ احمد هربی همسایه‌ای به نام بهرام داشت که  
به واسطه مذهبشان رفت و آمدی با هم نداشتند به شیخ گفتند که همسایه او همه دارایی‌اش را  
به کسی داد که با آن تجارت کند ولی خبر آوردند که سرمایه‌اش را در راه دزد برده است.

شیخ و چند نفر برای دلجویی به خانه بهرام رفتند او در فکر تهیه وسایل پذیرایی در آمد که  
شیخ به او فرمود ما آمده‌ایم که به تو تسلیم بگوییم چون شنیده‌ایم سرمایه‌ات از دست رفته

<sup>۵</sup> تمثیلات آیت الله حائری شیرازی ج ۱، ص ۴۹

است. بهرام گفت کدام مصیبت خدا سه نعمت بزرگ به من داده است که شما باید برای آن به من تریک بگویید: اول: خدای عالم به من عزت نفس داده که دزدی نکردم مال کسی را نبردم بلکه دزد مال مرا برده است. دوم: تمام آنچه که خدا به من داده بود همه‌اش از بین نرفته و هنوز خانه ام باقی است. سوم: مصیبت به مالم خورده نه به دینم.

شیخ گفت این حرف‌هایی که تو میزنی حقیقت اسلام است حیف نیست آتش را بپرستی؟ چند سوالی بین آنها رد و بدل شد و در همان مجلس بهرام مسلمان شد.<sup>۶</sup>

## مرثیه

### مناجات

بد بودم اما انتخابم کردی آقا  
 یک بار دیگر مستجابم کردی آقا  
 آه از خجالت خیس آیم کردی آقا  
 با لطف خود غرق ثوابم کردی آقا  
 پیش همه عالی جنابم کردی آقا  
 در آخرش هم افتابم کردی آقا  
 تا «خادم الزهرا» خطابم کردی آقا  
 با این قباله کامیابم کردی آقا  
 از میخ در گفتمی کبابم کردی آقا  
 می‌خواهم این بار پاک وارد روضت بشم هر کسی که از گناهانش خسته شده صدا بزند:

امسال هم نوکر حسابم کردی آقا  
 در مجلس روضه مرا هم راه دادی  
 اصلاً نگفتمی که برو، برگرد، جا نیست  
 کوه گناهم را تو نادیده گرفتی  
 مثل همیشه آبرویم را خریدی  
 از اولش کار تو ذره پروری بود  
 بال فرشته فرش راه عرشی ام شد  
 زهرا نوشت و پای آن را مهر کردی  
 یک «آه مادر» گفتمی و آتش گرفتم

بفاطمه الهی العفو

## کرامت و فضیلت

روزی حضرت علی علیه السلام بعد از بیدار شدن از خواب به فاطمه علیها السلام فرمود: آیا غذا داری برایم بیاوری؟ گفت: نه، امروز صبح هم چیزی نداشتم که به تو بدهم و پس از رفتن تو هم ما چیزی نخوردیم و از روز پیش نیز چیزی نداشتم. فقط مقدار غذایی بود که مربوط به من و فرزندانم بود که تو را بر خود ترجیح داده و به تو دادیم. حضرت فرمود: ای فاطمه چرا به من خبر ندادی تا چیزی تهیه کنم؟ پاسخ داد: از خداوند شرم کردم که تو را نسبت به چیزی که توانش را نداری به زحمت اندازم.

حضرت با توکل و حسن ظن نسبت به خداوند از خانه بیرون آمده و یک دینار قرض کرد. هوا گرم بود و میخواست با آن یک درهم چیزی برای خانواده‌اش تهیه کند، مقدار به آن حضرت رسید در حالی که صورتش را آفتاب سوزانده بود. چشم حضرت که به او افتاد ناراحت شده فرمود: مقدار چه شده که در این ساعت از منزل بیرون شده‌ای؟

گفت: از خانه بیرون نیامدم مگر برای به دست آوردن غذا. من در حالی خانه‌ام را ترک کردم که خانواده‌ام از گرسنگی می‌گریستند.

چشمان علی از اشک پر شد. آنگاه گفت: من هم سبب بیرون آمدنم از خانه همان چیزی است که تو گفتی. هم اکنون یک دینار قرض گرفته‌ام بیا تو از من بگیر! دینار را به او داده و برای اقامه جماعت مغرب نزد پیامبر اکرم رفت. رسول خدا علی را در صف اول جماعت دید. به او اشاره کرد تا پشت سر حضرت حرکت کند. همین که بر در مسجد به آن حضرت رسید، فرمود: ای ابو الحسن! آیا امشب غذایی داری که ما را میهمان کنی؟

امیر المؤمنین سرش را پایین انداخته از خجالت از رسول خدا نتوانست جوابی بدهد. پیامبر اکرم فرمود: یا بگو: نه، تا به خانه خود رویم و یا بگو: بله، تا با تو بیاییم. پاسخ داد: با کمال میل و احترام، تشریف بیاورید. بر فاطمه علیها السلام وارد شدند. فاطمه در مصلائی خود به نماز و دعا مشغول بود و در پشت سرش دیگی بود که بخار از آن بلند می‌شد. همین که صدای رسول

خدا را شنید از مصلی بیرون آمده بر حضرت سلام داد. پیامبر جواب سلام را داده دست مبارک را بر سر او کشید. فاطمه دیگ غذا را برداشته مقابل حضرت گذاشت.

علی علیه السلام که این منظره را دید و بوی غذا به مشامش رسید نگاهی به فاطمه نمود و ماجرا را از ایشان جویا شد. پیامبر اکرم کف دست مبارکش را بین دو شانه علی قرار داده و فرمود: ای علی! این پاداش و ثواب آن دینار است. این از نزد خداوند است که إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ و فرمود: سپاس خداوند را سزااست که شما دو نفر را از دنیا بیرون نبرد مگر اینکه به دست تو همان کاری را انجام داد که درباره زکریا انجام داد. و ای فاطمه! تو را در مسیری قرار داد که مریم را در آن مسیر حرکت داد که كَلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا.<sup>۷</sup>

## روضه

نشسته ام که بگیرم برای مادرمان	برای درد و بلایی که آمده سرمان
نشسته ام که بگیرم برای روی کبود	به زخم‌های نشسته به قلب کوثرمان
خدا کند که بسوزد همیشه در آتش	هرآنکه شعله نشانده به جان دلبرمان
به اشک‌های علی و به خط جبرائیل	دو صفحه روضه نوشتند بین دفترمان
زنی مجلله و محترم به روی زمین	میان کوچه فتاده است در برابرمان

در روایت آمده که وقتی به زور داخل خانه شدند گریبان حضرت علی (علیه السلام) را گرفتند دارند میکشند، حضرت فاطمه سلام الله علیها جلو آمدند بین چارچوب در مانع شدند که نگذارند امام زمانشان را ببرند راوی میگوید: فَحَالَتْ فَاطِمَةُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ بَعْلِهَا أَنْ مَوْجِعَ بَدَنِهَا بِهَا قَتْفَ لَعْنَةِ اللَّهِ دَسْتُورَ دَادَ كَهَ بَا تَا زِيَانَهَ أَنْ حَضْرَتَ بَزَنَدَ وَ أَمَرَ . . . قَتْفَ لَعْنَةِ اللَّهِ أَنْ يَضْرِبَهَا بِسَوْطِهِ فَضْرِبَهَا قَتْفَ لَعْنَةِ اللَّهِ بِالسَّوْطِ عَلَي ظَهْرِهَا وَ جَنْبَيْهَا.

اگر چنین شده باشد که خاک بر سرمان

نوشته‌اند که در بین لشکر افتاده

<sup>۷</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۱۵۰

امیرالمؤمنین قهرمان جنگ جمل داره این اتفاق را نظاره میکنه اما در کربلا زینب از بالای تل  
زینبیه ببیند الشمر جالس علی صدر الحسین. . . ای حسین، ای حسین، ای حسین. . .

## جلسه سوم

### احکام: وقت نماز آیات

- خورشید گرفتگی: از شروع گرفتگی تا شروع باز شدن
- ماه گرفتگی: از شروع گرفتگی تا شروع باز شدن
- زلزله و بقیه چیزها: وقت معین ندارند و همیشه ادا هستند

اگر در غیر از خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی، در وقت آن مطلع شود و نماز آیات را - هر چند بر اثر فراموشی - نخواند، باید نماز آیات را به جا آورد اما اگر در وقت آن مطلع نشده و پس از حادثه فهمیده، احتیاط واجب آن است که آن را به جا آورد.

اگر یکی از اسباب نماز آیات در شهری اتفاق بیافتد فقط بر مردم همان شهر واجب است که نماز آیات بخوانند و بر بقیه واجب نیست.

اگر کسی در رکعت اول پنج مرتبه حمد و سوره را خواند می تواند در رکعت دوم یک حمد بخواند و سوره را تقسیم کند.

صبر هزاران کیمیای استحق آفرید کیمیای هضم چو صبر آدم نبرد

### آیات و روایات؛ اهمیت صبر

#### رأس ایمان

امام علی علیه السلام: الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ فَإِذَا فَارَقَ الرَّأْسُ الْجَسَدَ فَسَدَ الْجَسَدُ وَإِذَا فَارَقَ الصَّبْرُ الْأُمُورَ فَسَدَتِ الْأُمُورُ؛ نقش صبر در کارها همانند نقش سر در بدن است؛



همچنان که اگر سر از بدن جدا شود، بدن از بین می رود، صبر نیز هرگاه همراه کارها نباشد، کارها تباه می گردند. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۹۰، ح ۹)

امام رضا علیه السلام: لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ التَّقَهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا؛ هیچ بنده ای حقیقت ایمانش را کامل نمی کند مگر این که در او سه خصلت باشد: دین شناسی، تدبیر نیکو در زندگی، و شکیبایی در مصیبت ها و بلاها. (تحف ال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ فَلَيْسَ مِنِّي وَ لَا مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا هُنَّ قَالَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الْجَاهِلِ وَ حُسْنُ خُلُقٍ يَعْيشُ بِهِ فِي النَّاسِ وَ وَرَعٌ يَحْجُزُهُ عَنِ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ سه چیز است که هر کس نداشته باشد نه از من است و نه از خدای عزوجل. عرض شد: ای رسول خدا! آنها کدامند؟ فرمودند: بردباری که به وسیله آن جهالت نادان را دفع کند، اخلاق خوش که با آن در میان مردم زندگی کند و پارسایی که او را از نافرمانی خدا باز دارد. (خصال ص ۱۴۵، ح ۱۷۲) شبیه این در وسایل الشیعه ج ۲۰، ص ۳۵۹، ح ۲۵۸۲۹ {

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: ایمان دو نیمه دارد، نیمی از آن در صبر است، و نیمی از آن در شکر نهفته است. (نهج الفصاحه، ۱۰۷۰)

### سلاح مؤمن

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: چه نیکو سلاحی است صبر و دُعا برای مؤمن. (نهج الفصاحه، ۳۱۲۸)

امام سجاد علیه السلام فرمودند: نزد خداوند متعال حالتی محبوبتر از یکی از این دو حالت نیست: حالت غضب و خشمی که مؤمن با بردباری و حلم از آن بگذرد و حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با صبر و شکیبایی پشت سر بگذارد. (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۲۴)

### اخلاق انبیا

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي خُلُقًا قَالَ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَعْظَمُكُمْ حِلْمًا وَ أَبْرُكُم بِقِرَائَتِهِ وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِنْصَافًا؛ به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: آیا تو را خبر ندهم که اخلاق کدام یک از شما به من شبیه تر است؟ عرض کردند: آری، ای رسول خدا. فرمودند: آن کس که از همه شما خوش اخلاق تر و بردبارتر و به خویشاوندانش نیکوکارتر و با انصاف تر باشد. (من لا یحضره الفقیه ج ۴، ص ۳۷۰)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: كَاذَ الْحَلِيمِ أَنْ يَكُونَ نَبِيًّا؛ آدم بردبار به پیامبری نزدیک است. (بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۴۳، ص ۷۰، ح ۶۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْحَيَاءُ وَ الْحِلْمُ وَ الْحِجَامَةُ وَ السَّوَاكُ وَ النَّعْطُ؛ پنج چیز از سنت پیغمبران است: حیا، بردباری، حجامت کردن، و مسواک و عطر زدن. (نهج الفصاحه ص ۴۶۲، ح ۱۴۶۳)

### بهترین مردم

امام علی علیه السلام: أَشْرَفُ الْخَلَائِقِ التَّوَّاضِعُ وَ الْحِلْمُ وَ لَيْنُ الْجَانِبِ؛ شریف ترین اخلاق، تواضع، بردباری و نرم خوئی است. (عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۱۱۵، ح ۲۵۵۵)

امام علی علیه السلام: خَيْرُ النَّاسِ مَنْ إِنْ اغْضَبَ حَلْمٌ وَ إِنْ ظَلِمَ غَفَرَ وَ إِنْ أَسَىءَ إِلَيْهِ أَحْسَنَ؛ بهترین مردم کسی است که اگر او را به خشم آورند، بردباری نماید و چنانچه به او ظلم شود، ببخشاید و چون به او بدی شود، خوبی کند. (تصنیف غرر الحکم و دررالکلم ص ۲۸۵، ح ۶۳۹۴)

امام حسن علیه السلام: الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَّ فِيهِ، الشُّكْرُ مَعَ التَّعَمُّهِ وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ؛ خیری که هیچ شری در آن نیست، شکر بر نعمت و صبر بر مصیبت ناگوار است. (تحف العقول ص ۲۳۴)

### تمثیل؛ تلمبه و آب

آبها در زیرزمین است. شما برای استخراج آن آبها ابتدا چاهی حفر می‌کنید، بعد تلمبه ای می‌زنید و بعد هم لوله ای میکشید. تا تلمبه ای یا پمپ فشاری در بین نباشد استخراج ممکن نیست. انسان منبع علم و فهم است، مصیبتها پمپ و فشار تلمبه اند، هرچه تلمبه قویتر باشد مقدار آبی که بالا می‌آید بیشتر است، هرچه مصیبتها بیشتر باشد میزان خلاقیتها هم بیشتر.<sup>۸</sup>

## داستان؛ صبر و استعانت از قرآن

من و دوستم در بیابانی گم شدیم. راه به جایی نمی‌بردیم. پناهگاهی را جستجو می‌کردیم تا کمی استراحت کنیم. در سمت راست خود با خیمه‌ای روبرو شدیم، به سویس رفتیم و سلام کردیم. پیرزنی از داخل خیمه سلام ما را جواب داد و گفت: چند لحظه صبر کنید تا خیمه را مرتب کنم. فرشی ساده انداخت و گفت: بنشینید تا فرزندم بیاید. ساعتی آنجا نشستیم. زن که هر چند لحظه یک بار، در خیمه را بالا میبرد و به انتظار دیدن فرزندش، انتهای بیابان را نگاه می‌کرد، یک باره گفت: سواری میاید. خدا قدمش را مبارک فرماید!

کمی که سوار نزدیک شد، گفت: شتر مرکب فرزند من است، ولی شتر سوار کس دیگری است. وقتی سوار، نزدیک زن رسید، گفت: ای امّ عقیل، خدا به شما در مورد فرزندتان عقیل پاداش دهد. او پرسید: وای مگر فرزندم چه شده؟ آیا مرده است؟ مرد گفت: بله.

ام عقیل دوباره پرسید: چگونه مرد؟ پاسخ داد: شترهایم به هم ریختند، برای خوردن آب به یکدیگر فشار وارد کردند و فرزند شما را در چاه انداختند. زن با آرامشی خاص گفت: اکنون من مهمان دارم. پیاده شو و از آنها پذیرایی کن! پیرزن گوسفندی آورد و مرد آن را سر برید. مادر داغدیده برایمان غذایی ترتیب داد و ما در حالی که از صبر زن حیرت زده بودیم، شروع به خوردن کردیم.

<sup>۸</sup> تمثیلات آیت الله حائری شیرازی، ج ۱، ص ۵۰

وقتی غذا تمام شد، ام عقیل نزد ما آمد و گفت: ایا در میان شما کسی هست که از کتاب خداوند چیزی به نیکویی بداند؟ پاسخ دادم: بله میدانم.

از من خواست: برایش آیاتی بخوانم که او را در غم مرگ فرزندش آرام کند، گفتم: خدای عزوجل میفرماید: ...و بشر الصّابرين الذين إذا أصابتهم مصيبة قالوا إنا لله و أنا اليه راجعون اولئك عليهم صلوات من ربهم و رحمة و اولئك هم المهتدون؛ به شکیبایانی مژده ده که وقتی به آنها غمی میرسد، گویند: ما از خداییم و به سوی او باز میگردیم. بدرود و رحمت پروردگارشان بر آنها باد و همینها هدایت یافتگانند. (سوره بقره، آیه ۱۵۷-۱۵۵)

مادر داغدیده گفت: ترا به خدا اینها کلام خدا و آیات قرآنی است؟ گفتم: به خدا سوگند، اینها در کتاب خدا و کلام پروردگار میباشد که بر قلب پیامبر(ص) نازل شده است. پس از نزد ما خداحافظی کرد، به نماز ایستاد و چنین دست به دعا برداشت: «خدایا، هر چه گفتم، انجام دادم (صبر پیشه کردم و به تو اعتماد نمودم) من به فرمان تو عمل کردم، تو نیز به وعدهات عمل کن و پاداشی را که وعده دادهای محقق فرما! اگر در دنیا کسی برای کسی میماند، با خود میگفتم، فرزندم برای بر آوردن نیازهایم میماند... ما از آنجا رفتیم، در حالی که میگفتم: زنی کاملتر از او ندیده‌ایم.<sup>۹</sup>

## مرثیه

### مناجات

ما را برای نوکریت انتخاب کن  
امشب بیا و سنگ دلم را تو آب کن  
دستی بکش به روی دلم فتح باب کن

آقا بیا دعای مرا مستجاب کن  
قلبم شبیه سنگ شد از کثرت گنه  
تأثیر جرم و معصیت اشک مرا گرفت

تا کی به لب دعای فرج، تا کی انتظار؟!  
 ای منتقم بیا که دلم سخت زخمی است  
 ای روضه خوان فاطمیه روضه ای بخوان  
 یعنی به روی غیرت ما هم حساب کن  
 آقا به حق فاطمه پا در رکاب کن  
 رحمی نما بر این دل زارم شتاب کن  
 امشب میان سینه ما انقلاب کن  
 ما در پی تلافی سیلی کوچه ایم  
 توی این دنیا تو رو فراموش کردم و خودمو سرگرم کردم. خوش به حال کسانی که برای  
 یاری تو همیشه به یادت هستند. خوش به حال شهدا. آقا را دعوت کنیم خودشون بهمون حال  
 روضه بدن: یاصاحب الزمان یاصاحب الزمان.

### کرامت و فضیلت

از محمد بن مسلم روایت شده که گوید: از حضرت باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود:  
 حضرت زهرا را در مدخل جهنم توقفی ویژه می باشد. در روز قیامت بر پیشانی هرکس، مؤمن و  
 یا کافر بودن او نگاشته شده است. به آن دوستی که گناهان زیادی انجام داده، دستور داده می شود  
 که وارد آتش شود. حضرت بین دو چشم او می خواند که وی «دوستدار اهل بیت» است. آنگاه  
 می گوید: ای خدا و ای مولای من! تو مرا فاطمه نامیدی و به وسیله من آن کس را که من و  
 ذریه ام را دوست می دارد، از آتش جدا می سازی. و وعده تو راست است و تو از نویدی که  
 داده ای، تخلف نمی کنی.

خداوند متعال می فرماید: راست می گویی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیدم و به وسیله تو  
 کسی که تو را دوست داشته و به ولایت پذیرفته، و ذریه تو را دوست داشته و به ولایت پذیرفته  
 باشد، از آتش نجات می دهم. وعده من حق است و از نویدی که داده ام، تخلف نخواهم کرد. از  
 آن جهت، برای این بنده ام فرمان داده ام که به آتش برده شود، تا تو درباره او شفاعت کنی، تا  
 برای فرشتگان و پیامبران و رسولانم و کسانی که در این جایگاه ایستاده اند، قدر و منزلت تو در

نزد من روشن شود که هرکس را بر پیشانی‌اش بخوانی مؤمن است، دستش را بگیری و به بهشت واردش سازی<sup>۱۰</sup>

## روضه

هنوز این خانه بر تن رخت اندوه پدر دارد  
مخواهید از علی در دست‌ها تان دست بگذارد  
که او مرد است و مرد از جمع نامردان حذر دارد  
بترسید از جسارت بر حریم اهل بیت عشق  
خدا هر لحظه بر احوال این منزل نظر دارد. . .  
کسی می‌آید از این کوچه با یک صورت نیلی  
خدا یا! مادر ما دست در دست پسر دارد  
هلا ای خارهای خشک صحراهای بی مهری!  
کجا یک یاس، تاب آتش و مسمار در دارد؟!  
هنوز مدت زیادی از رحلت حضرت محمد صلی الله علیه و آله نگذشته بود. همه جا رسم  
هست که به خانواده‌های عزادار تسلیت می‌گن. تلاش می‌کنند که از مصیبت‌های آن خانواده کم  
کنند. اما در مدینه جور دیگری بود. خانم این خانه، دختر پیامبر است و لباس عزا به تن دارد.  
آمدند پشت در خانه حضرت علی علیه السلام و هیزم آوردند. به جای اینکه احترام کنند  
آسیب‌های زیادی به حضرت زهرا زدند آنقدر با تازیانه و غلاف شمشیر به بدن ایشان زدند که  
حتی بعد از این ماجرا وقتی هم کسی به عیادت ایشان آمده بود نمی‌توانست بدن خود تکان  
دهند. راوی می‌گوید: لَكَزَهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ. وقتی کسی با قدرت ضربه می‌زند می‌گویند: لَكَزَ؛  
یعنی با تمام قدرت با غلاف شمشیر به بدن ایشان زدند.

وقتی با یک خانم که دختر رسول خداست اینطور رفتار کنند معلوم است که در کربلا چه  
خواهند کرد. عصر عاشورا بود هر کسی با هر چیزی که در دست داشت به بدن مطهر ابی عبدالله  
می‌زد یکی با شمشیر می‌زند یکی با نیزه یکی با چوب یکی با سنگ. ناله بزن یا حسین

<sup>۱۰</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۸۲۹

## جلسه چهارم

### احکام: بیان چند حکم در مورد نماز آیات

هر کدام از رکوع‌های نماز آیات رکن هستند و اگر عمدتاً یا سهواً کم یا زیاد شوند نماز باطل است.

می‌توان نماز آیات را به جماعت خواند که در این صورت حمد و سوره را فقط امام جماعت می‌خواند.

ماموم در هر رکعت از نماز آیات وقتی که امام در رکوع اول است می‌تواند اقتدا کند و پس از آن اقتدا صحیح نیست.

اگر سبب وجوب نماز آیات تکرار شود باید به تعداد همه آنه نماز آیات خوانده شود

صد هزاران کیمیای آفرید کیمیائی هم چو صبر آدم ندرید

### آیات و روایات؛ انواع صبر

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: **الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ، وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؛** صبر سه نوع است: صبر در هنگام مصیبت، صبر بر طاعت و صبر بر ترک گناه. (کافی (ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۵)

امام علی علیه السلام فرمود: صبر یا بر مصیبت است، یا بر اطاعت خدا، یا در مقابل معصیت است که قسمت سوم صبر که در مقابل معصیت است از دو قسمت قبلی با ارزش تر است. (میزان الحکمه، ج ۵، حدیث ۱۰۱۰۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: فَلِلصَّبْرِ أَرْبَعُ شُعَبٍ الشُّوقُ وَ الشَّفَقَةُ وَ الزَّهَادَةُ وَ التَّرَقُّبُ فَمَنْ اشْتَأَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَوَّنَ بِالْمُصِيبَاتِ وَ مَنْ تَرَقَّبَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ؛

صبر چهار شعبه دارد: شوق، ترس، زهد و انتظار، هر کس شوق بهشت داشته باشد، از هوا و هوس دست می‌کشد و هر کس از آتش بترسد، از حرام‌ها خود را نگه می‌دارد و هر کس به دنیا بی‌اعتنا باشد، گرفتاری‌ها را به چیزی نگیرد و هر کس منتظر مرگ باشد، در کارهای خیر بکوشد. (معدن الجواهر ص ۴۰)

امام کاظم علیه السلام: اصْبِرْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ وَ اصْبِرْ عَنِ مَعْاصِي اللَّهِ فَإِنَّمَا الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَمَا مَضَى مِنْهَا فَلَيْسَ تَجِدَ لَهُ سُرُورًا وَ لَا حُزْنَ وَ مَا لَمْ يَأْتِ مِنْهَا فَلَيْسَ تَعْرِفُهُ فَاصْبِرْ عَلَى تِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي أَنْتَ فِيهَا فَكَأَنَّكَ قَدْ اغْتَبَطْتَ؛

بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکیبا باش؛ زیرا دنیا لحظه‌ای بیش نیست. آنچه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری. پس لحظه‌ای را که در آن به سر می‌بری، صبور باش چنان که گویی خوشبخت و خوشحالی. (تحف العقول ص ۳۹۶؛ بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۷۵، ص ۳۱۱، ح ۱)

امام علی علیه السلام فرمودند: صبر بر طاعت خدا، از صبر بر عذاب او آسانتر است. (غررالحکم، ج ۲، حدیث ۱۷۳۱)

## تمثیل؛ تصادف با نرده‌های کنار جاده

راننده‌ای که بانرده‌های کنار جاده تصادف میکند شدیداً از اینکه خساراتی به ماشین او وارد شده ناراحت می‌شود و نرده‌ها را عامل این خسارت می‌داند، ولی وقتی پایین می‌آید و آن طرف نرده‌ها را که دره‌ای وحشتناک است می‌بیند بسیار خوشحال می‌شود و نرده‌ها را وسیله نجات



خود می‌بیند. مصیبتها همان نرده‌های کنار جاده‌اند که در ظاهر خساراتی وارد می‌کنند ولی مانع پرت شدن می‌شوند.<sup>۱۱</sup>

## داستان؛ ایمان کامل

اصمعی وزیر هارون الرشید به شکار رفته بود وی از قافله عقب ماند و گم شد او می‌گوید در این حال خیمه‌ای در وسط بیابان دیدم تشنه بودم و هوا نیز گرم بود گفتم به این خیمه بروم و استراحت کنم تا قافله برسد.

وقتی به طرف خیمه رفتم زن جوان و با جمالی را دیدم که درون خیمه تنهاست تا چشم آن زن به من افتاد سلام کرد و گفت بفرمایید داخل به داخل خیمه رفتم آن زن جایی را تعیین کرد و خودش نیز در قسمت دیگری نشست.

به او گفتم مقداری آب به من بدهد در این حال رنگ او تغییر کرد و گفت چه کنم که از شوهرم اجازه ندارم اما مقداری شیر برای ناهار خودم کنار گذاشته ام که می‌توانم آن را به تو بدهم از اصمعی می‌گوید شیر را خوردم آن زن با من حرف نمی‌زد به ناگاه دیدم حالش منقلب شد نگاه کردم دیدم که سیاهی از دور می‌آید زن گفت شوهرم آمد و آبی را که به من نداده بود با خود برداشت و از خیمه بیرون رفت من تماشا می‌کردم پیرمرد سیاه بدترکیب آمد و آن زن او را از شتر پیاده کرد پاها و دست و رویش را شست و با احترام او را به داخل خیمه آورد دیدم پیرمرد بسیار بد اخلاقی است او به من چندان اعتنا نکرد و به آن زن خیلی تندی نمود.

اصمعی می‌گوید از بس که از اخلاق آن مرد بدم آمد از جا بلند شدم و ترجیح دادم که وسط آفتاب باشم تا درون خیمه از خیمه بیرون آمدم آن مرد به من اعتنایی نکرد اما خانم مرا مشایعت

<sup>۱۱</sup> تمثیلات آیت الله حائری شیرازی، ج ۱، ص ۵۲

کرد به او گفتم ای خانم حیفاست که تو با این جوانی و جمال به این پیرمرد دلبرسته‌ای به چه چیزی دلگرمی به پولش به اخلاقتش به جمالش به چه چیزی؟

یک مرتبه دیدم که رنگ خانم پرید و گفت ای اصمعی از تو بعید است من خیال نمی‌کردم تو که وزیر هارون الرشید هستی بخواهی نامی و سخن‌چینی کنی و محبت شوهرم را از دلم بیرون ببری؟ آن خانم گفت اصمعی می‌دانم چرا اینچنین می‌کنم من از قول پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایتی شنیده‌ام و می‌خواهم به آن عمل کنم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْإِيمَانُ نَصْفَانِ نَصْفَانِ نِصْفٌ فِي الصَّبْرِ وَ نِصْفٌ فِي الشُّكْرِ. من باید خدا را به واسطه اینکه به من جمال داد جوانی و اخلاق خوب داد شکر کنم و شکر این است که با شوهرم بسازم تا ایمانم کامل شود من بر بداخلاقی شوهر نیز صبر می‌کنم دنیا می‌گذرد و من می‌خواهم با ایمان کامل از این دنیا بروم.»<sup>۱۲</sup>

## مرثیه

### مناجات

ای بانی شکسته دل روضه‌ها، بیا  
 رحمی‌نما به حال دل این گدا، بیا  
 دل می‌رود به سمت گناه و خطا، بیا  
 آقا نجاتمان بده از این بلا، بیا  
 فکری به حال نوکر زهرا نما، بیا  
 ای سفره دار واسعۀ هل اتا، بیا  
 آقای من! برای رضای خدا، بیا  
 آقا به حق داغ دل مرتضی، بیا

صاحب عزای حضرت خیر النساء، بیا  
 درد فراق تو به خدا می‌کشد مرا  
 از بس به هجر روی تو عادت نموده ایم  
 ما در میان بحر گنه غوطه می‌خوریم  
 مشغول خویش و بنده دینار و درهمیم  
 لطف تو بوده گریه کن مادرت شدیم  
 ای آخرین نگار دل آرای فاطمه  
 آقا به حق چادر خاکی مادرت

(آقا قسمت میدم به آن چادریکه ۶۰ یهودی را مسلمان کرده بیا دلم از دوری شما داره آتش میگیره) یا ابن الحسن، یا ابن الحسن.

## کرامت و فضیلت

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمود: هنگامی که خداوند خلائق اولین و آخرین را مبعوث گرداند، منادی پروردگاران از زیر عرش خداوند صدا می‌زند: ای گروه خلائق، دیدگان را ببندید که فاطمه دختر حضرت محمد و بانوی زنان جهانیان می‌خواهد بر صراط بگذرد! خلائق همگی چشمها را می‌بندند. فاطمه بر صراط عبور می‌کند، هیچ کس در صحنه قیامت نیست مگر آنکه چشمانش را می‌بندد، به جز حضرت محمد و علی و حسن و حسین و فرزندان پاک آنان، چرا که فرزندان آن حضرتند. هنگامی که وارد صحرای محشر شود، دنباله چادرش بر روی صراط کشیده می‌شود، یک سر آن در بهشت به دست خود آن حضرت است و سر دیگرش در عرصه قیامت است. منادی پروردگاران صدا می‌زند: ای دوستداران فاطمه! به گوشه‌های چادر بانوی زنان جهانیان چنگ زنید! و کسی از دوستداران حضرت فاطمه باقی نمی‌ماند مگر اینکه به گوشه‌ای از اطراف چادر آن حضرت چسبیده است تا اینکه بیش از هزار فئام و هزار فئام به آن چنگ می‌زنند و می‌چسبند.

گفتند: یک فئام چقدر است؟ فرمود: هزار هزار، که به وسیله آن حضرت از آتش نجات می‌یابند.<sup>۱۳</sup>

## روضه

آتش به درب خانه ی حیدر کشیده  
زخم عمیقی میخ روی در کشیده

آورده هیزم کافری، لشکر کشیده  
با ضربه ی سنگین پا بر پهلوی یاس

<sup>۱۳</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۸۳۰

خود حضرت زهرا سلام الله علیها برای خودشون روضه می خوانند: فَجَمَعُوا الْحَطَبَ وَ الْجَزَلَ  
 علی بابنا و أتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا چوب آوردند که ما را آتش بزنند.

از شاخه ی طوبایِ باغِ آل احمد مسمارِ خانه میوه ی نوبر کشیده

در روایت آمده آنچنان نامردا به در لگد زدند که در با شدت به بدن حضرت زهراء برخورد  
 کرد فقط همین را بگم در آن زمان حضرت زهرا سلام الله علیها حامله بودند ناگاه صدایی بلند  
 شد «یا فِضَّةُ خَدِیْنِی فَقَدْ قُتِلَ وَاللَّهِ مَا فِی أَحْشَائِی مِنْ الْحَمَلِ»

نقش رکاب چند انگشتر کشیده	بر ماه رویش ضرب دست بی حیایی
گل های سرخی بر روی بستر کشیده	پهلوی به پهلو تا شده با خون پهلو
خود را به بستر جانب دیگر کشیده	آید صدای استخوان از سینه هربار
گوید به خود مادر مبادا پر کشیده	تا چشم بسته ریخته قلب حسینش
خوابیده بر روی سرش معجز کشیده	تا روی زردش را نبیند زینب او
آنجا که ناله روی تل خواهر کشیده	شد روضه خوان کربلا این روز و شب ها
هر بار قاتل تیغ بر حنجر کشیده	از بوسه های فاطمه دیگر نبرید
اینبار خنجر را به پشت سر کشیده	آخر کلافه شد تنش را زیر و رو کرد

آخ بمیرم که سرت را از قفا بریده اند ای حسین ای حسین...

## جلسه پنجم

### احکام: امر به معروف و نهی از منکر

تعریف امر معروف و نهی از منکر

امر به معروف: در تمام دین به تمام واجبات و مستحبات معروف گفته می‌شود و واداشتن افراد به این کار را امر به معروف می‌نامند.

نهی از منکر: همه کارهای حرام منکر هستند و بازداشتن افراد از حرام را نهی از منکر می‌نامند.

امر به معروف و نهی از منکر از مهم ترین واجبات و شریف ترین آنهاست

واجبات دینی به سبب امر به معروف و نهی از منکر استوار می‌گردند

اگر مردم اگر به معروف و می از منکر را ترک کنند افراد پست و نالایق بر آنها مسلط می‌شوند

صد هزاران کیمیا حق آفرید کیمیائی هسم چو صبر آدم ندید

### آیات و روایات؛ توصیه به صبر

#### ویژگی خاشعان

بقره آیه ۴۵: **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ** (و طلب یاری کنید از خدا به صبر کردن در مصائب (بعضی گفته اند: مراد، روزه، و صبر در تشنگی و گرسنگی آن است) و طلب یاری کنید و مساعدت خواهید در رستگاری دنیا و آخرت از خدا، به نمازگزاران

البته نماز، سنگین و گران است مگر بر کسانی که حال خضوع و ذلت به درگاه خدا دارند، که ایشان از نماز، سنگینی نبینند و بلکه لذت برند)

سوره بقره آیه ۱۵۳: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (ای کسانی که ایمان آورده اید! مدد جوئید به صبر کردن در مصائب و خواندن نماز در اوقات آن (بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از «صبر»، روزه است که در آن صبر بر گرسنگی و تشنگی است). البته خدا با صبرکنندگان است)

### ناظر خداست و عاقبت در دست اوست

سوره طور آیه ۴۸: وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ (صبر کن برای حکم پروردگار خود ای پیغمبر! که البته تو در حفظ و عنایت مایی)

سوره قمر آیه ۲۷: إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَ اصْطَبِرْ (البته ما فرستادیم شتر صالح را برای امتحانشان و گفته شد به صالح که: مراقب مردم باش که با ناقه چه می کنند سفارش کن که مبدا سوء قصدی به ناقه نمایند و صبر کن بر آزار ایشان)

سوره قلم آیه ۴۸: فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَ لَا تُكِنِّ كَصَاحِبِ الْهُوتِ إِذْ نَادَى وَ هُوَ مَكْظُومٌ (صبر کن ای پیغمبر! برای حکم پروردگار خود و مباش در طلب عجله عذاب ایشان مثل صاحب ماهی که یونس پیغمبر بود صبر نکرد بر اذیت قوم خود و عذاب ایشان را خواست. وقتی که یونس خواند پروردگار خود را در حالتی که او دلتنگ بود از قوم خود)

سوره روم آیه ۶۰: فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لَا يَسْتَخِفُّنَكَ الَّذِينَ لَا يُؤْفِقُونَ (پس صبر کن ای پیغمبر! که البته وعده خدا به پیروزی تو و نشر دینت راست است و نباید سبک کند تو را رفتار آنان که اهل یقین نیستند. و تکذیب و ایذای اهل شک و ضلالت باعث فتور و سستی تو در دعوت نشود)

سوره هود آیه ۴۹: تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ وَ لَأَقَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ (اینها از خبرهای غیب است که به تو (ای پیامبر) وحی می کنیم؛ نه تو، و نه قومت، اینها را پیش از این نمی دانستید! بنابر این، صبر و استقامت کن، که عاقبت از آن پرهیزگاران است!)

سوره هود آیه ۱۱۵: وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (صبر کن ای پیغمبر بر اذیت مردم که خدا ضایع نمی کند اجر نیکوکاران را)

سوره المعارج آیه ۵: فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا (پس صبر کن ای پیغمبر! صبر نیکو)

سوره طه آیه ۱۳۰: فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ غُرُوبِهَا وَ مِنْ ءَأَنَآئِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَ اطْرَافِ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَى (صبر کن ای پیغمبر! بر آنچه می گویند. و تسبیح کن به حمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آن. تسبیح کن در بعضی از اوقات شب و در اطراف روز یعنی: صبح و عصر و شب نماز بگزار شاید تو خشنود شوی به رسیدن به عطایای خدا)

سوره النحل آیه ۱۲۷: وَ اصْبِرْ وَ مَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لَأَتَحْزَنُ عَلَيْهِمْ وَ لَأَتَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (و صبر کن در آنچه به تو رسید و نیست صبر تو مگر به توفیق خدا. و غمگین مشو بر تسلط یافتن ایشان بر لشکر تو. و مباش دل‌تنگ از آنچه مکر با تو می کنند)

امام جواد علیه السلام فرمودند: در زندگی، صبر را تکیه گاه خود، فقر و تنگ دستی را همنشین خود قرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن. و بدان که هیچگاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود. (بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۵۸، حدیث ۱)

**گذرا بودن دنیا**

امام علی علیه السلام: فَصَبْرًا عَلَىٰ ذُنُوبِنَا تَمُرُّ بِلَأْوَائِهَا كَلَيْلِهِ بِأَحْلَامِهَا تَنْسَلِخُ؛ در برابر دنیایی که گرفتاری آن، مانند خواب های پریشان شب می گذرد شکبیا باش. (امالی (صدوق) ص ۶۲۲؛ بحار الأنوار (ط-بیروت) ج ۴۰، ص ۳۴۸، ح ۲۹)

امام کاظم علیه السلام فرمودند: بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش؛ زیرا دنیا لحظه ای بیش نیست. آنچه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری. پس لحظه ای را که در آن به سر میبری، صبور باش چنان که گویی خوشبخت و خوشحالی. (بحار الأنوار، ج. ۷۵، ص ۳۱۱، ح ۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی او شکبیا باش؛ زیرا دنیا لحظه ای بیش نیست. آنچه گذشته جای شادی و غم ندارد و از آنچه نیامده نیز خبری نداری. هزینه می رسد و صبر از جانب خداوند به اندازه گرفتاری می آید. (من لا یحضره الفقیه ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۲۴۹۸ {شبیبه این در امالی (صدوق) ص ۵۵۲، ح ۳})

## نهی از تندی

امام باقر علیه السلام: فِی قَوْلِهِ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَّانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِجَّ وَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ؛ درباره این گفته خداوند که «با مردم به زبان خوش سخن بگویند» فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنها بگویند، چرا که خداوند، لعنت کننده، دشنام دهنده، زخم زبان زن بر مؤمنان، زشت گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن می دارد و با حیا و بردبار و عقیف پارسا را دوست دارد. (امالی (صدوق) ص ۲۵۴)

امام علی علیه السلام: إِنَّكَ مَقْوَمٌ بِأَدَبِكَ فَزَيِّنْهُ بِالْحِلْمِ؛ تو با ادب ارزش گذاری می شوی، پس آن را با بردباری زینت بخش. (عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۱۷۲، ح ۳۵۹۹)



امام علی علیه السلام: مَنْ غَاظَكَ بِفُجْحِ السَّفَهَةِ عَلَيْكَ، فَعِظْهُ بِحُسْنِ الْحِلْمِ عَنَّهُ؛ هر کس با زشتی سبکسری تو را خشمگین کرد تو با زیبایی بردباری او را به خشم آور. (عیون الحکم و المواعظ (لیثی) ص ۶۰، ح ۸۳۵۸)

## تمثیل؛ پنبه زن

تربیت، فنون و ریزه‌کاری‌هایی دارد. کتک دارد، گرفتن و بستن دارد، باباگاهی بچه‌اش را می‌گیرد و چوب و فلک میکند، بطوری هم می‌زند که از پای او خون می‌آید. برای چه می‌زند؟ آیا می‌زند که دلش خنک بشود؟ یانه، می‌زند که بدیها را از این بچه بیرون بکند؟ بعضی چیزهاست که وقتی آن را می‌زنی پاک می‌شود. ندیدید حلاج (پنبه زن) پنبه را چه جوری پاک می‌کند؟ وقتی می‌خواهد مثلاً تخم پنبه را بگیرد چه کاری انجام می‌دهد؟ وقتی می‌خواهد آشغال و خاکش را بگیرد پنبه را کتک می‌زند و با آن چوبی که مثل گوشت کوب است، روی پنبه می‌زند و پنبه‌ها را ریش ریش میکند و لذا به او می‌گویند «پنبه زن»، آیا او دشمن پنبه است که پنبه را می‌زند؟ این پنبه در اول یک چیزی به هم چسبیده و خراب شده است که با آن حالت به درد تشک نمی‌خورد و اگر از آن پنبه زده نشده داخل تشک بکنند مثل آجر، تشک را که زیر کمرت می‌اندازی اذیت میکند. اما وقتی که پنبه زن آمد و این پنبه را زد بعد آن را داخل تشک کرد وقتی می‌خواهی یک طوری توی آن پنهان می‌شود که مشخص نیست. این وجود انسان سنگلاخ و سختی‌هایی دارد که باید این سنگلاخها و سختیها زده و صاف بشوند.

همانطور که پنبه زن اگر نصفی از پنبه را بزند و نصف دیگر را نزند می‌گویند حلاج خیانت کرده و خوب پنبه‌ها را زده است. به او می‌گویند یک بار دیگر اینها را بزن. وقتی خوب اینها را زد، می‌گویی آقا دستت درد نکند. امام حسین علیه السلام اول این پنبه وجود تو را می‌خواهد بزند. تو نباید دردت بگیرد، ریش ریشت می‌کند تو نباید جیغ بزنی. یک مثالی دیگر بزنم: شما وقتی می‌خواهید در زمینی گندمی، دانه ای یا چیزی بکارید چه کار می‌کنید؟ اول سنگلاخهای زمین را بر می‌دارید. شیارش می‌کنید و آن را میکوبید و نرم می‌کنید و بعد در آن گندم میکوبید. وجود ما هم یک وجود سنگی شده، زمینه دل ما سنگلاخ شده و امام حسین علیه

السلام اول می‌خواهد دل ما را شیار بزند و نرم بکند، باید خوب آن را بگوید. و شیار عمیق بزند تا بتواند در آن تخم محبت بکارد.<sup>۱۴</sup>

## داستان؛ زن ابو طلحه انصاری

ابو طلحه‌ی انصاری یکی از یاران رسول خداست زنی با ایمان داشت به نام ام سلیم این زن و شوهر پسری داشتند که مورد علاقه هر دو بود، ابو طلحه پسر را سخت دوست می‌داشت، پسر بیمار شد، بیماریش شدت یافت، به مرحله‌ای رسید که ام سلیم دانست که کار پسر تمام است.

ام سلیم برای این که شوهرش در مرگ فرزندش بیتابی نکند او را به بهانه‌ای به خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرستاد و پس از چند لحظه طفل جان به جان آفرین تسلیم کرد.

ام سلیم جنازه بچه را در پارچه‌ای پیچید و در یک اطاق مخفی کرد، به همه اهل خانه سپرد که حق ندارید ابو طلحه را از مرگ فرزند آگاه سازید. سپس رفت و غذایی آماده کرد و خود را نیز آراست و خوشبو نمود. ساعتی بعد که ابو طلحه آمد و وضع خانه را دگرگون یافت، پرسید: بچه چه شد؟

ام سلیم گفت: بچه آرام گرفت. ابو طلحه گرسنه بود، غذا خواست، ام سلیم غذایی که قبلاً آماده کرده بود حاضر کرد و دو نفری غذا خوردند. ابو طلحه آرام گرفت، ام سلیم گفت: مطلبی می‌خواهم از تو بپرسم، گفت: بپرس گفت: آیا اگر به تو اطلاع دهم که امانتی نزد ما بود و ما آن را به صاحبش رد کرده‌ایم ناراحت می‌شوی؟ ابو طلحه گفت: نه هرگز، ناراحتی ندارد، امانت مردم را باید پس داد.

ام سلیم گفت: سبحان الله، باید به تو بگویم که خداوند فرزند ما را که امانت او بود از ما گرفت و برد. ابو طلحه از بیان این زن تکان سختی خورد و گفت به خدا قسم من از تو که مادر هستی سزاوارترم که در سوگ فرزندان صابر باشم از جا بلند شد، غسل کرد، دو رکعت نماز

<sup>۱۴</sup> تمثیلات آیت الله حائری شیرازی، ج ۱، ص ۵۵

به جا آورد، به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله رفت و ماجرا را از اول تا آخر برای آن حضرت شرح داد. رسول اکرم فرمودند: خداوند دیشب شما را قرین برکت قرار داد و نسل پاکیزه‌ای نصیب شما گرداند. خدا را سپاس می‌گزارم که در امت من مانند صابره بنی اسرائیل قرار داد.<sup>۱۵</sup>

شبیبه این مطلب در بین مادران شهدا بسیار فراوان دیده شده است. هم در دفاع مقدس و هم در دفاع از حرم. مادر شهید صابری را برای وداع با پیکر شهیدش به غسلخانه بهشت معصومه علیهاالسلام قم بردند. خواهر کوچک شهید هم همراهش بود. همین که روپوش تابوت را کنار زدند، خواهر شروع کرد به گریه کردن و مبهوت شدن. مادر با لبخند می‌گفت (فیلم این لحظات موجود است) دخترم گریه نکن این امانت را از ما قبول کرده‌اند. ببین چقدر قشنگ شده بین چه راحت خوابیده و... .

## مرثیه

### مناجات

مولا پی وصل است و بنده باز هجرانیست  
او حاضر است و غیبت ما سخت طولانیست  
اورا نخوان بر خانه ات تا سفره ظلما نیست  
مشغول نفس خود شدن ختمش به حیرانیست  
تنها دوی گریه کنها گریه درمانیست  
با نوح تو همراه شو دریا که طوفانیست  
مادر پریشان است و حال ما پریشانیست

ای دیده ابری باش حُسن دیده گریانی ست  
اصلا شده باخود بگویی من کجا هستم  
نان حلالی جور کن تعارف به مولا کن  
ما دور خود گشتیم اما دور آقا نه  
از درد هجرانی که مادریم معلوم است  
پاشو سوار کشتی اش شو باز جا دارد  
مادر بسوزد بچه‌هایش نیز میسوزند  
بالحجۃ الهمی العفو، الهمی العفو، الهمی العفو. . .

### کرامت و فضیلت؛ طعام بهشتی برای عیادت فاطمه علیهاالسلام

<sup>۱۵</sup> یکصد موضوع ۵۰۰ داستان، جلد ۱، صفحه ۵۱، بخش استقامت

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ وَجَدَتْ عَلَةً فَجَاءَهَا رَسُولُ اللَّهِ ص عَائِدًا فَجَلَسَ عِنْدَهَا وَسَأَلَهَا عَنْ حَالِهَا فَقَالَتْ إِنِّي أَشْتَهِي طَعَامًا طَيِّبًا فَقَامَ النَّبِيُّ ص إِلَى طَاقٍ فِي الْبَيْتِ فَجَاءَ بِطَبَقٍ فِيهِ زَبِيبٌ وَكَعْكٌ وَأَقِطٌ وَفَطْفٌ عِنَبٍ فَوَضَعَهُ بَيْنَ يَدَيِ فَاطِمَةَ ع فَوَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَدَهُ فِي الطَّبَقِ وَ سَمَى اللَّهَ وَ قَالَ كُلُوا بِسْمِ اللَّهِ فَأَكَلَتْ فَاطِمَةُ وَ رَسُولُ اللَّهِ ص وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَبَيْنَمَا هُمْ يَأْكُلُونَ إِذْ وَقَفَ سَائِلٌ عَلَى الْبَابِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَطْعَمُونَا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ فَقَالَ النَّبِيُّ ص اخْسَأْ فَقَالَتْ فَاطِمَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَكَذَا تَقُولُ لِلْمَسْكِينِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص إِنَّهُ الشَّيْطَانُ وَ إِنَّ جَبْرَائِيلَ جَاءَكُمْ بِهَذَا الطَّعَامِ مِنَ الْجَنَّةِ فَأَرَادَ الشَّيْطَانُ أَنْ يُصِيبَ مِنْهُ وَ مَا كَانَ ذَلِكَ يَنْبَغِي لَهُ

علی علیه السلام فرماید: روزی فاطمه علیها السلام بیمار شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عیادتش آمده در نزد او نشست و حالش را جویا شد، فاطمه گفت: دلم می‌خواهد طعام پاکیزه‌ای را تناول نمایم. پس پیامبر برخاست و از زیر سقف خانه یک سینی آورد که در آن مقداری مویز، نان شیری، کشک و خوشه‌ای انگور بود و آن را در مقابل فاطمه گذارد. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستش را به سوی سینی برده بسم الله گفته فرمود: بخورید به نام خدا! فاطمه، رسول خدا، علی، حسن و حسین مشغول خوردن شدند که در این حال فقیری به در خانه آمده و پس از سلام گفت: از این غذایی که خدا به شما عطا کرده است به من هم بدهید.

پیامبر آشفته گردیده گفت: دور شو!! فاطمه گفت: پدر جان، تاکنون با هیچ فقیری چنین سخن نگفته بودی؟! پیامبر فرمود: او شیطان است، این طعام را جبرئیل از بهشت آورده و او می‌خواهد که از آن نصیبی ببرد، در صورتی که چنین نصیبی عاید او نخواهد شد.<sup>۱۶</sup>

خدا با حضرت زهرا علیها السلام اینچنین رفتار می‌کند که برای عیادتش بالاترین فرشته را مأمور می‌سازد.

## روضه

کسی ندید آن همه مقام و فرّ و جاه را  
 کجا شنیده ای که سد کند سپاه و لشکری  
 چهل نفر به یک نفر کجای منطق است این  
 مصیبتی شده گذشتن از میان مردها  
 غصه خاطرات او چه کرده با دل علی  
 وارد شده که حضرت زهرا سلام الله علیها از حضرت علی علیه السلام در خواستی نمی کردند  
 حتی یک روز وقتی امام علی از حضرت زهرا پرسیدند که در خانه چیزی برای خورد داریم  
 گفتند: «نه» چون این وصیت پدرشون بود که از علی چیزی که نمی تواند تهیه کند، درخواست  
 نکن، اما اواخر عمر شریفشان از امام علی یک خواسته‌هایی داشتند که دل امام علی را آتش  
 میزند. فرمودند برای تشییع من تابوت بساز «أَوْصِيْتُكَ يَا بَنَ عَمٍّ أَنْ تَتَّخِذَ لِي نَعَشًا» شاید  
 می‌خواستند که مبادا بدنشان را نامحرمی ببیند.

تمام شهر می‌شود به یک اشاره زیر و رو  
 قصه کوچه برگی از دفتر غصه‌های ماست  
 خودت بخوان چه می‌شود اگر سه ساله گم شود  
 خودت بخوان آخر ماجرای قتلگاه را  
 بالآخره با هر سختی که بود حضرت زهرا دفن کردن اما من کسی را میشناسم که سه روز سه  
 شب بدنش عریان پاره و عریان بود و دفن نشد

که بشنوم ندای آن امام دادخواه را

نشسته ام در انتظار انتقام منتقم

## جلسه ششم

### احکام: بیان چند نکته

امر به معروف و نهی از منکر واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است و اگر گروهی آنرا انجام دهند از بقیه ساقط می‌شود.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر:

بر کسی که علم به واجبات و محرمات دارد واجب است نه بر کسی که نمی‌داند فلان کار حرام است یا فلان کار واجب است.

احتمال بدهد امر او به معروف یا نهی از منکر فایده داشته باشد.

شخص خطاکار اصرار بر کارش داشته باشد.

امر و نهی او سبب ضرر مالی یا جانی یا آبرویی به خود یا نزدیکان و یا حتی یکی از مومنین نداشته باشد.

صد هزاران کیمیا حق آفرید کیمیائی هم چو صبر آدم ندید

### آیات و روایات؛ آثار صبر

#### مغفرت و جزای الهی

سوره هود آیه ۱۱: **إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ** (مگر آن کسانی که صبر کردند در بلاها و عمل کردند نیکبها را، آن گروه از برای ایشان آمرزش و مژده بزرگ است)

سوره مومنون آیه ۱۱۱: **إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْلِحُونَ** (البته که من جزا می دهم ایشان را امروز به پاداش صبری که کردند، و ایشان رستگارانند)

حضرت علی علیه السلام فرمودند: اگر صبر کنی، به خاطر صبر خود به مقامات ابرار و نیکوکاران می رسی و اگر بی صبری کنی، این بی صبری تو را در عذاب دوزخ وارد می کند. (غرر الحکم، ح ۳۷۱۳)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: **ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ جَمَعَ اللَّهُ لَهُ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَالصَّبْرُ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَالِدُّعَاءُ عِنْدَ الشَّدْوَةِ وَالرِّخَاءِ**؛ کسی که سه خصلت در او باشد خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او فراهم می کند: خشنودی به مقلدات، صبر در بلا و دعا در سختی و راحتی. (بحار الأنوار - طبروت) ج ۶۸، ص ۱۵۶، ح ۷۱)

امام باقر علیه السلام فرمودند: بهشت آمیخته به سختیها و صبر و بُردباری است، پس هر کس در دنیا بر سختیها شکبیا و صبور باشد، وارد بهشت می شود، و جهنم آمیخته به شهوات و خوشگذرانیهاست. پس هر کس خواستهها و شهوات نفس خود را تأمین کند، وارد آتش می شود. (اصول کافی، ج ۷۳، ص ۲، حدیث ۷)

سوره نحل آیه ۹۶: **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ** (آنچه نزد شماست از اموال دنیویه، فانی شود و آنچه نزد خداست از خزائن رحمت ابدیه باقی ماند. جزا می دهیم مزد کسانی را که صبر کردند در پایداری در دین بهتر از آنچه که عمل کردند)

سوره فصلت آیه ۳۵: وَ مَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ مَا يُلْقِيهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (و برنخورد کسی به این خصلت مگر صاحبان بهره بزرگ از اخلاق و ایمان)

امام صادق علیه السلام فرمودند: صبر، آنچه را که در درون بندگان خدا از نور و صفا وجود دارد، آشکار می‌کند و بی صبری و ناشکیبایی، آنچه را که در درون آنها از ظلمت و وحشت است، ظاهر می‌سازد. (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹۰، ح ۴۴)

امام صادق علیه السلام فرمودند: عاقبت صبر و شکیبایی خیر است، بنابراین صبر کنید تا پیروز شوید. (بحار الانوار، ج ۷۱، حدیث ۹۶)

امام باقر علیه السلام فرمودند: کسی که صبر کند، و کلمه استرجاع، یعنی (انا لله و انا الیه راجعون) بگوید و هنگام گرفتاری خدا را ستایش کند، پس او از کار خدا خشنود است و اجرش با خداست و کسی که این چنین نکند، سرنوشت او تغییر نمی‌کند و مذمت می‌شود و پاداش او هم از بین می‌رود. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۹۶)

امام علی علیه السلام: إِنَّكَ إِنْ صَبَرْتَ جَرَتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَأْجُورٌ وَ إِنْ جَزَعْتَ جَرَتْ عَلَيْكَ الْمَقَادِيرُ وَ أَنْتَ مَأْزُورٌ؛ اگر صبر کنی مقدرات الهی بر تو جاری می‌شود و اجر خواهی بُرد و اگر بیتابی کنی باز هم مقدرات خداوند بر تو جاری می‌شود و گناهکار خواهی بود. (جامع الأخبار (شعیری) ص ۱۱۶)

## افزایش روزی

امام علی علیه السلام: إِنْ الْعَبْدَ لَيَحْرُمُ نَفْسَهُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ بِتَرَكِ الصَّبْرِ، وَ لَا يُزَادُ عَلَيَّ مَا قُدِّرَ لَهُ؛ بنده به سبب بی صبری، خودش را از روزی حلال محروم می‌کند و بیشتر از روزی مقرر هم نصیبش نمی‌شود. (شرح نهج البلاغه (بن ابی الحدید) ج ۳، ص ۱۶۰)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: فَأَمَّا الْجِلْمُ فَمِنْهُ رُكُوبُ الْجَمِيلِ وَ صُحْبَةُ الْأَبْرَارِ وَ رَفْعٌ مِنَ الضَّعْفِ وَ رَفْعٌ مِنَ الْخَسَاسَةِ وَ تَشَهُّيُ الْخَيْرِ وَ تَقَرُّبٌ صَاحِبِهِ مِنْ مَعَالِي الدَّرَجَاتِ وَ الْعَفْوُ وَ الْمَهْلُ وَ



الْمَعْرُوفُ وَالصَّمْتُ فَهَذَا مَا يَتَشَعَّبُ لِلْعَاقِلِ بِحِلْمِهِ؛ حاصل بردباری: آراسته شدن به خوبیها، هم نشینی با نیکان، ارجمند شدن، عزیز گشتن، رغبت به نیکی، نزدیک شدن بردبار به درجات عالی، گذشت، آرامش و تأنی، احسان و خاموشی. اینها ثمره بردباری عاقل است. (تحف العقول ص ۱۶)

### افزایش دوستان

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: هرکس ورع و پرهیزگاری روش زندگی او، بزرگواری و سخاوت عادت او و صبر و بردباری برنامه اش باشد، دوستانش زیاد خواهند بود و دیگران او را مورد مدح و ستایش قرار می دهند. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۷۹)

### از بین برنده غضب

امام علی علیه السلام: الْحِلْمُ يُطْفِئُ نَارَ الْغَضَبِ وَالْحِدَّةُ تُوجِّعُ إِحْرَاقَهُ؛ بردباری آتش خشم را فرو می نشاند و تندی آن را شعله و رتر می کند. (تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۲۸۷، ح ۶۴۵۰)

### پیروزی بر دشمن

امام علی علیه السلام: مَنْ حَلَمَ عَنِ عَدُوِّهِ ظَفِرَ بِهِ؛ هر کس در مقابل دشمن بردبار باشد بر او پیروز می شود. (کنز الفوائد ج ۱، ص ۳۱۹)

امام علی علیه السلام: لَا يَعْدِمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ؛ شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۴۹۹، ح ۱۵۳)

امام علی علیه السلام: مَنْ لَمْ يُنَجِّهِ الصَّبْرُ أَهْلَكَهُ الْجَزَعُ؛ کسی که صبر وی را نجات نبخشد، جزع و بی تابی وی را از پای در می آورد. (نهج البلاغه (صبحی صالح) ص ۵۰۲، ح ۱۸۹)

## تمثیل؛ ظلمت و خار

صبر در برابر دوست و قرین بد (که از آن به نفس نیز می‌توان تعبیر کرد)، سینه را برای درک حقایق الهی وسعت می‌دهد و سپس این مسئله را به عنوان قانونی عمومی که بر کل عالم حاکم است، تعمیم می‌دهد و می‌گوید: صبر ماه در برابر شب و تاریکی آن موجب می‌شود که از خورشید نور بگیرد و درخشان و تابان شود. صبر گل در برابر خار موجب می‌شود که گل معطر و خوشبو شود. هم چنین، شیر که همه لبنیات از او گرفته می‌شوند، با صبر و تحمل اوضاع و احوال سخت و ماندن بین سرگین و خون می‌تواند عنصری حیات بخش جهت توانمندی شیرخواران هر دسته از حیوانات شود. صبر و شکیبایی پیامبران (علیهم السلام) در مقابل منکران و تحمل آزار و اذیت آنان موجب می‌شود که از مقربان الهی به شمار آیند و در هدایت مردم به سوی خدا موفق شوند.

یار بد نیکوست بهر صبر را	که گشاید صبرکردن صدر را
صبر مه با شب منور داردش	صبر گل با خار آذفر داردش
صبر شیر اندر میان فرث و خون	کرده او را ناعش إِبْن اللَّبُون
صبر جمله انبیاء با منکران	کردشان خاص حق و صاحب قرآن <sup>۱۷</sup>

## داستان؛ پاداش شکیبایی

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کند زمانی که قیامت برپا می‌شود منادی حق فریاد می‌زند کجایند آنان که صبر کردند جمعیت باشکوهی از مردم حاضر می‌گردند گروهی از فرشتگان از آنها استقبال می‌نماید به آنها می‌گویند صبر و استقامت شما چگونه بوده است؟

آنها در پاسخ می‌گویند در راه اطاعت خداوند استقامت نمودیم و در برابر گناه ایستادگی کردیم منادی خداوند اعلام می‌کند بندگان من راست می‌گویند آزادشان بگذارید تا بدون بازخواست وارد بهشت شوند.<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۷</sup> منوی معنوی: ۳/۳۵۴، دفتر ششم، ۱۴۰۷ - ۱۴۱۰

## مرثیه

## مناجات

سوختم از هجر، آمم را بخر	حسرت عمر تباهم را بخر
گرچه در عصیان مرا هم دیده ای	لااقل شرم نگاهم را بخر
گیرِ گرگِ نفسِ خود افتاده ام	التماسِ قعرِ چاهم را بخر
تو کمک کن پا شوم... خوردم زمین!	بار سنگین گناهم را بخر
آنهمه سرمایه ام آتش گرفت	باقی انبار کاهم را بخر
نامهء اعمال من را پاره کن	باز هم روی سیاهم را بخر
دیر شد سهمیهء شش گوشه ام	شور و شوق بارگاهم را بخر

مادرها به شکل خاصی برای بچه‌هاشون دعا می‌کنند. آگه بچه‌ها مشکلی داشته باشند با همه وجود برای برطرف شدنش تلاش می‌کنند. ما هم عرض می‌کنیم که یازهرا شما رو مادر خودمان می‌دانیم پس برای زندگی هامون دعا کن. ایشالا مادرمون در آن عالم دستمون را بگیرند از عمق وجودت صدایشون بزن: یا فاطمه یا زهرا، یا فاطمه یا زهرا، یا فاطمه یا زهرا

## کرامت و فضیلت؛ امانت پیامبر

از نبی خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که: نزدیک وفاتش پس از آنکه دست فاطمه زهرا علیها السلام را در دست حضرت علی علیه السلام گذاشت، به آن حضرت فرمود: ای ابو الحسن! این امانت خداوند و ودیعه رسول او محمد در نزد توست. پس خداوند و مرا در مورد او رعایت نما! و تو این کار را خواهی کرد. ای علی! به خدا سوگند که او بانوی زنان اهل بهشت از گذشتگان و آیندگان است.

به خدا سوگند که او مریم کبری است. آگاه باش! به خدا سوگند عمرم به پایان نیامد مگر اینکه برای او و شما از خداوند درخواست کردم و آنچه را که خواستم خداوند به من بخشید.

ای علی! هر آنچه را که فاطمه به تو دستور داد انجام بده! من به او دستوراتی داده‌ام که جبرائیل آن دستورات را داده است. . . به خدا سوگند ای فاطمه! راضی نخواهم شد تا اینکه تو راضی شوی.<sup>۱۹</sup>

## روضه

از در بگویم یا که از دیوار یا کوچه  
 از آتش و از سیلی و مسمار تا تابوت  
 اینسو در و دیوار، آنسو دستها بسته  
 حال بدش را دید و با دلواپسی برداشت  
 چون گفتمی شیعه بسیارست با کوچه  
 دیده ست مظلومیتش را بارها کوچه. . .  
 آوار شد وقتی که دید این صحنه را کوچه  
 همراه دست مجتبی دست دعا کوچه  
 تابوت او را روی دوش آورد تا کوچه  
 تنها خدا دانست مولا با چه احوالی  
 حضرت زهرا در بستر بیماری هم نگران خود نبودند بلکه نگران حضرت بودند به طوریکه  
 وقتی از احوال ایشان سوال شد گفتند که غمگینم پرسیدند که چرا؟ فرمود: «فَقَدَ النَّبِيُّ وَ ظَلَمَ  
 الْوَصِيَّ وَ هَيْتِكَ وَ اللَّهُ حِجَابُهُ» به خاطر نبود پیامبر و ظلم کردن به وصی او شکستن حرمت او  
 ناراحتم. آخرهای عمرشون بود از ایشان پرسیدند که چرا گریه میکنید، گفتند به خاطر آنچه که  
 بعد از من اتفاق می افتد گریه می کنم.

داغ تو ما را میرد آهسته آهسته  
 صحرا به صحرا تا قیام کربلا کوچه  
 نمی دونم وقت وداع آخر امام حسین گریه کردند یا نه چون میدونستند که برای خواهرشان  
 چه اتفاق‌هایی قرار است بیفتد و سیلی‌هایی را بخورند  
 وقت طلوع حضرت خورشید می بینیم  
 وا می کند مشت خودش را ابتدا کوچه. . .

<sup>۱۹</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۱۰۸.

## جلسه هفتم

### احکام: مراتب امر به معروف و نهی از منکر

مرتبۀ اول: با معصیت‌کار طوری عمل شود که بفهمد به سبب ارتکاب آن گناه با او اینگونه عمل می‌شود.

امر و نهی با زبان یعنی به کسی که واجبی را ترک کرده بگوید که فلان چیز واجب است یا فلان چیز حرام است.

استفاده از زور برای جلوگیری از منکر و برپایی واجب مثل زدن گناهکار (اجرای این مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر شرایط ویژه‌ای دارد که آن را به عهده حکومت گذاشته‌اند. در غیر اینصورت هرج و مرج رخ خواهد داد. در حال حاضر که دستگاه‌های قضایی و انتظامی وجود دارد، نباید اقدام به برخوردهای فیزیکی خودسرانه کرد.)

صبر هسزرا ان کیمیاسق آفرید کیمیائی هسم چو صبر آدم ندرید

### آیات و روایات؛ نشانه‌های صبر

#### کنترل غضب

امام صادق علیه‌السلام: ثَلَاثَةٌ لَا تُعْرَفُ إِلَّا فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ - لَا يُعْرَفُ الْحَلِيمُ إِلَّا عِنْدَ الْغَضَبِ وَ لَا الشُّجَاعُ إِلَّا عِنْدَ الْحَرْبِ وَ لَا أُخٌ إِلَّا عِنْدَ الْحَاجَةِ؛ سه کس اند که جز در سه جا شناخته نمی‌شوند: بردبار جز در هنگام خشم، شجاع جز در جنگ و برادر جز در هنگام نیازمندی. (بحارالأنوار) - (بیروت) ج ۷۵، ص ۲۲۹، ح ۱۰۷)

## معاشرت نیک

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: لَيْسَ بِحَلِيمٍ مَنْ لَمْ يُعَاشِرِ بِالْمَعْرُوفِ مَنْ لَا بُدَّ لَهُ مِنْ مُعَاشَرَتِهِ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ مَخْرَجًا؛ بردبار نیست آن که با کسی که چاره‌ای جز معاشرت با او ندارد به نیکی معاشرت نکند تا این که خداوند برای او راه نجاتی از معاشرت با وی فراهم آورد. (نهج الفصاحه ص ۶۶۰، ح ۲۳۹۲)

## نشاط

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ أَوْلَاهَا أَنْ لَا يَكْسَلَ وَ الثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرَ وَ الثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُوَ مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى لِأَنَّهُ إِذَا كَسِلَ فَقَدْ ضَيَّعَ الْحَقَّ وَ إِذَا ضَجَرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ وَ إِذَا شَكَا مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ؛ صبور سه نشانه دارد: اول آن که سستی نمی کند، دوم آن که افسرده و دل‌تنگ نمی شود و سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی کند؛ زیرا اگر سستی کند، حق را ضایع کرده، و اگر افسرده و دل‌تنگ باشد شکر نمی گذارد و اگر از پروردگارش شکوه کند او را معصیت کرده است. (علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۱۹)

ابوبصیر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده که فرمودند: انسان آزاده همیشه آزاده است، اگر حادثه‌ای برای او پیش آید، صبر و شکیبایی دارد، و اگر مصیبتی بر او فرو ریزد، او را نمی‌شکند اگرچه اسیر و مغلوب شود و آسایش او به سختی تبدیل شود. (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۶۹)

## تمثیل؛ عجله مگس

دست برسرزدن از هر مگس می‌آید. در مشکلات زندگی از ناله و فریاد باید پرهیز نمود. کنون که سخت پیش آمدت سخت باش. مرد آن بود که روز بلا، «تازه‌رو» بُود. <sup>۲۰</sup> مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش. <sup>۲۱</sup> مرد باید که در کشاکش دهر، سنگ زیرین آسیا باشد. <sup>۲۲</sup>

<sup>۲۰</sup> جمال الدین عبدالرزاق

## داستان؛ طریق آرامش

دختر علامه مجلسی که از زنان صاحب کمال مجتهد و فاضل بود وقتی از پله بالا می‌رفت افتاد و سرش شکست و خون جاری شد ساق پایش نیز به سنگ تیزی برخورد کرد و استخوانش شکست عده‌ای اطرافش جمع شدند دیدند که میخندد. گفتند مگر درد نداشت گفت چرا پرسیدند پس چرا ناله نکردی گفت وقتی از ثواب‌هایی که خدا به من به خاطر تحمل این درد می‌دهد یادم آمد آرام شدم.<sup>۳۳</sup>

### مرثیه

#### مناجات

یقیناً راه دل را بر روی اغیار می بندد  
چه خوشبخت است آن که بر کف پا خار می بندد  
که عاشق هرچه را در چپته دارد، کار می بندد  
بدون گردگیری، آینه زنگار می بندد  
ضرر کرده است آن که دل به آب‌انبار می بندد  
سحر بارِ خودش را مومنِ بیدار می بندد  
"عمارت" گر شود "متروکه‌خانه"، تار می بندد  
کسی اُمید بر صفرِ پس از اعشار می بندد؟!  
به دیوار تنورِ "جار تُمَّ الدَّار" می بندد  
دل شیعه چه طرفی را از این تکرار می بندد!

دخیل عشق را هر کس به پای یار می بندد  
طریقِ "وصل" را بی زخم رفتن از محالات است  
برای دلبری از شمع، پروانه پرش را داد...  
پی تهذیب نَفَسْت باش، تا صاحب نَفَس گردی  
اگر دنبال دریایی، ز چشمه سار خواهش کن...  
دلیل ناله ی نیمه شبی، او سحرگاهی است  
کمال چشم‌ها در رفت و آمد کردن "اشک" است  
ولایت یک عدد دارد که آن هم مُختص مولاست  
فدای مادری که هر خمیرِ پخت نانش را  
"بیا آقا بیا آقا"، چه تکرارِ پر از دردی...  
یابن الحسن، یابن الحسن، یابن الحسن...

<sup>۳۱</sup> حافظ

<sup>۳۲</sup> سعدی

<sup>۳۳</sup> ایمان، ج ۲، ص ۱۰۰

## کرامت و فضیلت

از قول عایشه نقل شده است که گوید: روزی فاطمه به سوی ما می‌آمد. نه، سوگند به خداوندی که جز او خدایی نیست راه رفتنش از راه رفتن رسول خدا کم نمی‌آمد، همین که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم چشمش به او افتاد، فرمود: خوش آمدی دخترم، خوش آمدی دخترم. فاطمه خود گوید: حضرت به من فرمود: آیا دلت نمی‌خواهد که روز قیامت به عنوان بانوی زنان جهانیان وارد محشر بشوی؟!<sup>۲۴</sup>

## روضه

فکر کردن به غم و غصه‌ی مادر سخت است  
از حسین (ع) اصرار کردن که: حسن (ع)! حرف بز  
خواندن روضه‌ی «در» چند برابر سخت است  
از حسن (ع) هی بغض کردن که: برادر! سخت است  
زیر بار غم تو می‌شکند پشت پدر  
زندگی بی سر و بی همسر و سرور سخت است  
دلِ حیدر دل کوه است، دل کوه، آری!  
ولی این داغ برای دل حیدر سخت است  
(آره به خدا انقدر داغ سخت و سنگینی بود برای امیرالمومنین که خودشان می‌فرمایند: «لَقَدْ ظَلَمْتُ عِدَّةَ الْمَدَرِ وَالْمَطَرِ وَالْوَبْرِ» به اندازه ریگ‌های بیابان و قطره‌های باران و کرک‌های حیوانات به من ظلم شده.)

من همان اول بسم الله اشکم جاری است  
چقدر زمزمه‌ی سوره‌ی کوثر سخت است. . .  
خیلی سخت که حیدر کرار کنند در خیبر باشی و در مقابلهت همسرت را بزنند؛ راوی می‌گه که دور گردن حضرت امیر طناب سیاهی انداختند ولی حضرت زهرا در چهار چوب در بین آنها و شوهرش حائل شدند همان جا بود که قنغذ با شلاق به بدن ایشان زد.

<sup>۲۴</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۱۱۱





## سبک ۱

### در و دیوار

آتش زبانه می‌کشد، از خانه خیر النساء

پرپر شده در پشت در، ریحانه خیرالنساء

واویلتا واویلتا

در بین آن دیوار و در، یا رب شده محشر به پا

بهر حمایت از علی، زهرا شده جانش فدا

واویلتا واویلتا

ای کافران بی حیا، دست خدا را بسته اید

پهلوی زهرا را ز کین، در پشت در بشکسته اید

واویلتا واویلتا

### بستر

در بین بستر فاطمه، افتاده و جان بر لب است

آنکه پرستاری کند، از آن خمیده زینب است

واویلتا واویلتا

بر مادر غمپرورش، او غمگساری می‌کند

یا خون بگرید از جگر، یا خانه داری می‌کند

واویلتا واویلتا

بر حالت محزون تو، من مضطرم شب تا سحر

گه بر تو گریه میکنم، گه بر غریبی پدر

واویلتا واویلتا

### شهادت

دخت پیمبر کشته شد، دلدار حیدر کشته شد

ای مسلمین ای مسلمین، زهرا ای اطهر کشته شد

واویلتا واویلتا

از غربت شیر خدا، خون فلک آید به جوش

در آسمان بی کسی، خورشید حیدر شد خموش

واویلتا واویلتا

جدت شود با سوز دل، آماده غسل و کفن

سرت سلامت سیدی، یابن الحسن یابن الحسن

واویلتا واویلتا

## سبک ۲

## در و دیوار

آمده دشمن، با تازیانه  
بیت الاحزان شد، شهر مدینه

آو و واویلا

غلاف شمشیر، به دست زهرا  
فاطمه بین، در و دیوار است

آو و واویلا

طفلش شهید و، خودش شهیده  
جان فدای راه ولایت شد

آو و واویلا

مظلوم عالم، بی فاطمه شد  
داغ زهرا شد، قاتل مولا

آو و واویلا

گردیده بی هوش، از غصه مولا  
گویا آن دم، مرتضی جان داد

آو و واویلا

آمد کنار بستر زهرا  
دیدگان بگشا، من علی هستم

آو و واویلا

از خانه میزد، آتش زبانه  
غنچه و گل شد، پرپر از کینه

خزان نشسته، به هست زهرا  
حال پیغمبر، در جنان زار است

ختم رسل راه، نور دو دیده  
ناله ی او آه ولایت شد

## شهادت

دارالمصائب، قلب همه شد  
آو و واویلا، از دل مولا

چون باخبر شد، از داغ زهرا  
فاتح خیبر، بر زمین افتاد

یار و انیس و، دلبر زهرا  
گفت و من نور، منجلی هستم

## سبک ۳

### در و دیوار

یاور حیدر حضرت زهرا  
از غم زهرا وز دل مولا  
حق پیغمبر، را ادا کردند  
از غم زهرا وز دل مولا  
قتلگاه او پشت آن در بود  
از غم زهرا وز دل مولا

بین دیوار و، در کوثر طاها  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
غنچه و گل را، با هم فدا کردند  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
لاله جاننش، از کینه پرپر بود  
آه و واویلا صد آه و واویلا

### بستر

مادرم بین بستر افتاده  
از غم زهرا وز دل مولا  
از چه بازوی تو ورم کرده  
از غم زهرا وز دل مولا  
از چه بنشسته نافله خواندی  
از غم زهرا وز دل مولا

لرزه بر دستان مادر افتاده  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
قامت ما را داغ تو خم کرده  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
ای که بر لب ذکر عاشقی راندی  
آه و واویلا صد آه و واویلا

### شهادت

خونجگر از غم زینب کبراست  
از غم زهرا وز دل مولا  
عقده ی قلب خسته اش باشد  
از غم زهرا وز دل مولا  
نالها می زد او غریبانه  
از غم زهرا وز دل مولا  
ای امان از این بی کسی زهرا  
از غم زهرا وز دل مولا

روز عاشورای حضرت زهراست  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
فاطمه دیگر مهمان بابا شد  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
آمد از مسجد مولا سوی خانه  
آه و واویلا صد آه و واویلا  
رفتی و گشتم من بی کس و تنها  
آه و واویلا صد آه و واویلا

خانه ی بی تو بی صفا باشد

از غم زهرا وز دل مولا

بچه‌هایت را خونجگر کردی

از غم زهرا وز دل مولا

روز و شب کارم آه و عزا شد

آه و واویلا صد آه و واویلا

ای پرستویم تنها سفر کردی

آه و واویلا صد آه و واویلا

## سبک ۴

### در و دیوار

آتش کشد از خانه زبانه  
دشمن رسیده با تازیانه  
شد، زهرای اطهر، چون لاله پرپر، در پشت آن در  
آه مظلومه زهرا  
در پشت در با صوت حزینی  
نالۀ زده یا فضا خذینی  
آه، محشر به پا شد، طفلش فدا شد، از ظلم کافر  
آه مظلومه زهرا  
غمخوار حیدر یارِ ولی بود  
در بین آتش فکر علی بود  
در، هجوم فتنه، جانش فداشد، در راه رهبر  
آه مظلومه زهرا

### بستر

تمام عشق مولا فتاده  
میان بستر زهرا فتاده  
او، غمخوار عشق است، دلدار عشق است، بیمار عشق است  
آه مظلومه زهرا  
از ماه رویش غم منجلی بود  
تنها گناهِش عشق علی بود  
او، یاور و یار، دل بی قرار، سردار عشق است  
آه مظلومه زهرا  
او که شکسته شد بهر مولا  
توان ندارد برخیزد از جا  
آن، قامت خمیده، رنگش پریده، شود شهیده  
آه مظلومه زهرا

### کوچه

در بین کوچه با دردِ غربت  
زهرا فدا شد بهر ولایت  
آن، ظلم تحمیلی، صورت نیلی، ضربه سیلی

آه مظلومه زهرا

از این مصیبت عالم حزین شد      زهرا به کوچه نقش زمین شد

شد، از ظلم دشمن، آن روح پاک، چادرش خاکی

آه مظلومه زهرا

بعد از پیمبر از ظلم و کینه      نیلوفری شد یاس مدینه

در، اوج فتنه‌ها، بین کوچه‌ها، پیش مجتبی

آه مظلومه زهرا

### شب شهادت

شب عروجت دیگه رسیده      روی سفرای قامت خمیده

ای، محرم اسرار، دلبر و دلدار، خدانگهدار

آه مظلومه زهرا

تو می‌روی من با دیده ی تر      شرمنده ام از روی پیمبر

یا، سِ پرپر من، نیلوفر من، همسنگر من

آه مظلومه زهرا

توی می‌روی ای خورشید تابان      من هستم و یک جمع پریشان

وای، از بی شکیبی، بر من حبیبی، وای از غریبی

آه مظلومه زهرا

### روز شهادت

روز عزای زهرا رسیده      مولا علی شد قامت خمیده

ای، کعبه دلها، تسلیت آقا، مهدی زهرا

آه مظلومه زهرا

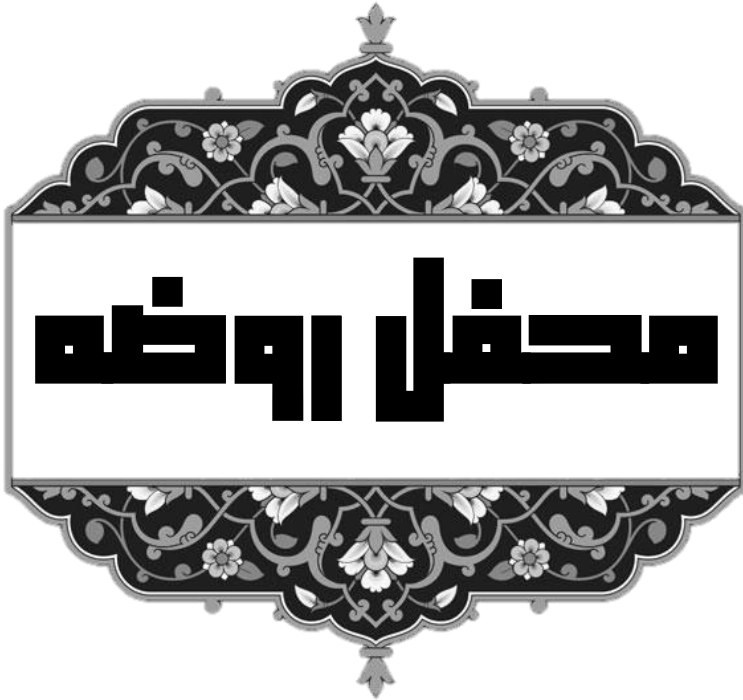
سینه بزن در عزای زهرا      دلها شکسته برای زهرا

شد، شهیده زهرا، ام ابیها، از ظلم اعداء

آه مظلومه زهرا

بعد از پدر شد بر او جسارت      جانش فدا شد بهر ولایت

شد، با قلب خسته، در غم نشسته، پهلو شکسته





## شعر امام زمان

حسرت عمر تباهم را بخر  
 لااقل شرم نگاهم را بخر  
 التماس قعر چاهم را بخر  
 بار سنگین گناهم را بخر  
 پس به جاننت اشتباهم را بخر  
 باقی انبار کاهم را بخر  
 باز هم روی سیاهم را بخر  
 شور و شوق بارگاهم را بخر  
 آبروی اشک ما را هم بخر  
 این رفیق نیمه راهم را بخر  
 هر دو دست بی پناهم را بخر

سوختم از هجر، آهم را بخر  
 گرچه در عصیان مرا هم دیده ای  
 گیر گرگِ نفسِ خود افتاده ام  
 تو کمک کن پا شوم... خوردم زمین!  
 صبر کردی، جرم من شد بیشتر  
 آنهمه سرمایه ام آتش گرفت  
 نامه اعمال من را پاره کن  
 دیر شد سهمیه شش گوشه ام  
 پیش سقا که دو چشمش تیر خورد  
 خواهشاً با مادرت زهرا بگو  
 جان حیدر که دو دستش بسته شد

\*\*\*\*\*

بیا عزیز دلم روزگارمان سخت است  
 به دوستان بدهی گر رُخی نشان سخت است)  
 عجیب نیست اگر کار روضه خوان سخت است  
 خودِ تو حق بده یا صاحب الزمان سخت است  
 عجیب بود، اصولاً غم جوان سخت است  
 فقط، زمین بخورد پیش این و آن سخت است

تحمل غم هجران برایمان سخت است  
 شبِ فراق و غمِ انتظار طولانیست  
 شروع روضه به شعر فراق خورده گره  
 جلوی صاحب عزا روضه خواندن از پهلوی  
 یکی غم علی اکبر یکی غم زهرا  
 برای فاتح خیبر همین که فاطمه اش

\*\*\*\*\*

شوق دیدار مرا از نفس انداخته است  
 زخم بسیار مرا از نفس انداخته است  
 دیدم انگار مرا از نفس انداخته است  
 دوری از یار مرا از نفس انداخته است  
 خون مسمار، مرا از نفس انداخته است

حسرت اینبار مرا از نفس انداخته است  
 از فراق چه بگویم؟ که نگفتن بهتر  
 آدم جمعه ی این هفته نفس تازه کنم  
 ندبه های سحری شاهد غم هایم شد  
 روضه خوان روضه بخوان، مدارسادت چه شد؟؟

یاد زهرا که می‌افتم دل من می لرزد  
 وسط روضه ی زهرا غم سنگین علی  
 با دل خسته ی خود مادر ما مهدی گفت  
 در و دیوار مرا از نفس انداخته است  
 صد و ده بار مرا از نفس انداخته است  
 درد خود را همه شب فاطمه با مهدی گفت

### شعر مرثیه

حتی بریده شد به گمانم امان صبر  
 تنها نه با حق است، مع الصبر هم علیست  
 دست فلک به مرد تعارف نمی‌کند  
 وقتی تنور خانه به سردی گذاشته  
 لات و عزیزی به منبر و توحید در عزا  
 این دست بسته شد که شد آن چشم نیمه باز  
 در بین دود و آتش و هیزم چه می‌کند  
 آری، نبود صبر علی در گمان صبر  
 این افتخار تا به همیشه از آن صبر  
 جز خون دل که ریخته در استکان صبر  
 باید که در تنور جگر پخت نان صبر  
 در چشم خار و بین گلو استخوان صبر  
 هم این، هم آن نبود به غیر از نشان صبر  
 حوریه ی مبارکه ی دودمان صبر؟  
 یه وقت دیدن که حال حضرت بد و بدتر میشه «یغشی علیها ساعة بعد ساعة» حضرت فاطمه  
 اسما را صدا زدنند و گفتند: من استراحت میکنم چند دقیقه بعد من را صدا کن آگه جواب ندادم  
 بدون از دنیا رفتنم؛

اسماء همین کار را کرد دید حضرت جواب نمیدن، رفت و روپوش کنار زد فهمید از دنیا  
 رفتن اما وقتی خبر به حضرت امیر رسید با صورت به زمین خوردند آمدند بالا سر حضرت  
 فاطمه هرچی صدا می‌زنند جواب نمی‌شنوند هی می‌گویند: «فاطمه کلیمینی» اما جوابی نمی  
 شنوند.

محبوبه ی حبیب خدا بین شعله‌هاست از خود گرفته است خدا امتحان صبر...  
 وقتی خبر را به امیرالمومنین دادند با صورت به زمین خوردند اما ایشان دست در بدن داشتند  
 که حائل بشه اما یه آقایی کربلا وقتی عمود آیین ر سرشون فرود آمد باصورت به زمین خوردند  
 اما فرقت این است که ایشان دست در بدن نداشت. صلی الله علیکم یا اهل بیت نبوه... .

تیر غربت آمد و قلب کبوتر زخم شد آن چنان افتاد که هم بال هم پر زخم شد  
 پیش چشم کودکی معصوم مادر را زدند پیش چشم کودکی پهلوی مادر زخم شد  
 آخرهای کار غسل اسماء داره روی بدن مبارک حضرت فاطمه آب می ریزه حضرت علی  
 علیه السلام یک دفعه می بینند که بچه‌ها از قصه دارند جان میدند فرمود: «هَلُمُّوا تَزَوَّدُوا مِنْ أُمَّكُمْ  
 فَهَذَا الْفِرَاقُ وَاللِّقَاءُ فِي الْجَنَّةِ» بیاید با مادرتون وداع کنید زمان جدایی؛ بچه خلدشون را به روی  
 بدن مادر انداختند شروع کردند گریه کردن تا نداء آمد که علی «ارْفَعُهُمَا عَنْهَا فَلَقَدْ أَبْكَيَا وَاللَّهِ  
 مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ» ملائکه دارند گریه میکنند بچه‌ها را از مادرشون جدا کن.

ضربه جوری بود که پهلوی مادر جای خود غیر پهلو لا اقل صد جای دیگر زخم شد  
 من تصور می‌کنم از شدت برخوردها هم نوک مسمار هم دیوار هم در زخم شد  
 فضا می‌داند!! ولی من پیش بینی می‌کنم از جراحات تنش یک عمر بستر زخم شد  
 بعد مادر زخمها ارثیه دختر صد برابر زخم شد  
 از تن عریان و بی جان برادر زخم شد  
 نانیجیب آنقدر زد تا اینکه خنجر زخم شد  
 ده نفر با نعل تازه آمدند و تاختند ظاهراً بیش از صد و ده بار پیکر زخم شد  
 حضرت زینب هم خودشون روی بدن مادر انداختند و گریه کردن اما در کربلا توی گودی  
 قتلگاه هر چی می‌گردند بدن برادر را پیدا نمی‌کنند

شمر جلوتر بود دیر رسیدم من

به سمت گودال از خیمه دویدم من

حسین آرام جانم حسین روح روانم. . .

\*\*\*\*\*

به سمت خانه‌ی ما راه دیگری هم داشت  
 مدینه کاش گذرگاه بهتری هم داشت  
 که شهر کوچک یثرب پیمبری هم داشت  
 ز دید شهر نه انگار دختری هم داشت  
 که باورت نشود خانه‌اش دری هم داشت

مدینه کاش به جز کوچهی بنی‌هاشم  
 که ما ز کوچهی سیلی گذر نمی‌کردیم  
 چه زود رفت ز یاد مهاجر و انصار  
 پیمبری که غم امت خودش را خورد  
 شکست و سوخت و خاکستری و میخی ماند

پرش شکست به ضرب غلاف، آنگونه که فکر هم نکنی او مگر پری هم داشت  
 حضرت علی علیه السلام فاطمه سلام الله علیها را داخل قبر بگذارد هر چی نگاه می‌کنند  
 کسی نیست کمک کنه، انگار باید تنهایی این کار را انجام بدهند، یک دفعه دیدند دستی از قبر  
 بیرون آمد بدن را گرفت و داخل قبر گذاشت بالا خزه با هر سختی بود دفنشون کردن راوی  
 میگه: «فَلَمَّا نَفَضَ يَدَهُ مِنْ تُرَابِ الْقَبْرِ هَاجَ بِهِ الْحُزْنُ فَأَرْسَلَ دُمُوعَهُ عَلَى خَدَّيْهِ وَ حَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَى  
 قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ... » وقتی دست کشیدن حزن و غم به قلب ایشان هجوم می‌کنه اشک ها جاری  
 می‌شود و وری گونه میریزد؛ تو این حال و هوا و رو به قبر حضرت رسول می‌کنند می‌گویند این  
 هم امانت شما، اما من میگم امانت باید سالم باشد. . .

دو جا شکستگی و زخم بستری هم داشت  
 مگر نه اینکه حسینش به تن سری هم داشت  
 ولی نگفت که مقتول، مادری هم داشت  
 نگفت این سر بر نیزه خواهری هم داشت  
 به جز خمیدگی قامتش که حیدر دید  
 جفا به تک‌تک این خانواده موروثی است  
 صدای مادر او را شنید در گودال  
 سری به نیزه بلند است، حامل نیزه  
 از آداب این استکه وقتی کسی از دنیا میره او را با احترام دفن کنند اما کربلا نه تنها دفن  
 نکردند بلکه اسب ها با نعل تازه در برابر زنان و بچه‌ها بر جسم مبارک تاختند. ای حسین

## مصائب

### وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که گفتم به پدرم امام جعفر صادق علیه السلام: بعد از  
 اینکه ملائکه از نزد پیامبر رفتند، چه رخ داد؟ فرمود: علی و فاطمه و حسن و حسین را  
 فراخوانده و به سایرین فرمود که از خانه بیرون روند. سپس به ام سلمه فرمود که مقابل در  
 بایست که کسی وارد نشود. او هم چنین کرد. سپس فرمود: یا علی! نزدیک بیا علی نیز آمد.  
 پیامبر دست فاطمه را گرفتند و بر سینه خود گذاشتند و دست علی علیه السلام را با دست دیگر  
 خود گرفتند. (غلبته عبرته فلم يقدر علی الکلام) میخواستند صحبت کنند ولی گریه اجازه

نمی داد. فاطمه علیها السلام، امیرالمومنین و حسن و حسین علیهم السلام نیز از گریه پدر گریه شدیدی کردند.

فاطمه عرض کرد: ای رسول خدا! (قد قَطَعْتَ قلبی و أحرقت کبدی لبکائک) با گریه خود قلبم را پاره کردی و جگرم را سوزاندی. ای سرور همه انبیا و امین خدا و پیامبر خدا و دوست خدا. قرار است بعد از تو چه بر سر فرزندانت بیاید؟ برای علی برادرت و یاور دین؟ وحی الهی چه می شود؟ سپس سکوت کرد و خود را روی صورت پیامبر انداخت. پیامبر نیز او را بوسیدند. علی و حسنین علیهم السلام نیز خود را به بالین پیامبر انداختند. پیامبر در حالیکه دستان علی و فاطمه را در دست داشت، دست هر کدام را در دست دیگری قرار داد و فرمود: ای ابالحسن این ودیعه خدا و پیامبرش است نزد تو پس از او نگهداری کن و حرمت مرا با نگهداری از او حفظ کن که می دانم تو چنین می کنی.

یا علی، هذه و الله سیده نساء أهل الجنة من الأولین و الآخرین؛ هذه و الله مریم الكبرى. أما و الله ما بلغت نفسی هذا الموضع حتی سألت الله لها و لكم، فأعطانی ما سألته. یا علی، أنفذ لما أمرتک به فاطمه علیها السلام، فقد أمرتها بأشیاء أمر بها جبرئیل، و اعلم- یا علی- إنی راض عن رضیت عنه ابنتی فاطمه علیها السلام، و كذلك ربی و ملائکته. یا علی، ویل لمن ظلمها و ویل لمن ابتزها حقها؛ ویل لمن هتک حرمتها و ویل لمن أحرق بابها و ویل لمن آذى خلیلها و ویل لمن شاقها و بارزها؛ اللهم إنی منهم بریء و هم منی براء. ثم سَمَّاهم رسول الله صَلَّى اللهُ عليه و آله، و ضمَّ فاطمه علیها السلام إليه و علیا و الحسن و الحسين علیهم السلام و قال: اللهم إنی لهم و لمن شایعهم سلم، زعیم بأنهم یدخلون الجنة، و عدو لمن عاداهم و ظلمهم و تقدّمهم أو تأخّر عنهم و عن شیعتهم، زعیم بأنهم یدخلون النار. ثم و الله- یا فاطمه- لا أرضی حتی ترضی، ثم لا و الله لا أرضی حتی ترضی، ثم لا و الله لا أرضی حتی ترضی.<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۵</sup> الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهراء، الأنصاری، ج ۱۰، ص: ۲۰۷.



## مناقب حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

### مسلمان شدن چندین یهودی

و رَهَنْتُ عِيسَىٰ لَهَا عِنْدَ امْرَأَةٍ زَيْدٍ الْيَهُودِيَّ فِي الْمَدِينَةِ وَ اسْتَفْرَضْتُ الشَّعِيرَ فَلَمَّا دَخَلَ زَيْدٌ دَارَهُ قَالَ مَا هَذِهِ الْأَنْوَارُ فِي دَارِنَا قَالَتْ لِكِسْوَةِ فَاطِمَةَ فَأَسْلَمَ فِي الْحَالِ وَ اسْلَمَتِ امْرَأَتُهُ وَ جِيرَانُهُ حَتَّى اسْلَمَ ثَمَانُونَ نَفْسًا

ابن شهر آشوب گوید: حضرت فاطمه علیها السلام یکی از لباسهایش را نزد زن یک یهودی به نام زید به عنوان وثیقه و ضمانت قرار داد و مقداری جو قرض گرفت. هنگامی که زید یهودی داخل خانه‌اش شد، نوری را مشاهده کرد و از همسرش پرسید: این نور از چیست؟ زن گفت: از این لباسی است که فاطمه نزد من گرو گذاشته است. پس آن یهودی و همسرش فوراً مسلمان شدند و با اسلام آوردن آنان هشتاد نفر از یهودیانی که همسایه وی بودند مسلمان شدند.<sup>۲۶</sup>

علی - علیه السلام - از یک نفر یهودی مقداری جو قرض کرد و در مقابل آن، ملافه حضرت فاطمه را که از پشم بود، گرو گذاشت.

یهودی آن را برد و در خانه‌اش گذاشت. هنگام شب، زن یهود برای کاری به آن اطای که ملافه در آن بود رفت. ناگهان نوری را در حال درخشش دید که اطاق را روشن کرده بود به سوی شوهرش برگشت و به او گفت: در آن اطاق، روشنایی بزرگی را دیدم.

شوهرش نیز تعجب کرد و فراموش کرده بود که ملافه فاطمه - سلام الله علیها - را در آنجا گذاشته است. سریع برخاست و وارد آن اطاق شده دید شعاع نور ملافه، پخش شده و مانند نور ماهی است که از نزدیک طلوع کرده باشد. از این مسأله در شگفت شد. به جایی که ملافه را گذاشته بود، دقت کرد و فهمید که این نور، از همان ملافه است. یهودی رفت و قوم و

<sup>۲۶</sup> زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص: ۲۹۴

خویشانش را فراخواند و همسرش نیز قوم و خویشان خود را حاضر ساخت. بیش از هشتاد نفر از یهودیان جمع شدند. همه آنان وقتی این را دیدند، مسلمان شدند.<sup>۲۷</sup>

## خنثی شدن توطئه یهودیان

یهودیان عروسی داشتند و خدمت پیامبر- صلی الله علیه و آله- رسیدند و گفتند: ما بر گردن شما حق همسایگی داریم و می‌خواهیم دخترت فاطمه را به خانه ما بفرستی تا عروسی ما بیشتر زینت پیدا کند و بسیار اصرار نمودند.

پیامبر اکرم- صلی الله علیه و آله- فرمود: او همسر علی بن ابی طالب است و در اختیار او می‌باشد. اما آنان مجدداً از رسول خدا- صلی الله علیه و آله- خواستند که از علی بخواهد تا به فاطمه- سلام الله علیها- اجازه شرکت در مجلس آنان را بدهد.

یهودیان تمام زینت دریایی و خشکی را جمع کرده بودند و خیال می‌کردند فاطمه- سلام الله علیها- در لباس کهنه بر آنها وارد خواهد شد. و از این راه می‌خواستند آن مخدره را خوار کنند! که ناگاه، جبرئیل یک دست لباس بهشتی با تمام زیور آلات که مانند آن را هیچ بیننده‌ای ندیده بود، آورد. فاطمه- سلام الله علیها- آنها را پوشید و آن زیورها را در بر کرد. مردم از زیورها، رنگ و عطر لباس حضرت فاطمه- سلام الله علیها- تعجب کردند. وقتی که بر زنان یهود وارد شد، همه آنان به سجده افتادند و در مقابل آن حضرت، زمین را بوسیدند و بدین خاطر، عدّه زیادی از یهودیان، مسلمان شدند.<sup>۲۸</sup>

## دعای مستجاب

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده که فرمودند: به هنگامی که رویدادهای تلخ اتفاق افتاد فاطمه علیها السلام گریبان عمر را گرفته جلو کشیده فرمود: به خدا سوگند ای پسر

<sup>۲۷</sup> جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، ص: ۳۹۶

<sup>۲۸</sup> جلوه‌های اعجاز معصومین علیهم السلام، ص: ۳۹۶



خطاب! اگر نبود که از رسیدن بلا به بی گناهان خوشم نمی آمد می دیدی که خدا را سوگند داده به سرعت دعایم مستجاب می شد.<sup>۲۹</sup>

### محدثه بودن حضرت

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةُ مُحَدَّثَةً لِأَنَّ الْمَلَائِكَةَ كَانَتْ تَهْبِطُ مِنَ السَّمَاءِ فَتُنَادِيهَا كَمَا تُنَادِي مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ يَا فَاطِمَةُ أَقْبَتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاعِينَ فَتُحَدِّثُهُمْ وَيُحَدِّثُونَهَا فَقَالَتْ لَهُمْ ذَاتَ يَوْمٍ أَلَيْسَتْ الْمَفْضَلَةُ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ فَقَالُوا إِنَّ مَرْيَمَ كَانَتْ سَيِّدَةً نِسَاءِ عَالَمِهَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَكَ سَيِّدَةً نِسَاءِ عَالَمِكِ وَعَالِمِهَا وَ سَيِّدَةً نِسَاءِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: فاطمه علیها السلام از آن جهت محدثه نامیده شد که فرشتگان بر او فرود می آمدند و با او گفتگو می کردند همان گونه که با مریم بنت عمران گفتگو می کردند، آنها به فاطمه می گفتند: ای فاطمه! همانا خداوند تو را برگزیده، و از پلیدیها تطهیر نموده، و تو را بر زنان دو عالم برتری داده است، پس ای فاطمه! خدایت را سپاسگزار بوده وی را عبادت نما. آنها با یک دیگر گفتگو می کردند، شبی فاطمه به آنها گفت: آیا آنکه در این آیه، نسبت به زنان دو عالم، فضیلت و برتری داده شده، مریم دختر عمران نبوده است؟ فرشتگان گفتند: مریم بزرگ و برگزیده زنان زمان خود بوده ولی خداوند تو را بر تمامی زنان دو عالم از اولین تا آخرین ایشان برتری بخشیده است.<sup>۳۰</sup>

### مصحف فاطمه علیها السلام

<sup>۲۹</sup> فاطمه زهرا علیها السلام شادمانی دل پیامبر، ص ۱۱۲

<sup>۳۰</sup> زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص ۳۷۲

بصائر الدرجات أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ تَطَهَّرْ زِنَادِقَهُ سَنَةَ ثَمَانِيَةَ وَعَشْرِينَ وَمِائَةَ وَذَلِكَ لِأَنِّي نَظَرْتُ فِي مُصْحَفِ فَاطِمَةَ قَالَ فَقُلْتُ وَمَا مُصْحَفُ فَاطِمَةَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا قَبَضَ نَبِيَّهُ ص دَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ مِنْ وَفَاتِهِ مِنَ الْخُزْنِ مَا لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهَا مَلَكًا يُسَلِّي عَنْهَا غَمَّهَا وَيُحَدِّثُهَا فَشَكَتَ ذَلِكَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ لَهَا إِذَا أَحْسَسْتِ بِذَلِكَِ وَ سَمِعْتِ الصَّوْتَ قُولِي لِي فَأَعْلَمْتَهُ فَجَعَلَ يَكْتُبُ كُلَّمَا سَمِعَ حَتَّى أَثْبَتَ مِنْ ذَلِكَ مُصْحَفًا قَالَ ثُمَّ قَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَ لَكِنَّ فِيهِ عِلْمٌ مَا يَكُونُ

امام صادق علیه السلام فرمودند: در سال ۱۲۸ هجری قمری زندیق‌هایی ظهور خواهند کرد. من با نگاه کردن در «مصحف فاطمه» این خبر را به دست آوردم. حماد بن عثمان گوید: به امام عرض کردم: مصحف فاطمه چیست؟ امام فرمود: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حضرت فاطمه علیها السلام به شدت محزون و افسرده گردید، پس خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستاد تا وی را تسلی دهد و همدم او بوده با فاطمه هم صحبت شود. فاطمه علیها السلام این مطلب را برای علی علیه السلام فاش نمود و علی به او گفت: هر گاه آن فرشته آمد و با تو سخن گفت، کلام او را برای من بازگو کن. و حضرت فاطمه علیها السلام شنیده‌هایش از آن فرشته را برای علی علیه السلام نقل می‌کرد و علی نیز آنها را می‌نوشت تا در نتیجه این مصحف فراهم آمد. حماد گوید: امام بلافاصله فرمود: مطالب این مصحف در باره احکام حلال و حرام نیست، بلکه اخبار غیبی و آنچه که در آینده واقع خواهد شد، در این مصحف نوشته شده است.<sup>۳۱</sup>

## داستان صبر رشید هجری

حسان عجلی نقل می‌کند: من یک بار دختر رشید هجری را ملاقات کردم، گفتم مطالبی که از پدرت شنیدی برای من بگو؟ گفت: من روزی نشسته بودم، پدرم به من گفت دخترم یک روز

<sup>۳۱</sup> زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار، ص ۳۷۴

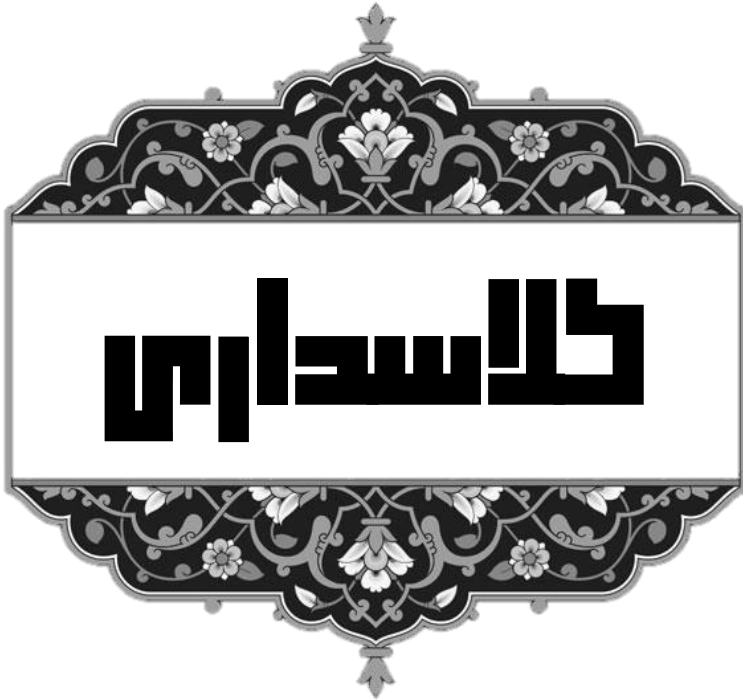
محبوب من امیر المؤمنین علیه السلام به من فرمود: هنگامی که فرماندار خبیث بنی امیه دنبال تو بفرستد و بخواهد دو دست و پایت را قطع کند، و زبان تو را از دهانت بیرون بکشد. آیا در مقابل این سختی‌های زیاد توان تحمل مشکلات را داری؟ دخترم وقتی این خبرها را امیر المؤمنین علیه السلام به من داد که من چگونه شهید خواهم شد، از او پرسیدم پایان عمر من سعادت و نجات است؟ فرمود: بله بهشت است.

حضرت فرمود: رشید تو کنار من و با من هستی. دختر رشید می‌گوید: به خدا سوگند خیلی زمان نگذشت که پدرم را پیش عبیدالله بن زیاد بردند. عبیدالله گفت: رشید با علی قطع رابطه کن، اقرار کن که فرهنگ ما را قبول داری و با معاویه بیعت می‌کنی، رشید گفت: چه درخواست بدی از من می‌کنید. چگونه از علی جدا شوم من عاشق علی هستم، دنیا و آخرت من علی است.

عبیدالله بن زیاد گفت: من از علی خبر دارم حتماً به تو گفته که تو را چگونه می‌کشم، گفت: بله. فرمود: تو را دعوت می‌کنند از من جدا شوی، اما جدا نمی‌شوی، تا دو دست و دو پایت را قطع می‌کنند و زبانت را هم از دهانت بیرون می‌کشند. ابن زیاد گفت: کاری می‌کنم علی دروغگو از آب درآید، من دست و پایت را قطع می‌کنم و به زبانت کاری ندارم. دستان و پای او را قطع کردند و به خانه‌اش بردند.

دختر او گفت: به پدرم گفتم: پدرجان فدایت شود خیلی درد می‌کشی؟ رشید گفت: دخترم به خدا قسم همه درد من این است که در بین این جمعیت بی دین زندگی می‌کنم. مگر عاشق علی درد می‌کشد، قلم و کاغذ بیاورید، آنچه که مولایم به من خبر داد برای شما بگویم. او از حوادث آینده خبر داد. جاسوس‌ها به ابن زیاد خبر دادند، او هم دستور داد زبان او را قطع کنید.

امیر المؤمنین علیه السلام نام رشید هجری را «راشد المبتلی» نهاد. ای انسانی که تا لحظه آخر عمر از رنج و سختی‌ها در امان نخواهی بود، با وجود حوادث تلخ در همه عمر صبر کرده‌ای.<sup>۳۲</sup>



## مسابقه و بازی

بدیهی است که همه بازی‌ها برای همه مقاطع سنی مناسب نیست. بنابراین در انتخاب بازی برای سنین مختلف و یا گروه پسران و دختران، سلیقه به خرج دهید. همیشه لیستی از بازی‌هایی که در آنها توانایی دارید یا به نوع اجرایشان مسلط هستید، توی جیب‌تان باشد تا در مواقع نیاز سریع بتوانید استفاده کنید. اکثر بازی‌هایی که نام برده شده‌اند، با حداقل امکانات قابل اجرا هستند. بطور کلی بازی‌ها و مسابقات به دو دسته نیازمند به وسیله و بی‌نیاز از وسیله تقسیم شده‌اند.

### بازی‌های نیازمند وسیله

#### ۱- صندلی بازی

اگر تعداد بچه‌ها مثلاً ۱۰ تا است، ۹ عدد صندلی نیاز است.

آهنگ پخش میشود و تا زمانیکه ادامه دارد بچه‌ها دور صندلی‌ها به شکل دایره میچرخند و زمانیکه قطع شد باید سریع روی صندلی بنشینند هر کس صندلی برایش باقی نماند بازنده است. به همین ترتیب که یکی یکی کم میشوند از صندلی‌ها هم کم میشود تا یک نفر در پایان برنده شود.

#### ۲- بادکنک را بادش کن

یک شعر یا یک سوره قرآن خوانده میشود و بچه‌ها باید بادکنک‌ها را بدون دخالت دست باد کنند. وقتی شعر تمام شد هر کس بیشتر بادکنک را باد کرده بود برنده است

#### ۳- طناب کشی

#### ۴- مار و پله

به بنر مار و پله و یک عدد تاس نیاز دارد

## ۵- هفت سنگ

نیاز به توپ دارد

## ۶- فوتبال

## ۷- پرش از روی طناب

بدین شکل که در یک ارتفاع پایین دو طرف طناب را میگیریم (دو نفر هر کدام یک طرف طناب را میگیرند) و بچه‌ها باید از روی آن بپرند و مرحله به مرحله طناب را بالا میبریم تا اینکه طناب به پای آنها گیر کند. همینطور برای تک تک بچه‌ها به همین شکل ادامه میدهیم. هر کس بیشتر از بقیه پریده بود برنده است

## ۸- توپ و سبد

دو سبد و مقداری توپ نیاز داریم. بچه‌ها را به دو گروه تقسیم میکنیم و باید در مدتی که آهنگ پخش میشود، با فاصله توپ‌ها را در سبد بریزند و هر تیمی در آخر بیشتر از تیم مقابل توپ‌ها را در سبد انداخته بود برنده است

## ۹- پیگنری

به قلم و کاغذ نیاز دارد. همان پانتومیم هست ولی با این تفاوت که پس از دیدن کلمه باید با کشیدن نقاشی مفهوم کلمه را برساند. حرکات دست و بدن در این بازی جایی ندارد.

## ۱۰- وسطی

## ۱۱- توپ و قاشق

یک خط مار پیچ روی زمین میکشیم و بچه‌ها باید یک قاشق بگذارند داخل دهانشان و توپ کوچکی مثل توپ پینگ پنگ را بگذارند داخل قاشق و از اول خط تا آخر خط را طی کنند. اگر توپ افتاد بازنده محسوب میشوند

## ۱۲- نقاشی بکش بدون چشم

باید با چشم بسته یک شکل را بکشند. هر کس نزدیک تر و درست تر شکل را کشیده بود برنده است

## ۱۳- داستان طنز بسازید

این یک بازی ایده‌آل برای گروه‌های بزرگ است. بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کنید. به هر گروه یک پاکت پر از اجسام سفت مانند قاشق، اسباب‌بازی، جوراب، توپ یا... بدهید. سپس به هر گروه ۱۵ دقیقه فرصت بدهید تا ایده و داستان طنز خود را بسازد. این بازی بیشتر از اینکه بین دو گروه رقابت ایجاد کند، بازی‌ای بسیار جالب و سرگرم‌کننده است. می‌توانید از بچه‌ها بخواهید که در صورت تمایل به داستان‌های طنز دوستان خود رأی بدهند.

## ۱۴- نقشه گنج

یک شیئ را در ابتدا قایم میکنیم (گنج). باید ابتدا چند نشانه روی کاغذ بکشیم که به بچه‌ها آدرس نشانه‌های دیگر را میدهد تا به کمک این نشانه‌ها آن شیئ گمشده (گنج) را پیدا کنند

## ۱۵. گوش دادن

چند وسیله انتخاب کنید. به بچه‌ها اجازه دهید نگاهی به آنها بیندازند و سپس آنها را کنار بگذارید. از یکی از بچه‌ها بخواهید چشم‌هایش را ببندد و به صدای ضربه‌هایی که شما به اشیا انتخاب شده می‌زنید، خوب گوش بدهد و بگوید که این صدا مربوط به کدام وسیله است. می‌توانید برای این کار از یک شانه، لیوان، سنج، کاغذ سنباده، گلدان یا قاشق استفاده کنید. خلاق باشید و خوش بگذرانید.

**۱۶- لمس کردن**

دقیقا مثل بازی بالا فقط ایندفعه بجای شنیدن باید لمس کنند اشیا را و بگویند که این چیزی که دارند لمس می‌کنند، چه شیئی است؟!

**۱۷- پیا کتاب نیفته**

یک خطی دایره یا مارپیچ یا صاف روی زمین میکشیم و باید بچه‌ها کتاب (یا یک وسیله دیگر) را بگذارند به روی سرشان و این خط را طی کنند. دست‌ها باز، سر بالا. اگر کتاب افتاد بازنده اند

**۱۸- هر چیزی جای خودش**

اول بچه‌ها داخل کلاس باید به وسایل نگاه کنند. سپس یک نفر بیرون میرود. وسایل را جابجا میکنیم. وقتی داخل شد باید بگوید هر وسیله جای اصلیش کجا بوده است. اگر توانست درست بگوید برنده است و اگر نتوانست بازنده است

**۱۹- توپ شیطونک**

از بچه‌ها بخواهید به صورت دایره وار رای زمین بنشینند. آهنگی پخش کنید و یک توپ یا یک وسیله دیگر به بچه‌ها بدهید و بخواهید با تمام سرعت آن را دست‌به‌دست کنند. به محض تمام شدن آهنگ، بازیکنی که توپ در دستش باشد باید از حلقه‌ی بازی خارج شود. این بازی را آن‌قدر ادامه دهید تا تنها یک نفر باقی بماند. او برنده‌ی بازی است.

**۲۰- جمله نویسی با چشم بسته**

تعدادی دانش‌آموز را انتخاب کرده و پای تخته بیاورید. چشم‌های دانش‌آموزان را ببندید و از آنها بخواهید که هر کلمه یا جمله ای را که می‌گویند آنها بنویسند. سعی کنید کلمات یا جمله شما در مورد موضوعی باشد که قرار است برای آنها بیان کنید. مثلا اگر موضوعی که می‌خواهید



در مورد آن برای بچه‌ها صحبت کنید، بحث دوست است می‌توانید از کلماتی مانند صداقت، مهربانی و... که از ویژگی‌های دوست خوب است، استفاده کنید و از بچه‌ها بخواهید که آنها را پای تخته بنویسند. برنده کسی است که زیباتر از دیگران جمله ای را نوشته باشد.

## ۲۱- کلاه به سر

این مسابقه ابتدا با یک سؤال اجرا می‌شود: آن چیست که هم گذاشتنش بد است هم برداشتنش؟ پاسخ: کلاه. عده‌ای از مخاطبین به روی جایگاه حاضر می‌شوند و دایره وار می‌آیستند و مربی به آنها یک کلاه می‌دهد. جهت گردش کلاه مشخص می‌شود. هنگامی که مربی شعر کلاه به سر را شروع کرد مسابقه آغاز می‌شود و شرکت‌کنندگان باید آن کلاه را به روی سر هم بگذارند. هنگامی که شعر به پایان رسید، کلاه بر سر هر کسی باشد او از مسابقه خارج می‌شود. هر که بازنده شد مربی او را به نزد خود می‌خواند و به او می‌گوید این بازی بود ان شاء الله که توی زندگی شیطون سرمون کلاه نذاره، و بعد او را تشویق می‌کند.

شعر مسابقه کلاه به سر: سربه‌سرت گذاشتن / کلاه به سرت گذاشتن / خیال نکن زرنگی / ببین

چه کار ننگی

## ۲۲- لب آهنک

از قبل یک نماهنگ مذهبی را به چند قسمت تقسیم و برش داده شود (با زمان بندی حدود یک دقیقه و خرده ای) فرد شرکت کننده یک مرتبه نماهنگ مذهبی را گوش داده و مرتبه ی دوم باید به همراه آن لب بزند و با حس آن را بخواند. برنده ی این قسمت با رأی تماشاچی‌ها مشخص می‌شود.

## ۲۳- متن خوانی با یک نفس

یک متن را تکثیر کرده و به چند نفر بدهید تا با هم به طور مداوم و بدون وقفه و تجدید نفس آن را به طور عادی و با ادای کامل کلمات و بدون عجله بخوانند. پیشنهاد می‌شود که این متن

حدیثی آموزنده و یا آیه ای از قرآن و یا جمله ی حکیمانه و امثال آن باشد تا در اثر تکرار، مکرر بچه‌ها آن را بشنوند. کسی که از همه بیشتر بتواند ادامه دهد برنده است.

## ۲۴- آب خوری با شلنگ کولر

دو الی سه نفر برای مسابقه انتخاب می‌شوند. برای هر شرکت کننده یک کاسه بزرگ پر از آب قرار داده می‌شود. به هر فرد یک شلنگ کولر به طول ۶۰ سانتی متر الی یک متر داده می‌شود که باید به وسیله آن آب داخل کاسه را بخورد. (البته قبل از مسابقه شلنگ‌های کولر را با آب و مایع بشویید تا آلوده و کثیف نباشند). با اعلام مربی مسابقه آغاز و کسی که زودتر از بقیه تمام آب کاسه را بخورد برنده است.

## ۲۵- ترکاندن بادکنک با کتف

شرکت کنندگان در مسابقه را به دو یا سه گروه دو نفره تقسیم بندی کنید. به هر گروه یک بادکنک داده و از آنها بخواهید پشت به هم ایستاده و بادکنک را بین کتف‌های خود قرار دهند. در پایان گروهی برنده است که زودتر بادکنک را بترکاند. مدل دیگر این بازی که مخصوص فضای باز و اردویی است بدین گونه است که بعد از گروه بندی مسیری مشخص می‌شود که بچه‌ها باید این مسیر را درحالی‌که بادکنک در بین کتف‌های آنها قرار دارد طی کرده و برگردند و گروهی که زودتر به خط پایان می‌رسد می‌تواند تلاش خود را برای ترکاندن بادکنک با کتف آغاز کند.

برای حفاظت از گوش شرکت کنندگان پنبه یا امثال آن به آنها داده شود تا قبل از شروع مسابقه در گوش خود قرار دهند. به علت هیجان بالا و دلهره ای که برای ترکاندن بادکنک با کتف وجود دارد از انجام این مسابقه برای کودکان زیر ده سال خودداری کنید؛ مگر اینکه از بادکنک‌های کوچک و نازک استفاده کنید که به راحتی می‌ترکند.

## ۲۶- ترکاندن بادکنک بدون کمک دست

به هر شرکت کننده یک بادکنک داده می‌شود. قبل از شروع مسابقه هر نفر بادکنک خودش را چک می‌کند که احیاناً سوراخ نباشد. زمان مسابقه (مثلاً ۲ الی ۳ دقیقه) مشخص و به شرکت کنندگان اعلام می‌شود. با اعلام مربی مسابقه آغاز می‌شود و بچه‌ها باید بدون کمک دست، بادکنک خودشان را باد کنند. پس از اتمام زمان مسابقه، کسی که بادکنکش بیش از بقیه باد شده، برنده مسابقه است. اگر قبل از اتمام زمان، کسی بادکنک خودش را بترکاند، به عنوان برنده اعلام و مسابقه متوقف می‌شود.

## ۲۷- ترکاندن بادکنک سوسیسی (ویژه نوجوانان)

به هر شرکت کننده یک بادکنک سوسیسی داده می‌شود. هر نفر باید بادکنک خودش را چک کند که احیاناً مشکلی نداشته باشد. در این مسابقه استفاده از دست برای نگه داشتن بادکنک اشکال ندارد. برنده مسابقه کسی است که زودتر بادکنک خود را بترکاند. توجه داشته باشید که ترکاندن بادکنک با ناخن و یا با فشار دادن آن توسط دست خطا محسوب می‌شود و فرد خاطی از مسابقه حذف می‌شود.

## ۲۸- سیب خوری بدون کمک دست

چند سیب را آویزان کنید و به شرکت کنندگان در مسابقه بگویید که باید در زمان معین بدون کمک دست آن را بخورند. آن‌ها که پس از اتمام زمان معین، مقدار بیشتری از سیب را خورده باشند، برنده محسوب می‌شوند.

## ۲۹- لی لی دو نفره

چهار تا شش نفر برای مسابقه انتخاب می‌شوند و به گروه‌های دو نفره تقسیم می‌شوند. گروه‌ها در عرض هم قرار می‌گیرند و نفرات هر گروه با بند یا نخ دو پای خود را به هم می‌بندند (پای راست یکی به پای چپ دیگری با نخ بسته می‌شود). با اعلام مربی مسابقه آغاز و نفرات هر گروه لی لی کنان (در حالیکه پای بسته شده خود را بالا گرفته‌اند و با تک پای آزاد خود حرکت می‌کنند) به سمت نقطه مشخص شده رفته و بعد مسیر را بر می‌گردند تا به خط

پایان (همان نقطه شروع مسابقه) برسند. گذاشتن پا بر روی زمین خطا محسوب می‌شود و نفرات هنگام خشته شدن ایستاده و پای خود را روی زمین می‌گذارند و هر موقع خواستند که مسابقه را ادامه دهند، دوباره پای خود را بالا می‌برند. برنده گروهی است که زودتر به خط پایان برسد.

مدل دیگر این بازی که ساده‌تر هم می‌باشد اینگونه است که پای نفرات هر گروه به همدیگر بسته می‌شود (مطابق توضیح قبلی) و شرکت کنندگان بدون لی لی کردن و در حالیکه دو پایشان بر روی زمین است مسیر را طی می‌کنند.

### ۳۰- والیبال کتکی

افراد شرکت کننده حلقه زده و توپ را با دست برای یکدیگر می‌فرستند. اگر کسی پاس بدی داد یا کسی پاسی را بد دریافت کرد و توپ افتاد یا بی خودی جای خالی داد باید برود و وسط حلقه به طور نیم خیز بنشیند. حال شرکت کنندگان پاس کاری را ادامه داده و هر کدام از آنها که خواست می‌تواند توپ را به طرف شخصی که وسط نشسته پرتاب کند و او را مورد اصابت توپ قرار دهد. در صورتی که توپ به شخص وسط نخورد، زننده ی توپ باید به نفر نشسته ملحق شود. حال اگر شخص نشسته در حال نیم خیز توپ را بگیرد، جایش را با زننده ی توپ عوض می‌کند و این زننده ی توپ است که باید بنشیند.

### ۳۱- والیبال نشسته

بچه‌ها به دو تیم ۶ نفره تقسیم می‌شوند. قرعه کشی می‌شود و برنده آغازگر بازی می‌باشد. قوانین والیبال در این مسابقه رعایت می‌شود و پرتاب کننده باید با دست توپ را از روی تور عبور دهد. گروه مقابل هم پس از دریافت توپ و حداکثر با سه ضربه باید توپ را به زمین مقابل برگردانند. برخورد توپ با زمین، زدن توپ به تور و عبور توپ از زیر تور، یک امتیاز را برای تیم مقابل به همراه خواهد داشت. تیمی که در پایان امتیاز بیشتری داشته باشد برنده است.

### ۳۲- ماست خوری

تعدادی شرکت کننده مشخص می‌شوند و برای هر کدام کاسه یا بشقاب ماست قرار داده می‌شود. با اعلام مربی مسابقه آغاز و هر کسی که زودتر تمام ماست‌های ظرف خود را بخورد، برنده مسابقه است. باید توجه داشت که استفاده از دست در مسابقه ماست خوری ممنوع می‌باشد.

### ۳۳- نشانه گیری با کش

۴ نفر برای مسابقه انتخاب می‌شوند و به دو گروه دو نفره تقسیم می‌شوند. دو الی سه عدد لیوان در فاصله ۴ متری بر روی صندلی یا اشیای دیگر قرار می‌گیرد که دانش‌آموزان باید آن را با کش بزنند. هر گروه سه الی چهار دقیقه زمان دارد که با کش از فاصله ۴ متری لیوان را هدف گرفته و بزنند. زمان هر گروه به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شود. در قسمت اول زمانی، یک نفر تیراندازی می‌کند و نفر دیگر نزدیک لیوان‌ها قرار می‌گیرد که اگر لیوانی افتاد دوباره آن را سر جایش بگذارد و در قسمت دوم زمان، آن دو نفر جای خود را عوض می‌کنند. گروه دیگر نیز به همین نحو تقسیم بندی زمانی و کاری انجام می‌دهند. در پایان گروهی برنده است که تعداد لیوان‌های بیشتری را با کش مورد اصابت قرار داده باشد. برای امتیاز دهی صرف برخورد کش با لیوان کفایت می‌کند و نیازی نیست که حتما لیوان بر روی زمین بیفتد.

### ۳۴- حفظ تعادل

اقسام آن عبارت اند از:

الف. رد شدن از تونل چسب یا نخ: یک تونل از نوارهای چسب یا نخ بین دو دیوار ایجاد کنید و به شرکت کننده بگویید باید بدون برخورد به این نوارها از میان آنها عبور کند.

ب. حفظ تعادل خود بر روی چوب، میله، طناب کلفت و ...: یک مسیر باریک توسط یکی از اشیای نامبرده ایجاد کنید و از شرکت کننده بخواهید بدون اینکه پایش را زمین بگذارد، از روی این مسیر به سمت خط پایان حرکت کند.

ج. رد شدن از روی بالشت ها یا امثال آن که با فاصله از همدیگر قرار گرفته‌اند بدون اینکه پای شرکت کننده به زمین برخورد کند.

نکته: برای سخت تر شدن و جالب تر شدن بازی می‌توانید در طول مسیر اشیایی را قرار دهید و از شخص بخواهید که در حال طی کردن مسیر، این اشیا را نیز بردارد.

پیشنهاد: این اشیا می‌توانند کلماتی باشند که با کنار هم قرار دادن آنها، جمله‌ی مورد نظرمان - که مثلاً روایت یا مفهوم آیه‌ای است - به دست می‌آید.

### ۳۵- پارچ و لیوان

پارچ درجه بندی شده است. فاصله بین پارچ و سطل ۲۰ متر است. اعضای گروه باید ظرف مدت یک دقیقه بوسیله لیوان آب را از سطل به پارچ انتقال دهند. سطل و پارچ نباید از محل خودشان جابجا شوند. تعداد افراد: ۴ الی ۶ نفر (دو یا سه گروه دو نفره)

### ۳۶- پنالتی

پنج پنالتی از راه دور (حداقل ۷ متر) به دروازه‌ای مثل پایه‌های صندلی یا دروازه گل کوچیک یعنی به عرض ۴۰ تا ۷۰ سانتی متر، آرام زده می‌شود. در صورت برابر شدن گروهها مجدداً با چشم بسته انجام می‌شود.

### ۳۷- پنالتی با چشم بسته

یکی از بچه‌ها به عنوان دروازه‌بان با چشم‌های بسته درون دروازه می‌ایستد و یکی دیگر هم با چشم‌های بسته باید به او گل بزند. برای جذابیت بیشتر می‌توان به زننده توپ گفت چند بار دور توپ بچرخد و سپس شوت بزند که گاهی خلاف جهت دروازه و یا شوت‌های بی‌ربط زده می‌شود که موجب خنده دیگران می‌شود و گاهی شیرجه زدن‌های بی‌مورد دروازه بان موجب خنده می‌شود. برنده بستگی به تعداد گل‌ها دارد؛ یعنی اگر تعداد توپ‌های گل شده بیش از

نصف پنالتی‌ها زده شده باشد، پنالتی زن به عنوان برنده اعلام می‌شود و الا دروازه بان برنده مسابقه است. در صورت تساوی می‌توان به هر دو جایزه داد.

### ۳۸- تعادلی، توپ رسانی (کانگورو)

به شرکت کنندگان توپی بدهید تا هم زمان، مسیر ۱۰ الی ۱۵ متری را در حالی که توپ را در میان زانوی خود و کوچک ترها در بین ران‌های خود- نگه داشته‌اند، جفت پابروند و برگردند. هر کدام که بتواند زودتر با توپ به خط پایان برسد، برنده محسوب می‌شود. چنانچه توپ از بین پای هر بازیکن رها شود باید توپ را دوباره برداشته و از همان نقطه افتادن توپ، به حرکت ادامه دهد.

### ۳۸- دارت

تعدادی دانش‌آموز برای مسابقه انتخاب می‌شوند. خطی به عنوان محل پرتاب تیر دارت مشخص شود. هر فرد ۴ تیر دارت برای پرتاب دارد. برنده کسی است که امتیاز بیشتری را به دست آورد. برای محاسبه راحت امتیازها بهتر است از آن طرف دارت که امتیاز بندی ۱ تا ۱۰ دارد برای مسابقه استفاده شود.

### ۳۹- محافظت از بادکنک

چند نفر را انتخاب کرده و یک بادکنک با نخ محکم و به طول نیم متر به پای راست هر کدام می‌بندیم. به محض اینکه مربی آغاز بازی را اعلام کرد، هر شخص علاوه بر محافظت از بادکنک خودش، باید با پای دیگر بادکنک طرف مقابل را بترکاند. در انتها آخرین نفری که بادکنکش سالم مانده باشد به عنوان برنده اعلام می‌شود.

### بازی‌های بی‌نیاز از وسیله

## ۱- هویج هویج

بچه‌ها به شکل دایره روی زمین نشسته و یک نفر بعنوان غول میدان میایسته. شخص ایستاده دور میدان (دایره) میچرخد و میگوید: «دور میدونم» بچه‌ها جواب میدهند: «هویج هویج» بعد می‌آید وسط میدان و میگوید: «توی میدونم» بچه‌ها جواب میدهند: «هویج هویج» بعد میگوید: «غوووول میدونم» و بچه‌ها میگویند: «هویج هویج» و سریع میروند به حالت سجده. بعد غول میدان به اختیار یک نفر را انتخاب میکند. آن شخص (کسی که انتخاب شده) باید دنبال این یکی بدود و دور میدان بچرخد و سعی کند که او را بگیرد. اگر توانست بگیرد که هیچ؛ دوباره همان شخص (انتخاب کننده) غول باقی میماند و از اول شروع میکند اما اگر نتوانست او را بگیرد و (انتخاب کننده) آمد سر جای شخصی که بلند شده بود (انتخاب شده)، نشست اینجا دیگه آن کسی که بلند شده بود (انتخاب شده) بازنده است و باید از اول شراع کند. . . بچرخد و بخواند «دور میدونم» . . . .

## ۲- چهار گوش بازی

۵ نفر به بازی می‌آیند— ۴ نفر ۴ گوش قالی و یک نفر در وسط قالی. یک دو سه که گفته شد باید هر کس سریع جای خودش را عوض کند و اگر آن شخص وسطی جای یکی را گرفت، آن شخص (کسیکه جایش گرفته شده) می‌آید وسط و بازی به همین ترتیب ادامه پیدا میکند. بعد از شمردن هم باید سریع جای خودشان را عوض کنند و اگر کسی جای خودش را عوض نکرد، باید بیاید وسط.

## ۳- صدای حیوانات

چند نفر را انتخاب میکنیم و یک نفر به عنوان مجری و بقیه را به دیوار و پشت به مجری. هر کس را با یک حیوان انتخاب میکنیم که باید بتواند صدای آن حیوان را تقلید کند. وقتی مجری دست می‌گذارد به روی شانه آن شخص باید صدای حیوان خودش را سریع در بیاورد. اگر زودتر یا دیرتر صدا در آورد بازنده است. بازی در سرعت بالا جذاب میشود



**۴- میوه‌ها**

دقیقا مثل بازی قبلی فقط ایندفعه بجای صدای حیوان باید اسم میوه خودشان را بگویند.

**۵- باز و بسته کردن دکمه**

بدون دخالت انگشت شصت دکمه‌هایشان را باز کنند(تعداد دکمه‌های مساوی). یا مثلا با یک انگشت دکمه‌هایشان را باز کنند

**۶- گرگ و گله**

بچه‌ها گله میشوند و یک نفر گرگ. یکی یکی باید از دست گرگ فرار کنند و نفر آخری که از گوسفند ها باقی بماند برنده است.

**۷- قایم موشک****۸- هُپ**

بچه‌ها باید ۵ تا ۵ تا اعداد را بشمارند و بجای عدد پنم بگویند هُپ. مثلا اگر هشت نفر هستند، نفر اول ۱ نفر دوم ۲ نفر سوم ۳ نفر چهارم ۴ نفر پنجم هُپ نفر ششم ۶ نفر هفتم ۷ نفر هشتم ۸ برمیگردیم از اول. . . نفر اول ۹ و نفر دوم هُپ. . . به همین ترتیب ادامه پیدا میکند

**۹- کل یا پوچ****۱۰- بشین باشو****۱۱- بیست سوالی****۱۲- پانتومیم**

با استفاده از اپلیکیشن بازی پانتومیم به راحتی بچه‌ها را سرگرم میکنیم. بدین گونه که شخص مجری باید با اشاره و بدون حرف زدن آن کلمه ای که به او سپرده شده را به مخاطب بفهماند (کلمه اعم از اسم شیئی یا ضرب المثل یا شغل یا...).

### ۱۳- قصه سازی

بچه‌ها کنار هم بصورت دایره مینشینند. نفر اول یک جمله میگوید. نفر دوم باید همان جمله را بگوید و در ادامه آن با جمله ای که میگوید، داستان را ادامه میدهد. مثلا: نفر اول: من دیروز به پارک رفتم. نفر دوم: من دیروز به پارک رفتم و سرسره بازی کردم. نفر سوم: من دیروز به پارک رفتم و سرسره بازی کردم و خیلی خسته شدم. نفر چهارم: من دیروز به... به همین ترتیب ادامه میدهیم تا اینکه یک نفر خیلی مکث کند برای ادامه دادن یا اینکه جملات قبلی یادش برود که در اینصورت میبازد. بعد دوباره از اول شراع میشود بین افراد باقی مانده

### ۱۴- دوز

### ۱۵- امام‌ها

بازی به صورت گروهی است به صورتی که چند نفر از بچه‌ها را به سمت خودمان می‌آوریم بعد از به صورت اتفاقی عدد هر امام را به هر که گفتیم باید اسم ایشان را بگیم به عنوان مثال به شخص می‌گوییم: امام اول باید بگه علی وبه همین ترتیب

### ۱۶- کلمات احکام

۱. کدام یک از واجبات نماز است که اگر حرف اول آن را داریم، نام یکی از شهرهای عربستان می‌شود؟
۲. یکی از واجبات بسیار مهم نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام شهرکی در کنار تهران می‌شود؟

۳. از پاک کننده‌هاست که اگر حرف اول آن را برداریم هم نشانه ادب است و هم نماز با آن پایان می‌یابد؟

۴. از مبطلات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام وسیله جنگی می‌شود؟

۵. از پاک کننده‌هاست که اگر اول آن را برداریم، نام وسیله جنگی می‌شود؟

۶. از فروع دین است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از فلزها می‌شود؟

۷. یکی از مقدمات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از امراض خطرناک می‌شود؟

۸. یکی از مقارنات نماز است که اگر حرف اول آن را برداریم، نام یکی از اقسام آبها و نام یکی از مرضها به دست می‌آید؟

## ۱۷- تکرار عبارات

دستم در دبه بود دبه درش دستم بود! ، یه یوروی یه یورویی، لای رولت رنده ی لیمو رفته، چه ژست زشتی، دل به دلت دله این دله دل مرده بده دل که بد آورده، سه دزد رفتن به بز دزدی<sup>۱</sup> یه دزد یه بز دزدید یه دزد دو بز دزدید، سه سیر سرشیر سه شیشه شیر، لیره رو لوله لوله رو لیره، ششلیک شنسل شنسل ششلیک، سپر عقب ماشین جلویی زد به سپر جلو ماشین عقبی، قوری گل قرمزی، افسر ارشد ارتش اتریش، شست، سشوار کرد، ۶ سیخ جیگر سیخی ۶ هزار، تاجر تو چه تجارت می‌کنی، تو را چه که چه تجارت می‌کنم؟ ، لورل روی ریل راه میرفت، انگور انبه ازگیل اورانگوتان، زیره ریزه میزه از زیر میز می ریزه، غولارو با قند گول می‌زنیم، ریش شیری سیبیل شیری، سیبیل شیری ریش شیری، این باد چه بد باد بدی بود که من باد به بد بادی این باد دگر باد ندیدم

## ۱۸- سوالات سرکاری

۱) یک فروند هواپیما در مرز آمریکا و کانادا سقوط می‌کند. بازماندگان از سقوط را در کجا دفن می‌کنند؟ کانادا - آمریکا - هیچ کدام (پاسخ: هیچ کدام. بازماندگان که زنده هستند نیازی به دفن کردن ندارند.)

۲) یک خروس در بام خانه‌ای که شیب دوطرفه دارد، تخم می‌گذارد. این تخم از کدام طرف می‌افتد؟ شمال - جنوب - هیچ کدام (هیچ کدام. خروس که تخم نمی‌گذارد!)

۳) خانمی عاشق رنگ قرمز است و تمام وسایل او به رنگ قرمز است. او در آپارتمانی یک طبقه که قرمز رنگ است، زندگی می‌کند. صندلی و میز او قرمز رنگ است. تمام دیوارها و سقف آپارتمان قرمز رنگ هستند. کفپوش آپارتمان و فرش‌ها نیز قرمز رنگ هستند. تلویزیون هم قرمز رنگ است. سریع پاسخ دهید که پله‌های آپارتمان چه رنگی هستند؟ قرمز - آبی - هیچ کدام (هیچ کدام. آپارتمان یک طبقه که راه پله ندارد!)

## ۱۹-۱۰۰ معمای قرآنی

سؤالات باید متناسب با سن شرکت‌کنندگان پرسیده شود. بنابراین ممکن است که فضای پرسیدن هیچکدام از این معماها برای مخاطبان شما وجود نداشته باشد.

معما: سوره‌هایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود آن سوره‌ها مرا پیر کرد، چیست؟  
سوره‌های هود، واقعه، مرسلات و نبا

معما: کدام سوره قرآن به نام یکی از فلزات است؟ «حدید» به معنای «آهن»

معما: نام موجودی که نه انسان است و نه حیوان و نه فرشته و نام یکی از سوره‌های قرآن است؟ سوره جن

معما: سوره‌ای که نام میوه‌ای است و خداوند به آن قسم خورده است؟ سوره «تین»

معما: نام سوره‌ای که به معنای روزگار است، چیست؟ سوره «دهر»

معما: کدام سوره‌ها نشان دهنده بخش‌هایی از شبانه روز هستند؟ فلق، عصر، لیل و فجر

معما: سوره‌هایی که نام آنها از اولین کلمه همان سوره گرفته شده، کدامند؟ تبت، عصر، قارعه، عبس، لیل، شمس

معما: نام مرد دانشمندی که یکی از سوره‌های قرآن به نام اوست؟ لقمان

معما: سوره‌هایی را که تعداد آیه‌های آن، برابر با تعداد امامان معصوم است؟ تحریم و طلاق

معما: سوره‌ای که به نام یکی از روزهای هفته است؟ جمعه

معما: دام سوره به «قلب قرآن» معروف است؟ یس

معما: کدام سوره به «عروس قرآن» مشهور است؟ الرحمن

معما: تنها سوره‌ای که به زبان حال بندگان نازل شده، کدام است؟ حمد

معما: زینت قرآن چیست؟ به فرمایش حضرت محمد صلی الله علیه و آله صوت زیبا زینت قرآن است.

معما: کدامیک از اسماء الحسنی خداوند است که ۱۱۴ مرتبه مطابق با تعداد سوره‌های قرآن آمده است؟ لفظ «رحیم»

معما: کدام سوره به «مادر قرآن» معروف است؟ سوره «حمد»

معما: چند سوره با «الحمد لله» شروع می‌شود؟ پنج سوره «۱. حمد، ۲. انعام، ۳. کهف، ۴. سبأ، ۵. فاطر».

معما: کدام سوره قرآن تعداد کلماتش برابر با تعداد سوره‌های قرآن است؟ سوره «تکویر»

معما: نام چه تعداد از سوره‌های قرآن یک حرفی است؟ «ق، ص، ن»

معما: سوره‌ای که همنام یکی از «فروع دین» است چه نام دارد؟ سوره «حج».

معما: چند سوره با «أنا» شروع می‌شود؟ چهار سوره: «۱. فتح، ۲. نوح، ۳. قدر، ۴. کوثر».

معما: کدام سوره به سوره «امام حسین - علیه السلام -» معروف است؟ سوره «فجر»

معما: سوره‌ای که تعداد آیاتش برابر با تعداد «چهارده معصوم - علیهم السلام -» می‌باشد چه نام دارد؟ سوره «صف»

معما: کدام سوره «همنام یکی از شهرهای ایران» است؟ سوره «نور» در استان مازندران

معما: سوره‌هایی که به «مَسَبِّحَات» مشهور هستند کدامند؟ سوره‌های «اسراء، حدید، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی»

معما: چه تعداد از سوره‌های قرآن «مکی» و چه تعداد از آن‌ها «مدنی» هستند؟ «۸۶ سوره مکی» و «۲۸ سوره مدنی»

معما: کدامیک از سوره‌های قرآن همنام «قبیله پیامبر اکرم - صلی الله علیه و اله و سلم -» است؟ سوره «قریش»

معما: کدام سوره به «قلب قرآن» معروف است؟ سوره «یس»

معما: کدام سوره قرآن کریم است که غیر از (بسم الله الرحمن الرحيم) «حرف میم» در آن به کار نرفته است؟ در سوره «کوثر»

معما: چه تعداد از سوره‌های قرآن با «إِذَا» شروع می‌شود؟ سوره‌های «واقع، منافقون، تکویر، انفطار، انشقاق، نصر و زلزال»

معما: کدام سوره به «نسب نامه خداوند» مشهور است؟ سوره «اخلاص»

معما: سوره‌هایی که به «عزائم» مشهور هستند کدامند؟ سوره‌های «سجده، فصلت، نجم و علق»

معما: سوره‌ای که غیر از «بسم الله الرحمن الرحيم» تنها یک «کسره» در آن به کار برده شده است چه نام دارد؟ سوره «توحید»

معما: کدام سوره تعداد آیاتش برابر با تعداد رکعات نمازهای یومیه است؟ سوره «طارق»

معما: کدامیک از سوره‌های قرآن همانام یکی از جنگ‌های پیامبر اکرم - صلی الله علیه و اله و سلم - است؟ سوره «احزاب»

معما: در کدام سوره ماجرای هلاکت بار فرعون و یارانش بیان شده است؟ سوره «یونس» بیان

معما: چه تعداد از سوره‌های قرآن «سجده واجب» دارد؟ سوره‌های سجده، فصلت، نجم و علق

معما: کدامیک از سوره‌های قرآن همانام یکی از «اصول دین» است؟ «توحید»

معما: کدامیک از سوره‌های قرآن «به زبان بندگان» نازل شده است؟ سوره «حمد»

معما: کدام سوره است که در آغاز آن به دو میوه سوگند خورده شده است؟ سوره «تین».

معما: کدام سوره است که قرآن کریم در آن خلاصه شده است؟ سوره «حمد»

معما: کدام سوره قرآن «بسم الله الرحمن الرحيم» ندارد؟ سوره «توبه»

معما: کدام سوره «به عروس قرآن» معروف است؟ سوره «الرحمن»

معما: کدام سوره است که معادل «یک سوم قرآن» است؟ سوره «توحید»

معما: کدام سوره به «ناقه صالح» معروف است؟ سوره «شمس»

معما: چند سوره قرآن با کلمه «قل» آغاز می‌شود؟ پنج سوره «جن، کافرون، اخلاص، فلق،

ناس».

معما: کدام سوره قرآن دو «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد؟ سوره «نمل»

معما: کدام سوره به نام موجود زنده‌ای است که با چشم دیده نمی‌شود؟ سوره «جن».

معما: سوره‌ای را نام ببرید که نام یکی از میوه‌هاست؟ سوره «تین»

معما: کدامیک از سوره‌های قرآن همانم یکی از کشورها است؟ سوره «روم»

معما: کدام سوره همانم یکی از «اعیاد اسلامی» است؟ سوره «جمعه».

معما: سوره‌هایی که به «معوذتین» معروفند چه نام دارند؟ سوره‌های «فلق و ناس»

معما: نام دو سوره در قرآن است که اگر برعکس بخوانیم به همان صورت خوانده می‌شود آن دو سوره کدامند؟ سوره‌های «لیل و تبت».

معما: نام کدام سوره است که اگر حرف اول آن را برداریم نام اولین امام شیعیان می‌شود؟ سوره «اعلی»

معما: کدام سوره است که اگر نامش برعکس کنیم نام نوعی از سبزیجات می‌شود؟ سوره «ملک».

معما: نام کدام سوره است که اگر حرف اولش را برداریم نام یکی دیگر از سوره‌های قرآن می‌شود؟ سوره محمد صلی الله علیه و اله و سلم

معما: نام کدام سوره قرآن است که اگر حرف اولش را برداریم نام یکی از شهرهای عربستان می‌شود؟ سوره «سجده»

## ۲۰- محرم و نامحرم

از شرکت کنندگان (دختران) بخواهید که افرادی را که نام می‌برید اگر به آنها محرمند دست خود را به حالت دست دادن جلو بیاورند و اگر نامحرمند دست خود را به عقب ببرند. مربی گاهی اوقات اشتباهها در هنگام گفتن نامحرم جلو ببرد تا برخی از بچه‌ها به اشتباه بیفتند.



افراد پیشنهادی: برادر، خواهر، برادر شوهر، شوهر خواهر، برادر خاله، پسر دختر خاله، پسر نوه دایی، خواهر پدر بزرگ، پسر پدر بزرگ، پدر پدر، پدر پدر بزرگ، خواهر زاده و...

البته این مسابقه بعد از بیان محرم ها و نامحرم ها به بچه‌ها باشد.

مدل دیگر این بازی اینگونه است که دانش‌آموزان با بردن اسامی محرم ها باید بنشینند و با گفتن اسم نامحرم ها بلند شوند.

## ۲۱- پیام رسانی

چند نفر انتخاب می‌شوند و به دو گروه تقسیم می‌شوند. از قبل پیامی را برای هر گروه معین کنید و سعی شود که پیام هر گروه متفاوت باشد.

پیامی را در گوش نفر اول هر گروه بگویید (اگر دختر بودند پیام را می‌نویسیم تا نفر اول بخواند). بعد از اعلام پیام به نفر اول هر گروه، با اشاره مربی مسابقه آغاز و نفرات اول خیلی سریع در گوش نفر بعد پیام را اعلام می‌کنند و همین طور تا نفر آخر برسد. آخرین نفر هر گروه بلافاصله بعد از شنیدن پیام، باید آن را بلند به مربی اعلام کند. هر گروهی که نفر آخر آن زودتر پیام را به گوش مربی برساند برنده است؛ البته به این شرط که پیام او همان پیامی باشد که مربی داده است.

اگر پیام تغییر کرده باشد هم موجب خنده حضار می‌شود و هم توضیح می‌دهیم که در دریافت پیام و نقل پیام باید حفظ امانتداری شود و حتی می‌توان بحث در مورد روایان حدیث داشت.

## ۲۲- شمردن نعمتهای خداوند

این مسابقه به این نحو هست که دانش‌آموزان در یک خط و رو به مربی و تماشاچی‌ها قرار می‌گیرند. از یک سمت مسابقه آغاز می‌شود و نفر اول یک نعمت را می‌گوید و بعد از او نفر دوم و همین طور مسابقه ادامه پیدا می‌کند. کسی که مکث کند یا نعمت تکراری بگوید، باخته و

از مسابقه خارج می‌شود. مسابقه تا باقی ماندن یک نفر ادامه پیدا می‌کند و در انتها نفر آخر به عنوان برنده اعلام می‌شود.

## ۲۲- سرعت در ماریج

شرکت کنندگان به دو گروه تقسیم می‌شوند و هر گروه نیز به دو ستون تقسیم می‌شوند. دو ستون هر گروه به فاصله ۲۰ الی ۴۰ متری از یکدیگر و رو به روی هم می‌آیستند. همچنین فاصله دو گروه از یکدیگر به اندازه ۵ الی ۶ متر باشد. در بین مسیری که بین ستون‌های یک گروه قرار دارد، پرچم یا مخروط و امثال آن چیده می‌شود. نفرات اول هر گروه که چوب یا نشان دیگری در دست دارند با اعلام مربی با حالت دو حرکت می‌کنند تا خود را به ستون هم گروهی خود که در روبرویشان قرار دارد برسانند. در راه هم باید به صورت ماریج از کنار پرچم‌ها بگذرند. (مسابقه از نفرات اول ستون سمت چپ هر گروه و به طور همزمان آغاز شود). هنگامیکه نفر به ستون روبرویی خود رسید، نشانه خود را به دست نفر اول آن ستون داده و به انتهای آن ستون می‌رود. نفری که نشان را در دست گرفته به سمت ستون گروه خود در روبرو حرکت می‌کند تا نشانه را به نفر اول ستون مقابل خود برساند و بعد به انتهای آن ستون برود و همین‌طور بازی ادامه پیدا می‌کند. برنده مسابقه گروهی است که نفرات دو ستون آن، سریع‌تر به طور کامل جابجا شده باشند.

## ۲۴- هر پاسخی به جز بله و خیر

از فرد سؤالاتی پرسیده می‌شود که معمولاً جواب آن بله و خیر است. شرکت کنندگان در جواب سؤال نباید به صورت بله و خیر و آره و نه پاسخ دهند؛ بلکه با الفاظی دیگری -مانند: شاید، حتما، صد درصد، فقط، اصلاً، امکان ندارد، محاله، یقیناً و...- پاسخ دهند.

## ۲۵- جمله گویی با دهان بسته

از شرکت کنندگان بخواهید در حالی که با دندان خود چوب یا خودکاری را نگه داشته‌اند جمله ای را بیان کنند.

## ۲۶- حرکتی رفتاری ۱

شرکت کنندگان بعد از انتخاب، در یک خط و رو به مربی می‌ایستند. هر چه مربی گفت شرکت کنندگان باید انجام بدهند؛ نه کاری که مربی می‌کند. مربی برای سخت تر شدن مسابقه، در ابتدا هر چه را می‌گوید مطابق آن عمل هم می‌کند -مثلا می‌گوید بشین و خودش هم می‌نشیند- و در ادامه کاری که انجام می‌دهد غیر از آنچه می‌گوید باشد -مثلا می‌گوید دست روی سر در حالیکه دست بر روی زانویش گذاشته است- تا شرکت کننده به اشتباه بیفتند. برای سخت تر شدن کار می‌توان گفت که هر چه مربی بیان کرد، عکس آن را انجام دهید. اگر نکته قبلی را اجرا کردید، می‌توانید بعد از مسابقه به بچه‌ها توضیح دهید که انجام کار بر خلاف حرف مربی کار شما را سخت کرد و شما را تا حذف شدن در مسابقه کشاند و حتی چند تا از شما را از مسابقه خارج کرد؛ چرا که به اعتقاد برخی اینکه دانش‌آموز بر خلاف گفته مربی عمل کند از نظر تربیتی اثر منفی دارد.

## ۲۷- حرکتی رفتاری ۲

شرکت کنندگان بعد از انتخاب دو به دو روبروی هم می‌ایستند. (خاصیت روبروی هم قرار گرفتن، به اشتباه افتادن شرکت کنندگان است؛ زیرا در حرکاتی مانند بالا آوردن یک دست، باید خلاف یکدیگر دست خود را بالا بیاورند). مربی هر چه گفت آنها باید انجام دهند. برای سخت تر شدن کار می‌توان گفت که هر چه مربی بیان کرد، عکس آن را انجام دهید؛ البته با رعایت نکته پایانی که در مسابقه حرکتی رفتاری ۱ بیان شد. برای داوری بهتر در مسابقات حرکتی رفتاری بهتر است که فرد یا افرادی را به عنوان کمک داور انتخاب کنید که شما را در داوری یاری کنند؛ به خصوص در مسابقه حرکتی رفتاری ۲.

## ۲۸- شمردن عدد با یک نفس

شرکت کننده باید از عدد ۱ تا ۵۰ و یا بالعکس (یعنی از عدد ۵۰ به طور معکوس تا عدد ۱) را با یک نفس بشمارد. برنده کسی است که عدد بیشتری را بشمارد.

## ۲۹- بیست سؤالی

دو گروه انتخاب و روبروی هم قرار می گیرند؛ گروه اول با مشورت کلمه ای را انتخاب می کند و گروه دوم با حداکثر مطرح کردن بیست سؤال باید به آن کلمه برسند. گروه اول به سؤالات گروه دوم فقط با بله یا نه پاسخ می دهند و بعد از حدس درست زدن گروه دوم یا اتمام بیست سؤال، جای گروه ها عوض می شود. در پایان گروهی که بتواند با سؤالات کمتر به پاسخ ها دست پیدا کند، برنده است.

مدل دیگر این بازی با عنوان «حدس بزن» بدین گونه است که یک نفر برای حدس زدن انتخاب می شود که یک گروه در مقابل او قرار دارد. گروه با مشورت یک کلمه را انتخاب و بر روی کاغذ می نویسند و آنرا با چسب به پیشانی فرد حدس زننده می چسبانند. فرد حدس زننده با حداکثر مطرح کردن ۲۰ پرسش باید به جواب برسد. (پیشنهاد می شود کلمه ای که برای شخص انتخاب می شود از کلماتی باشد که شخص با او خاطره دارد و او را به یاد خاطره ای می اندازد).

## شعر کودکانه

تو با ستاره های شب	تو با سپیده همدمی
شبیه یاس و نسترن	شبیه ماه و مریخی
تو پاک و خوب و با خدا	تو دختر پیمبری «صلی الله و علیه و آله»
خدا به بچه های تو	همیشه داده سروری
محبت تو می دهد	به من امید و آبرو
بمان بمان برای من	تویی تمام آرزو
نشسته مهر فاطمه «سلام الله علیها»	به قلب من به جان من
نشسته نام فاطمه	به دفتر و زبان من
خدا به احترام او	نشاند زیر پای ما
برای این محبتش	بهشت جاودانه را

حجاب برتر میاد  
 شیعه مولا می شی  
 با تقوا و کریمه  
 پا بی جوراب بمونه  
 با جلوه‌های قشنگ  
 باشن برای خونه  
 روشنی دل و جون  
 میل و نیاز شیطون

چادر که بر سر میاد  
 شبیه زهرا «سلام الله علیها» می شی  
 ای دختر مؤمنه  
 خدا نمی پسند  
 لباس‌های رنگارنگ  
 دور از جمع مردونه  
 دخترای مهربون  
 لباس تنگ و چسبون

## داستان کودکانه

### داستان حدیث کساء

(این داستان به صورت آهنگین قابل استفاده است. مقداری از آن با ریتم شعری است و مقداری از آن به صورت ساده که این تلاطم موجب جذابتر شدن ارائه خواهد شد.)

یه روز حضرت زهرا سلام الله علیها مادر ما بچه‌ها، که خیلی مهربونه، تنها بود و نشسته بود تو خونه. که یک دفعه متوجه شدند که، تق و تق و تق در میزنند، حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

کیه کیه که پشت در در می‌زنه، به خونه امام علی (علیه السلام) سر می‌زنه؟ کسی که پشت در بود گفت: منم منم پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم)، که اوادم پشت در.

سلام بر دخترم! فاطمه ی اطهرم. حضرت زهرا (سلام الله علیها) با خوشحالی رفتند و در را باز کردند و جواب سلام پدر را دادند و گفتند بفرمایید داخل، پیامبر خدا (صلی الله و علیه و آله و سلم) پدر حضرت زهرا (سلام الله علیها) بودند. پیامبر (صلی الله و علیه و آله و سلم) فرمودند:

ای دختر عزیزم مریضم و مریضم یه دونه عبا میاری که رو سرم بذاری؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم رفتند و یک عبا که مثل پتو بود آوردند و روی پیامبر انداختند عبا یک پارچه ی بزرگ است که عرب ها روی دوششان می انداختند. مثل همین چیزی که روحانی ها روی دوششان می اندازند.

حالا بگو عزیزم! قشنگم و تمیزم! اسم عباشون چی بود؟ کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود.

وارد شدن امام حسن علیه السلام

کمی گذشت که حضرت زهرا (سلام الله علیها) متوجه شدند که دوباره تق و تق و تق در میزنند. حضرت فرمودند:

کیه کیه که پشت در در می زنه، به خونه ی امام علی سر می زنه؟ کی بود؟ امام حسن (علیه السلام) بود. سرور هر مرد و زن، چراغ راه دین و امام دومین بود. امام حسن (علیه السلام) پسر بزرگ حضرت زهرا سلام الله علیها بودند، که آن زمان کوچک بودند؛ به مادر احترام کرد و گفت: سلام مامان خوبم مامان مهربونم، حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم در جواب فرمودند: سلام نور دو چشمم سلام میوه ی قلبم، امام حسن (علیه السلام) فرمودند: چه بوی خوبی میاد؟ بوی آقا جون میاد؟ این بویی که پیچیده توی خونه، شبیه بوی عطرِ بابا بزرگ می مونه.

پیامبر، پدر بزرگ امام حسن بودند. حضرت زهرا در جواب فرمودند: بله، پیامبر اینجا هستند و بعد جای پیامبر و عبا را نشان امام حسن دادند. اسم عباشون چی بود؟ . کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود. امام حسن رفتند، پیش پیامبر و فرمودند: سلام ای مهربونم بابا بزرگ خوبم. اجازه می دید منم زیر عباتون بشینم و بمونم. پیامبر هم اجازه دادند و امام حسن هم رفتند زیر عبا ی ایشان. اسم عباشون چی بود " کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود.

وارد شدن امام حسین علیه السلام

کمی گذشت و حضرت زهرا متوجه شدند، دوبار تق و تق و تق در میزنند. حضرت فرمودند:

کیه کیه که پشت در در می‌زنه، به خونه ی امام علی سر می‌زنه؟ کی بود؟ امام حسین (علیه السلام) بود، عزیز و نور دو عین چراغ راه دین و امام سومین بود.

امام حسین پسر دوم حضرت زهرا بودند، که آن زمان، کوچک بودند. حضرت زهرا خیلی ایشان را دوست داشتند و هر کسی که نامش، هم نام امام حسین باشد، با هر بار صدا زدن نامش، حضرت زهرا برایش دعا می‌کند و می‌گوید: خدایا به حق حسینم، او را حفظ کن ایشان فرمودند:

سلام مامان خوبم مامان مهربونم، حضرت زهرا هم در جواب فرمودند: سلام نور دو چشمم “سلام میوه قلبم. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: چه بوی خوبی میاد بوی پیامبر میاد؟ این بویی که پیچیده توی خونه، شبیه بوی عطر بابا بزرگ می‌مونه. حضرت زهرا در جواب فرمودند: بله، پیامبر اینجا هستند و بعد جای پیامبر و عبا را نشان امام حسین دادند. اسم عباشون چی بود” کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود. امام حسین رفتند، پیش پیامبر و فرمودند: سلام ای مهربونم بابا بزرگ خوبم. اجازه می‌دید منم زیر عباتون بشینم و بمونم. پیامبر هم اجازه دادند و امام حسین هم رفتند زیر عبا ی ایشان. اسم عباشون چی بود” کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود.

وارد شدن امیرالمومنین علیه السلام

کمی گذشت حضرت زهرا متوجه شدند، دوباره تق و تق و تق در می‌زنند. حضرت فرمودند: کیه کیه که پشت در، در می‌زنه، به خونه امام علی سر می‌زنه؟ کی بود؟ امام علی (علیه السلام) بود؛ وصی بعد از نبی بود چراغ راه دین و امام اولین بود. امام علی (علیه السلام) فرمودند: سلام حضرت زهرا؛ دختر رسول خدا. حضرت زهرا هم در جواب گفتند: سلام امیرمؤمنینم، سلام امام اولینم. حضرت علی (علیه السلام) همسر حضرت زهرا (سلام الله علیها) بودند. ایشان فرمودند: بوی خوش پیامبر؛ پر شده توی خونه، آیا رسول خدا، مهمون خونمونه؟

حضرت زهرا در جواب فرمودند: بله، پیامبر اینجا هستند و بعد جای پیامبر و عبا را نشان امام علی دادند. اسم عباشون چی بود”. کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود. امام علی رفتند، پیش

پیامبر و فرمودند: سلام رسول خدا" اجازه می دید، منم باشم با شما بشینم زیر عبا. پیامبر هم اجازه دادند و امام علی هم رفتند زیر عبا. . تا الان چه کسانی زیر عبا نشستند؟ اسم عباسون چی بود". کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود.

وارد شدن حضرت زهرا سلام الله علیها

خب بچه‌ها به نظرتون" دیگه کی مونده بود که بره بشینه زیر عبا پیش پیامبر خدا آفرین بانو حضرت زهرا، حضرت زهرا رفتند پیش پیامبر و دوباره سلام کردند و فرمودند: سلام رسول خدا" اجازه می دید منم باشم با شما بشینم زیر عبا؟ پیامبر فرمودند: سلام به تو دخترم" سلام پاره تنم، بیا تو هم بشین کنار ماها، تا که همه با هم بشیم پنج تن آل عبا، بچه‌ها پنج تن آل عبا کیا بودن؟ پیامبر و امام علی حضرت زهرا امام حسن و امام حسین علیهم السلام. اسم عباسون چی بود. کسا بود و کسا بود. کسا بود و کسا بود.

وارد شدن حضرت جبرئیل

بعد حضرت جبرئیل از خداوند اجازه گرفتند و به نزد پیامبر رفتند. بعد پیامبر دو سر عبا رو گرفتند و دست راستشان را به طرف آسمان بلند کردند و برای کسانی که زیر عبا ایشان بودند و همه ی کسانی که آن ها را دوست دارند، دعا کردند.

حضرت فرموده اند، کسانی که نام آل کساء، را در جمعشان، ذکر می کنند خداوند غم آن ها را از بین می برد و حاجت‌هایشان را برآورده می سازد. ان شاء الله

## معرفی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

(مطالب این بخش را میتوان در چند روز ارائه داد. مثلا در ابتدای کلاس که هنوز بچه‌ها خسته نشده اند، از این نکات استفاده کرد و در ادامه که کمی بچه‌ها خسته شدند، از بازی و مسابقه استفاده نمود. البته در آخر نیز لازم است که این مطالب یادآوری شود. برای اینکه در ذهن‌ها بیشتر تثبیت شود، خوب است که در ابتدای هر جلسه، مطالب قبلی را بپرسید.)



بسم الله الرحمن الرحيم به مدد و عنایت حضرت حجت ارواحنا له الفداء عرض سلام دارم خدمت شما و فرا رسیدن ایام شهادت غریبانه ی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را ابتدا به فرزند داغدارشان حضرت مهدی علیه السلام و بعد خدمت شما فرزندانم تسلیت عرض می‌کنم.

عزیزان دلم می‌دانید الان در چه ایامی به سر می‌بریم؟ ایام فاطمیه اما ایام فاطمیه به چه معناست؟ و چرا ما همه ساله در این زمان‌ها ایام فاطمیه می‌گیریم؟ در واقع ایام فاطمیه همه ساله در بزرگداشت یک بانوی جوان با عظمت گرفته می‌شود که خیلی غریبانه و مظلومانه به شهادت رسید.

این بانوی بزرگوار همان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها هست بیاید با هم کمی در مورد حضرت فاطمه زهرا سلام الله صحبت کنیم و ایشان را بهتر بشناسیم.

## ولادت بانوی هردو جهان

خدا به پیامبر عزیز ما و همسرش حضرت خدیجه کبری سالم الله علیها دختری هدیه می‌کند دختر پاک و درستکاری که تا آن روز و بعد از آن تا به حال به هیچکس هدیه نداده بود. وقتی که حضرت فاطمه سلام الله علیها به دنیا آمد حتی فرشته‌های آسمان هم برای دیدن این دردانه‌ی زیبای پیامبر به زمین آمدند.

پیامبر به امر و دستور خدا اسم این دختر زیبا را فاطمه می‌گذارند. می‌دانید فاطمه به چه معناست؟ فاطمه یعنی جدا شده، جدا شده از بدیها وقتی دشمنان پیامبر و اسلام متوجه شدند که خدا به پیامبر دختر داده است نه پسر از این موضوع خیلی خوشحال شدند.

و ایشان را اذیت کردند و گفتند که ای پیامبر تو ابتر هستی یعنی پسری نداری که نسلت را ادامه بدهد و بعد از تو دیگر کسی نیست که مردم را به اسلام و خدا دعوت کند.

اما خدای مهربان نسل پیامبر را با دختر عزیز پیامبر ادامه داد و برای اینکه مقام و بزرگی حضرت فاطمه را نشان دهد سوره مبارکه کوثر را بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد.

## کوثر پیامبر صلی الله علیه و آله

و از حضرت پیامبر خواست که به جهت این کوثری که به او هدیه کرده است خوشحال باشد و قربانی کند، بیاید همه با هم این سوره خاص قرآن را بخوانیم. در این سوره مبارکه خدا به پیامبرش می‌فرماید نسل تو از همین دختر پاک ادامه پیدا می‌کند.

پیامبر خیلی دخترش فاطمه را دوست داشت همیشه او را به آغوش می‌گرفت و می‌بوسید و می‌گفت فاطمه بوی بهشت می‌دهد، فاطمه یک فرشته است که شبیه آدم‌ها شده است، وقتی که فاطمه خوشحال است خدا خوشحال می‌شود و وقتی که فاطمه ناراحت است خدا ناراحت می‌شود.

وقتی فاطمه یک دختر بچه بود مادر فداکار و عزیزش را از دست داد اما با همه ی کودکی خودش هر کاری که از دست اش بر می‌آمد برای پدر مهربانش انجام می‌داد او یار و یاور پیامبر بعد از رحلت مادرش شده بود.

وقتی بت پرستان در کوچه و بازار پیامبر صلی الله علیه و آله را مورد اذیت قرار می‌دادند و سنگ پرتاب می‌کردند و خاکستر بر سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله می‌ریختند.

فاطمه مثل یک مادر دلسوز در حالی که اشک در چشمانش جمع می‌شد. سر و روی پدر را پاک می‌کرد. و از ایشان مراقبت می‌کرد به همین خاطر پیامبر همیشه به دخترش می‌فرمود ام ایها یعنی مادر پدرش یعنی فاطمه جانم تو مثل مادرم هستی.

## از دواج پاکترین دختر

حضرت فاطمه سلام الله عليها در حالی که کمک و یار پدر بود بزرگ شد و به سن ازدواج رسید خیلی‌ها دوست داشتند که با فاطمه که دردانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و دختری پاک و مهربان و گرامی عروسی کنند.

اما بهترین و پاکترین دختر روی زمین باید با بهترین و پاکترین پسر روی زمین ازدواج می‌کرد. به همین خاطر حضرت فاطمه سلام الله به دستور خدا با حضرت علی علیه السلام عروسی می‌کنند.

همه ی دخترها تا اسم عروسی را می شنوند قند در دلشان آب می‌شود و دوست دارند که خودشان هم وقتی که بزرگ شدند عروس شوند و لباس زیبا و سفید عروسی بپوشند.

حالا نوبت فاطمه شده بود شب عروسی فاطمه است و برایش یک لباس عروس آماده کرده اند که در شب عروسی بپوشد در همین حال یک فقیری پشت در می‌آید و می‌گوید که ای خاندان نبوت و معدن و خیر و جوانمردی اگر لباس کهنه ای دارید به من بدهید.

که من نیازمند هستم ای خاندان محمد فقیر شما برهنه است. وقتی حضرت فاطمه صدای فقیر را می شنوند. بلند می‌شوند که به فقیر کمک کنند در حالی که فقط دو لباس داشتند یکی لباس عروس و دیگری یک لباس کهنه ی وصله دار یکی از لباسها را باید فاطمه انتخاب می‌کرد.

که به فقیر بدهد و فاطمه همان کسی است که کاری بس بزرگ کرد و در حالی که شب عروسی خودش بود لباس کهنه را برای خودش نگه داشت و لباس زیبا و سفید عروس را به فقیر هدیه کرد.

پیامبر وقتی داستان را شنیدند. گریه کردند و فاطمه سلام الله عليها را به سینه چسباندند و فرمودند فاطمه جان خدا به تو سلام می‌رساند. و می‌فرماید: به فاطمه بگو هرچه می‌خواهی و هرچه دوست داری بگو که من به تو هدیه کنم.

کسی می‌داند که حضرت فاطمه از خدا در این شب چه چیزی خواست؟ جالب است بدانید فاطمه سلام الله علیها برای خودش هیچ چیزی نخواست آن بانوی گرامی فقط شفاعت و نجات و بخشش ما امت پیامبر را از خدا خواست و عرضه کرد که من می‌خواهم که شیعیان امت پیامبر صلی الله علیه و آله بخشیده شوند.

و جبرئیل در جواب خواسته فاطمه این طور عرضه کرد که خدا می‌فرماید من آنقدر از گناه کاران امت پیامبر را که در دلشان محبت فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و فرزندان فاطمه را داشته باشند می‌بخشم که فاطمه راضی شود.

یعنی با اینکه حضرت فاطمه هر دعا و خواسته ای می‌کرد خدا حتما برآورده می‌کرد. اما برای خودش هیچ نخواست و فقط برای ما دعا کرد. ای کاش ما هم بتوانیم جواب این خوبی مهربانانه‌ی حضرت فاطمه سلام الله علیها را بدهیم.

اما چطور می‌توانیم؟ با محبتمان به فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و فرزندان فاطمه سلام الله علیها بعد از گذشت زمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند و حضرت زهرا در داغ پدر مهربانشان بسیار غمگین و ناراحت شدند به طوری که شب و روز گریه می‌کردند.

اینقدر گریه می‌کردند که مردم به سراغ حضرت علی آمدند و گفتند به فاطمه بگو یا روز گریه کند یا شب اما دلیل گریه حضرت فاطمه سلام الله علیها چه بود؟ حضرت فاطمه سلام الله علیها پدر را خیلی دوست داشت.

### **دلیل گریه حضرت زهرا علیها السلام**

نبود پدر ایشان را بسیار اذیت می‌کرد اما گریه ایشان فقط به خاطر پدرش نبود!!! اجازه دهید دلیل گریه فاطمه سلام الله علیها را برایتان بگویم. چند ماه قبل از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از دنیا بروند وقتی از سفر حج بر می‌گشتند در یک مکانی حاجیان را جمع کردند و به آنها مطلب مهمی را بیان کردند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای مردم اگر روزی من در کنار شما نبودم علی علیه السلام جانشین من و امام شماست اگر مسئله برای شما پیش آمد به او مراجعه کنید دین و اسلام را از او بخواهید و به علی قول بدهید که از او اطاعت و پیروی می‌کنید.

و پیمان ببندید و بدانید که هر کس که به سمت علی برود خدا او را بهشتی می‌کند و این طور خیلی واضح پیامبر صلی الله علیه و آله وضعیت بعد از خودشان را روشن کردند.

اما وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم از دنیا رفتند دشمنان پیامبر و حضرت علی علیه السلام فرمایشات پیامبر را فراموش کردند و در حالی که امیرالمومنین داشتند پیامبر را غسل و کفن می‌کردند.

آنها در جایی جمع شدند و برای پیامبر جانشین انتخاب کردند و یادشان رفت که پیامبر به دستور خدا جانشین خودش را به مردم معرفی کرده بود.

و مردم به جای اینکه دنبال علی علیه السلام بروند سراغ دشمنان دین و پیامبر رفتند و این چنین علی را تنها گذاشتند و از همه بدتر اینکه آن دشمنان خدا درب خانه حضرت علی علیه السلام رفتند.

و گفتند که علی هم باید بیاید و با ما پیمان ببندد وقتی که حضرت فاطمه سلام الله علیها دید دشمنان پشت در آمدند که علی را با خودشان ببرند پشت در حاضر شدند و خواستند که مانع از ورود این دشمنان پست و پلید به خانه شوند.

و فرمودند که اجازه نمی‌دهم آسیبی به علی وارد کنید. اما این دشمنان رحمی نداشتند و می‌خواستند به زور وارد خانه شوند وقتی مقاومت حضرت فاطمه سلام الله علیها را دیدند چنان به در فشار آوردند که فاطمه علیها السلام بین در و دیوار ماند و استخوان پهلویش شکست و طفل شش ماهه در شکم اش سقط و شهید شد.

دشمنان خدا نشناس دستور دادند که هیزم بیاورید تا خانه و اهلش را به آتش بکشیم در زمان کوتاهی هیزم بسیاری جمع شد و آنان درب خانه را آتش زدند.

مدت زمان زیادی از این اتفاق تلخ نگذشته بود که فاطمه زهرا سلام الله علیها به دلیل زخم پهلو و جراحات بسیار و گریه‌های طولانی شهید شد.

اما چرا فاطمه سلام الله علیها این چنین برای علی علیه السلام جانفشانی کرد و جانش را از دست داد؟ چون علی شوهر فاطمه بود؟

درست است که علی علیه السلام شوهر فاطمه سلام الله و همه کس فاطمه بود. اما مهمتر از همه این بود که علی علیه السلام امام فاطمه سلام الله علیها است و چون در زمان فاطمه بود.

در واقع علی امام زمان فاطمه است و اگر فاطمه پشت در حاضر شد و این چنین به دفاع از علی پرداخت در واقع او اینچنین به دفاع از امام زمانش برخاسته بود. فاطمه پشت در حاضر شد که کمترین آسیبی به امام زمانش وارد نشود.

در واقع گریه و اندوه و غم بسیار فاطمه سلام الله علیها اگر چه هم به جهت فراق پدر بود اما دلیل اصلی آن تنها و بی یاور ماندن علی علیه السلام به عنوان امام زمان اش بود اما با تمام زخم‌هایش فاطمه شبانه به در خانه‌ی مردم می رفت.

و به آنها می فرمود مگر شما با علی پیمان نبستید بیایید علی را یاری کنید، بیایید به سراغ علی بروید، بیایید از علی پیروی کنید، او جانشین پیامبر و امام زمان شماست.

اما به نظر شما اگر الان حضرت فاطمه سلام الله زنده بودند چه می کردند؟ همچنانکه آن زمان به دفاع از امام زمانشان برخاستند اکنون نیز با تمام وجود به دفاع و یاری امام زمانشان مشغول می شوند همان امام زمانی که فرزند امام عسکری علیه السلام است و سالهای بسیاری است که در غیبت به سر می برد.

اگر الان فاطمه علیها السلام بود تلاش می‌کرد. که هر کاری کند که امام زمانش از او راضی باشد. ما باید این بانوی بزرگوار را برای خودمان الگو قرار بدهیم و تلاش کنیم که ما هم مثل او با تمام وجود به دفاع و یاری امام زمانمان بپردازیم.

## یاری امام زمانش

چطور می‌توانیم امام زمان خود را یاری کنیم؟ با دعا کردن برای این امام مهربان که خدا زودتر ظهورشان را برساند می‌توانیم ایشان را کمک کنیم، حضرت فاطمه سلام الله هر زمان که می‌خواستند دعا کنند.

برای همه دعا می‌کردند بعد برای خودشان و اگر الان حضرت فاطمه بودند حتما و قطعا برای ظهور امام زمانشان دعا می‌کردند و برای اینکه بلاها از امام زمانشان دور شود حتما برایشان صدقه می‌دادند.

پس ما هم مثل حضرت فاطمه سلام الله علیها وقتی که می‌خواهیم دعا کنیم اول برای ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنیم که اگر ایشان ظهور کند چنان خوش‌بخت می‌شویم که حتی نمی‌توانیم تصور کنیم. و برای اینکه این امام مهربان از بلاها دور باشد هر روز برایش صدقه بدهیم.

و حواسمان باشد که این امام زنده است و ما را می‌بیند و صدای ما را می‌شنود او را زنده بدانیم و به یادش باشیم و سعی کنیم که هر روز با او صحبت کنیم و در واقع برویم و با امام زمان خودمان دوست باشیم او بزرگترین چیزی است که اکنون ما گم کرده‌ایم.

## رنگ آمیزی

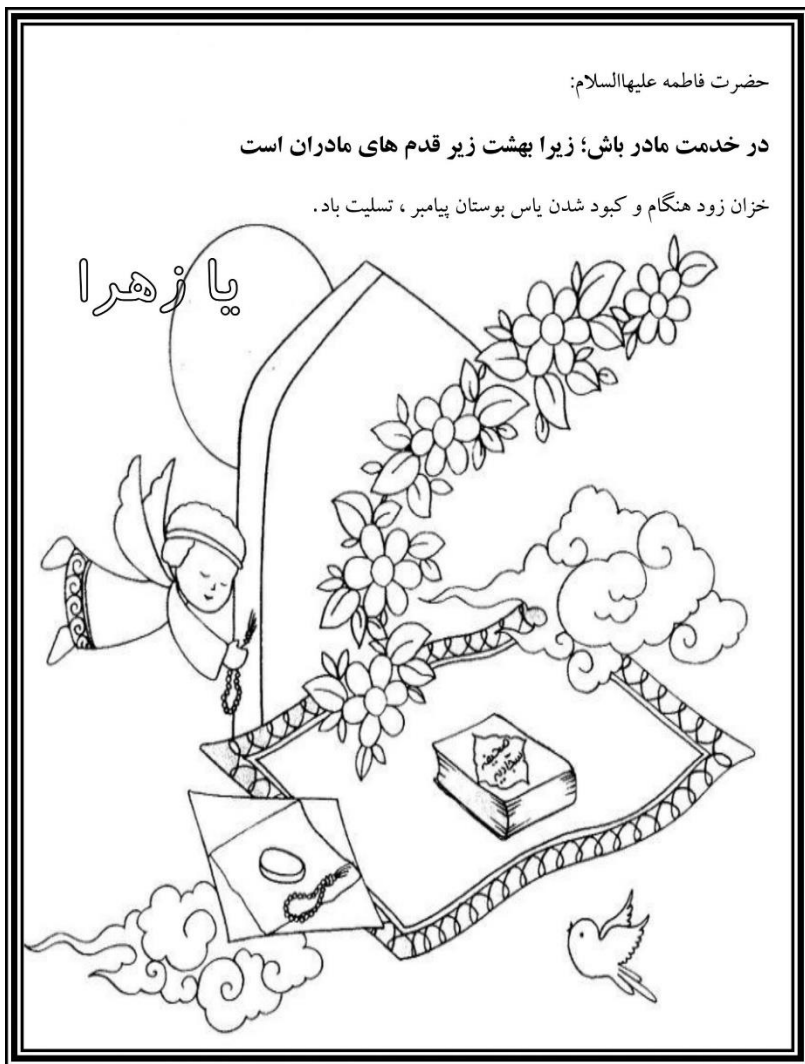
### بهشت زیر پای مادران است

حضرت فاطمه علیها السلام:

در خدمت مادر باش؛ زیرا بهشت زیر قدم های مادران است

خزان زود هنگام و کبود شدن یاس بوستان پیامبر، تسلیت باد.

یا زهرا





## تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام



### تسبیح حضرت زهرا

فاطمه علیها السلام گفت: «سلام پدرجان!»  
 پیامبر گفتند: «سلام دختر گلم، سلام پاره‌ی تنم.»  
 فاطمه گفت: «پدر جان، می‌خواستم چیزی بگویم! اما رویم نمی‌شود.»  
 حضرت محمد صلی الله علیه و آله گفتند: «بگو دختر عزیزم!»  
 فاطمه گفت: «آخر... آخر... کارهای خانه‌ی ما خیلی زیاد است. من خیلی خسته می‌شوم. شما خدمتکاری سراغ نذارید که - به من کمک کند؟»  
 پیامبر صلی الله علیه و آله لبخندی زدند و گفتند: «می‌خواهی چیزی به تو بدهم که از خدمتکار بهتر باشد؟»  
 فاطمه ذوق کرد: «بلی... پدرجان... بله... می‌خواهم.»  
 پیامبر گفتند: «از امروز بعد از هر نماز و شبها که می‌خواهی بخوابی سی و چهار بار بگو الله اکبر، سی و سه بار بگو الحمد لله. و سی و سه بار بگو سبحان الله.»  
 فاطمه علیها السلام خوشحال شد و به خانه رفت. از آن روز این کلمه‌ها را همه‌ی مسلمان‌ها یاد گرفتند و خواندند. این ذکرها به «تسبیح حضرت زهرا علیها السلام» معروف شد.

## آموزش به دیگران



### آموزش به دیگران

حضرت زهرا علیها السلام در کنار وظایف خانه داری و رسیدگی به امور فرزندان، به آموزش و یاد دادن احکام و معارف دینی به مردم هم می‌پرداختند.  
 آن حضرت با تشکیل کلاس‌های درس برای زنان مدینه و پاسخ به سئوالات آنان و نیز خواندن روایات پیامبر برای مردم و نیز تعلیم اصول عقائد و ... به ارشاد و هدایت مردم می‌پرداختند.  
 فاطمه علیها السلام نه تنها از فراگرفتن دانش خسته نمی‌شدند، بلکه در یاد دادن مسائل دینی به دیگران از حوصله و پشتکار فراوانی برخوردار بودند.  
 روزی زنی نزد ایشان آمد و گفت: مادر پیری دارم که در مورد نماز خود اشیایی کرده و مرا فرستاده تا از شما مسأله‌ای بپرسم.  
 فاطمه علیها السلام سؤال او را پاسخ فرمود.  
 زنی برای بار دوم و سوم آمد و مسأله پرسید و پاسخ شنید، این کارتا ده بار تکرار شد و هر بار آن بانوی بزرگوار، سؤال وی را پاسخ فرمود. زن از رفت و آمدهای پی در پی شرمگین شد و گفت: دیگر شما رایبه زحمت نمی‌اندازم.  
 فاطمه علیها السلام فرمود: باز هم بیا و سؤال هایت را بپرس، تو هر قدر سؤال کنی من ناراحت نمی‌شوم، زیرا از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود:  
 روز قیامت علمای پیرو ما محشور می‌شوند و په آنها به اندازه دانش‌شان هدیه‌های گرانبها عطا می‌گردد و اندازه پاداش به نسبت میزان تلاشی است که برای ارشاد و هدایت بندگانشان خدا نموده‌اند.

## هدیه آسمانی

۲۵



### هدیه‌ی آسمانی

امام حسن و امام حسین علیهم السلام مریض شدند. حضرت زهرا و حضرت علی علیهم السلام برای سلامتی دو کودک دلپندشان سه روز روزه گرفتند. روز اول وقت افطار، صدای در آمد. «فقه» در را باز کرد. مرد فقیری پشت در بود. مرد فقیر گفت: «خدا به شما برکت دهد. به من کمک کنید.»

حضرت علی علیه السلام صدای مرد فقیر را شنیدند و از سر سفره برخاستند. نان خودشان را هم برداشتند تا به مرد فقیر بدهند. حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین علیهم السلام همین کار را کردند. آن‌ها شب با کمی آب افطار کردند. روز دوم باز هم روزه گرفتند و دوباره غذایشان را به یتیم دادند. روز سوم هم همین اتفاق افتاد. سه روز بود که خانواده‌ی حضرت علی علیه السلام سحر آب می‌نوشیدند و شب با آب افطار می‌کردند.

روز چهارم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به خانه‌ی آن‌ها آمدند و از سوی خدای بزرگ هدیه‌ای آسمانی برایشان آوردند. خدای بزرگ فقهی فداکاری بزرگ آن‌ها را در سوره‌ی «انسان» نازل کرده بود.

## فدک

۲۶

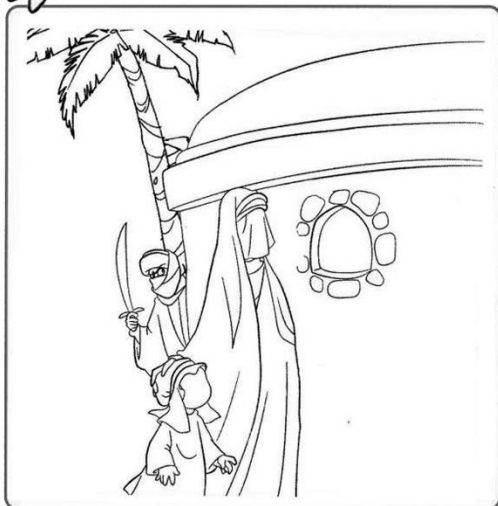


### روستای فدک

نزدیک شهر مدینه روستای زیبایی بود. روستا چشمه‌های شنگ و نخل‌های سرسبزی داشت. نام روستا «فدک» بود. مردم روستا هم یهودی بودند. روزی یهودی‌ها پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و زمین‌ها و باغ‌های روستا را به پیامبر بخشیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله هم به دستور خدای بزرگ فدک را به دخترشان فاطمه علیها السلام بخشیدند. چند سال بعد حضرت محمد صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند. چند نفر از دشمنان که به زور جای پیامبر نشستند، فدک را هم به زور از حضرت زهرا گرفتند. حضرت زهرا علیها السلام برای پس گرفتن فدک به مسجد آمدند و برای مردم سخنرانی کردند؛ اما آن‌ها فدک را به دختر پیامبر پس ندادند. منافقان می‌خواستند حضرت علی و حضرت زهرا مال و ثروتی نداشته باشد تا مردم از دور آن‌ها پراکنده شوند.

## نامه پاره

ساز

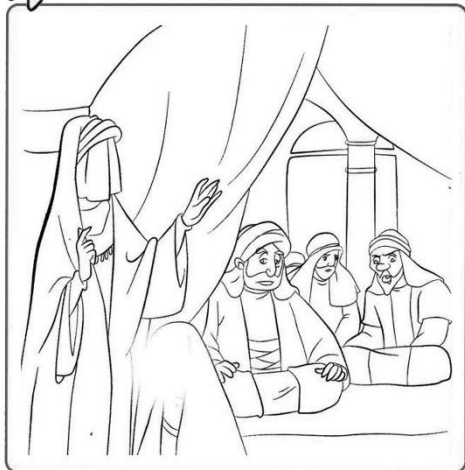


### نامه‌ی پاره

یک روز حضرت زهرا علیها السلام دست فرزند کوچک و زیبایان را گرفتند و به مسجد پیامبر رفتند. خلیفه در مسجد نشسته بود. حضرت زهرا پیش او رفتند و با او حرف زدند. حضرت زهرا به خلیفه گفتند که روستای فدک را پدرم به من بخشیده و شما آن را به زور گرفته‌اید. خلیفه خجالت کشید. نامه‌ای نوشت و به حضرت زهرا داد. او نوشته بود: فدک مال حضرت زهرا است. حضرت زهرا نامه را گرفتند و از مسجد رفتند. در راه یکی دیگر از منافقان حضرت زهرا را دید و فهمید که حضرت زهرا فدک را پس گرفته است. او به حضرت زهرا حمله کرد. نامه را گرفت و پاره کرد و حضرت زهرا را جلوی فرزندش کتک زد.

## سخنرانی مادرم

ساز



### سخنرانی مادرم

آن روز مادرم خیلی ناراحت بود. آخر دشمنان روستای فدک را به زور از او گرفته بودند. مادرم چادر مشکس و بلندش را پوشید. اشک‌هایش را پاک کرد و به من گفت: «زیب جان، تو هم با من می‌آیی؟»

من هم دویدم چادرم را سر کردم و همراه دوستان مادرم، دنبال مادر رفتم. مادرم می‌خواست به مسجد برود و با مردم حرف بزند. توی مسجد شلوغ بود. مردم وقتی دیدند دختر پیامبر آمده است، برده‌ی بزرگی آویزان کردند. مادر پشت پرده ایستاد و سخنرانی اش را شروع کرد.

به نام خداوند بخشنده مهربان... چند نفر با هم بیچ کردند و گفتند: «صدایش چقدر مثل پیامبر است!» مادر به یاد پدر افتاد و گریه کرد. صدای گریه‌ی مردم هم بلند شد. مادرم گفت:

«ای مردم، من فاطمه‌ام دختر پیامبر خدا. سخنانم دور از اشتباه است. ای مردم آیا اربت مرا می‌گیرید؟ ای خلیفه آیا در کتاب خدا نوشته است که تو از پدرت اربت می‌گیری و من از پدرم اربت نمی‌برم... ای خلیفه روستای فدک را بگیر... اما روز قیامت که آمد، خدا داوری می‌کند و پشیمانی دیگر سودی ندارد.»

سخنرانی مادرم تمام شد و با هم به خانه برگشتیم، اما دشمنان باز هم روستا را به ما پس ندادند.

## سخن با فرشتگان

سرخ



سخن با فرشتگان

یکی از القاب حضرت فاطمه (علیها السلام)، محدثه است؛ یعنی کسی که فرشتگان با او سخن می‌گویند.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: چون پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت نمود، شم و اندوه سخنی بر فاطمه زهرا علیها السلام روی آورد که ناگوار و غیر قابل تحمل بود و کسی چیز خواندند از دردها و ناراحتی‌های درونی آن حضرت آگاه نبود.

پس شهادی مئان جهت تستای آن بزرگوار فرشته ای را مأمور نمود تا با وی هم سخن و هم راز گردد؛ مدتی به این صورت گذشت، تا آن که روزی این موضوع را با همسر خود ابیرموشان علی علیه السلام در میان نهادند که فرشته ای نزد من می‌آید و با من موش گشته و برای من حدیث می‌گوید.

امام فرمود: هر گاه متوجه شدی که او آمده است مرا آگاه کن.

پس از آن، هر زمان که فرشته نزد حضرت زهراء علیها السلام وارد می‌شد، همسر خود، علی علیه السلام را خبر می‌نمود و حضرت علی علیه السلام نیز تمامی آنچه را که گفته می‌شد می‌نوشت. تا آن که یک کتاب کامل شد و به نام مصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) نامیده شد و تمام علوم و آیه‌ها که آنها در تمام روزها می‌نویسند آن باشند در آن کتاب شریف موجود است.

پس امام صادق (علیه السلام) افزودند: کتاب مصحف نزد ما اهل بیت موجود می‌باشد.

در حدیثی دیگر آمده است که این مطلب که فرشته می‌آورد غیر از قرآن بود، وحی آیه ای از قرآن هم در آن نبود بلکه اتفاقاتی که در آینده پیش خواهد آمد، اسم پادشاهان و فرمانروایان و چیزهای دیگر را شامل می‌شد.

## هجوم به خانه

سرخ



دری خانه

ناگهان همه با هم در خانه را کوبیدند، تق... تق... تق... تاق... تاق... تاق.

بعدهای صدای داد و فریاد توی خانه پیچید؛ «بیا بیرون... بیا بیرون...»

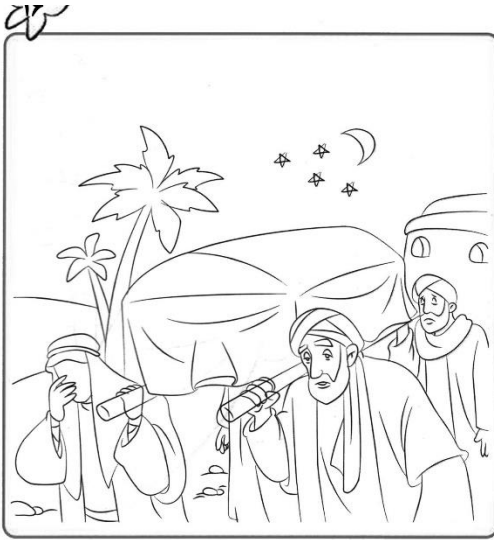
چند نفر با هم پشت در فریاد می‌زدند: «ای علی بیا بیرون... بیا بیرون. باید با خلیفه و جانشین پیامبر دست بیعت بدهی.»

حضرت علی علیه السلام از جا برخاستند تا پشت در بروند. حضرت زهرا علیها السلام گفتند: «ای پسر عمو عزیزم، بگذار من بروم. شاید صدای مرا بشنوند و خجالت بکشند!»

حضرت علی علیه السلام گفتند: «باشد تو برو.»

حضرت زهرا علیها السلام بلند شدند تا پشت در بروند. اما هنوز به در اتاق نرسیده بودند که باز داد و فریاد شروع شد: «اگر نیایی، تمام خانه را به آتش می‌کشیم» بعد هم شعله‌های آتش از پشت در بالا رفت. حضرت زهرا علیها السلام آمدند و گفتند: «از جان ما چه می‌خواهید.» دشمنان وقتی فهمیدند دختر پیامبر پشت در است با لگد در را شکستند. در شکسته و نیم سوخته هم محکم به حضرت زهرا خورد. حضرت زهرا زخمی شدند و بدنشان پر از خون شد و روی زمین افتادند.

## دفن شبانه



### شهادت حضرت فاطمه (علیه السلام)

حضرت فاطمه (علیه السلام) به هنگام شهادت وصیت نمودند:

یا علی شبانه بر من نماز گزار و تشیع و دفن نما  
من راضی نیستم کسانی که در حق من ظلم نمودند  
در نماز بر من و تشیع جنازه ام حاضر شوند.

این وصیت نشانه اعتراض بر ظلم ها و مصیبت‌هایی بود  
که پس از پیامبر، دشمنان بر سر ایشان و  
حضرت علی (علیه السلام) و خاندان پیامبر آورده بودند

## دسته عزاداری



هر سال، روز شهادت حضرت زهرا (س)،  
با دسته های عزاداری از خانه هایمان  
بیرون می آییم و پرچم سیاه به دست

می گیریم و سینه می زنیم تا  
مظلومیت آن حضرت را نشان دهیم و  
بگویم اگر آن روز کسی نبود که  
از حق شما دفاع کند،  
امروز همه ما بچه های شیعه  
آماده ایم که با تمام وجودمان  
از حق دفاع کنیم.



## حدیث کساء



## کارخانه

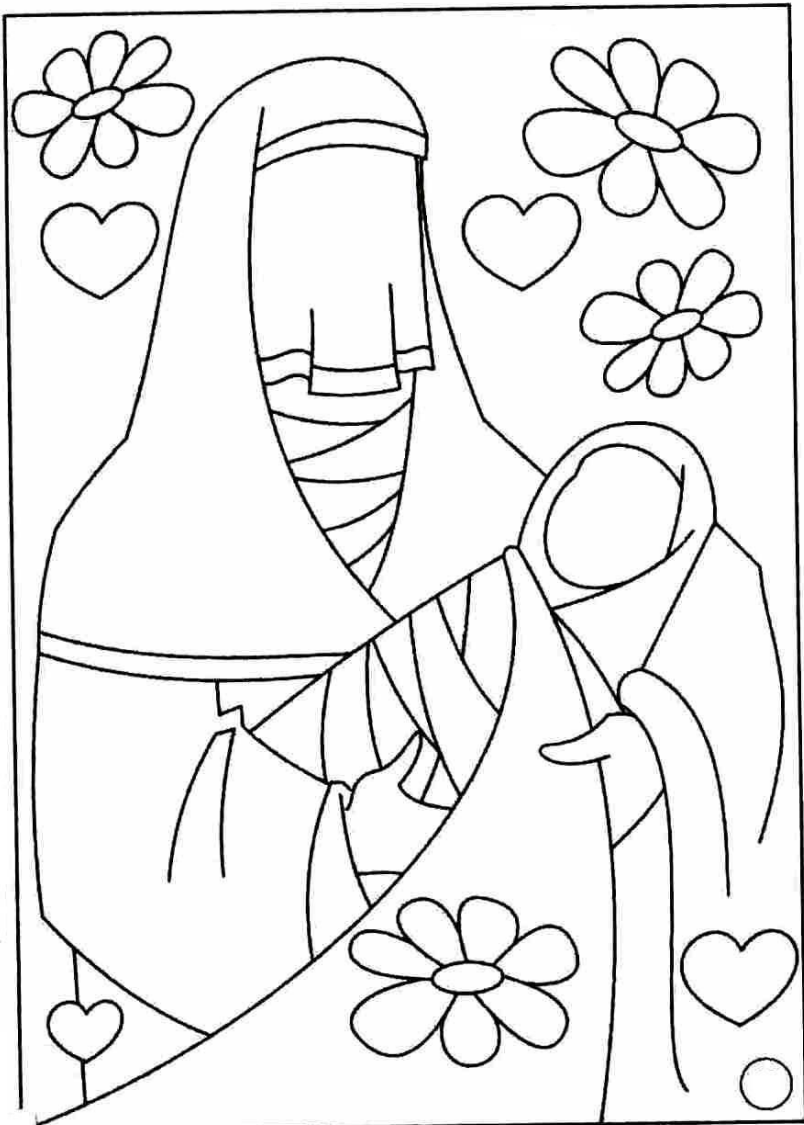




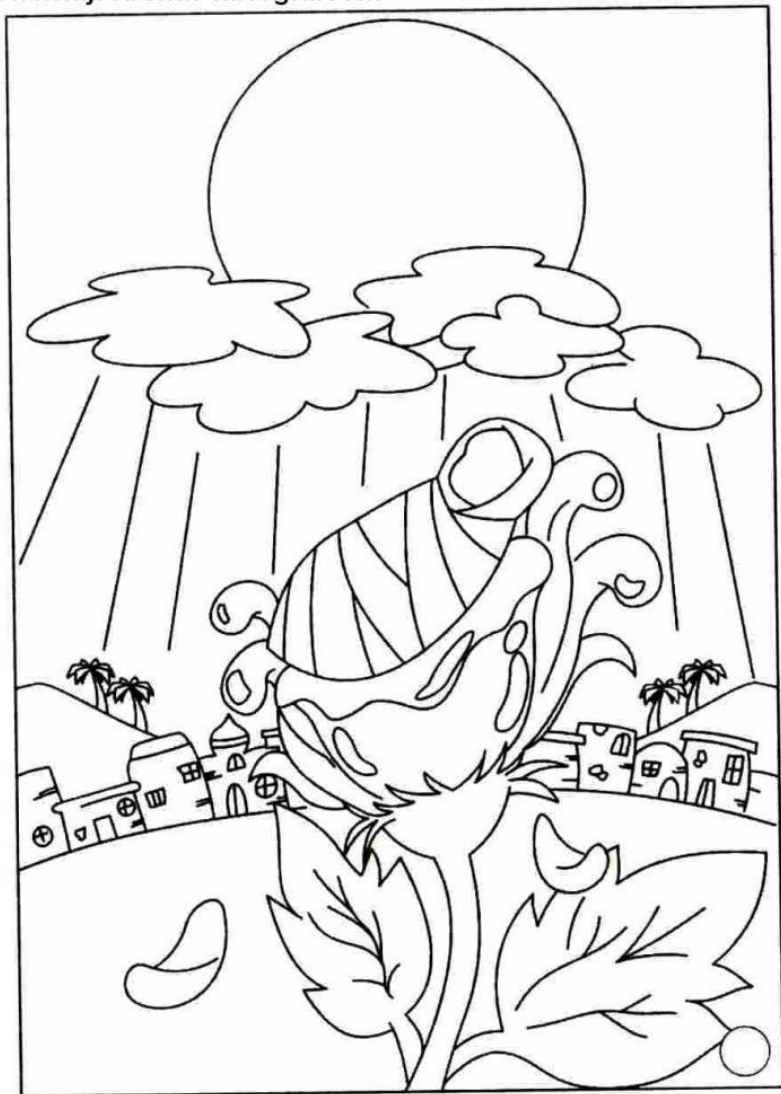


کمک به فقیر









تسییح

نام: \_\_\_\_\_ نام خانوادگی: \_\_\_\_\_ کلاس: \_\_\_\_\_

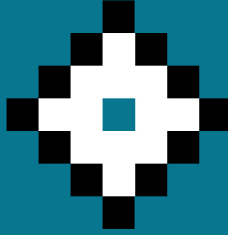
برای پیدا کردن پیام تسییح، ابتدا حرف خانه اول را بنویسید. بعد حروف خانه‌ها را ۷ تا ۷ تا بشمارید. آن گاه حروف را کنار هم قرار دهید تا پیام کامل شود. پیام کامل را در کادر مورد نظر قرار دهید. همچنین در جاهای خالی، کلمه‌های مناسب بنویسید.

**فضیلت ذکر با تسییح**

روزی پیامبر اکرم (ص) دخترش، حضرت زهرا (س) را دید و ذکرهای معروفی را به او آموخت که آن‌ها عبارتند از: ۱..... ۲..... ۳.....

حضرت زهرا (س) برای شمارش آن ذکرها، تسییحی از نخ پشمین درست کرد و به آن گره‌های متعدد زد. پس از شهادت حضرت حمزه علیه السلام (در غزوة احد)، حضرت زهرا (س) از خاک قبر ایشان تسییحی درست کرد و با آن ذکر می‌گفت. بعد از قیام امام حسین علیه السلام و به شهادت رسیدن حضرت به دلیل فضیلت تربت کربلا، ساختن تسییح با تربت مزار آن امام شهید انجام گرفت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که تسییحی از تربت قبر حسین علیه السلام همراه خود داشته باشد، تسییح گوی محسوب می‌گردد هر چند با آن ذکر نگوید.

پیام: تسییحات.....



از این حوزه‌ها بوده است که علما و مبلغانی برخاستند و در میان مردم تبلیغ دین کردند و روحیه‌ی دینی را در مردم تقویت نمودند و همچنین توانستند فکر جامعه را هدایت کنند. از هزار سال پیش تا امروز - یعنی بعد از دوران حدیث و متن‌گرایی، و از اول دوران استدلال - این حوزه‌های علمیه بودند که توانستند فکر دینی مردم را هدایت کنند و به آنها روحیه‌ی دینی بدهند و دین را حفظ نمایند.

رهبر معظم انقلاب ۱۳۷۰/۶/۳۱

شناسه کاربری مؤسسه در ایتا و اینستاگرام  
@balaghalmobin